

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# فرهنگ نیاکان

نویسنده:

محمد حسین حسینی

هدیه به: همهی سربازان ایران و آنها که ایران را دوست دارند و به آن  
مهر می‌ورزند.

سرشناسه	:	حسینی، محمدحسین، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگ نیاکان/مولف محمدحسین حسینی؛ ویراستاری کیوان حسینی.
مشخصات نشر	:	شهر قدس: ناریا مهر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۷۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۰-۲۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	آیین‌ها -- ایران -- تاریخ
موضوع	:	Ritual -- Iran -- History
موضوع	:	جشن‌ها -- ایران -- تاریخ
موضوع	:	Fasts and feasts -- Iran -- History
موضوع	:	ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی -- پیش از اسلام
موضوع	:	Iran -- Social life and customs -- To ۶۳۳
رده بندی کنگره	:	GT۴۸۷۴
رده بندی دیویی	:	۳۹۴/۲۶۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۱۰۵۲۰۲

■ نام کتاب: فرهنگ نیاکان

■ نویسنده: محمدحسین حسینی

■ ناشر: ناریامهر

■ چاپ اول: ۱۳۹۸

■ نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۹

■ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۰-۲۱-۴

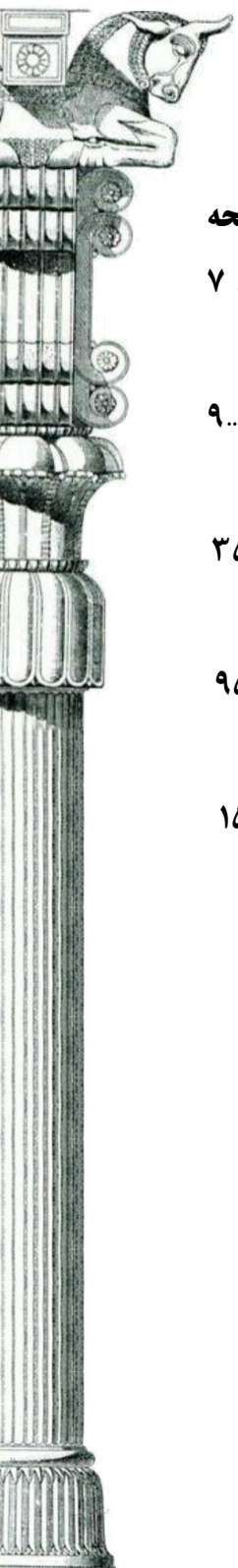
■ ویراستاری: کیوان حسینی

■ طراح جلد: مهدی قدردان

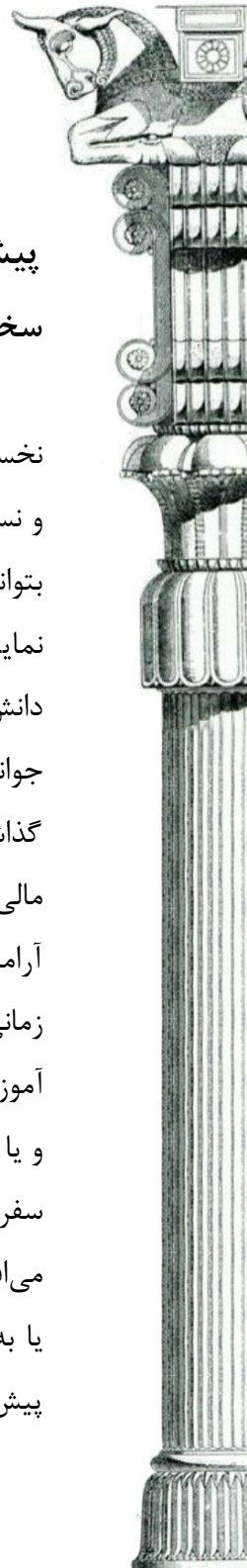
■ قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ ریال

■ دفتر انتشارات: شهر قدس، بلوار ۴۵ متری انقلاب، خیابان شاهد، پلاک ۷

تلفن: ۴۶۸۰۲۰۲۶



صفحه	عنوان
۷	* پیشگفتار
	* بخش نخست:
۹	چهارشنبه سوری
	* بخش دوم:
۳۵	سفره‌ی هفت سین
	* بخش سوم:
۹۵	جشن نوروز
	* بخش چهارم:
۱۵۵	سیزده بدر



## پیشگفتار:

### سخنی چند با خوانندگان گرامی:

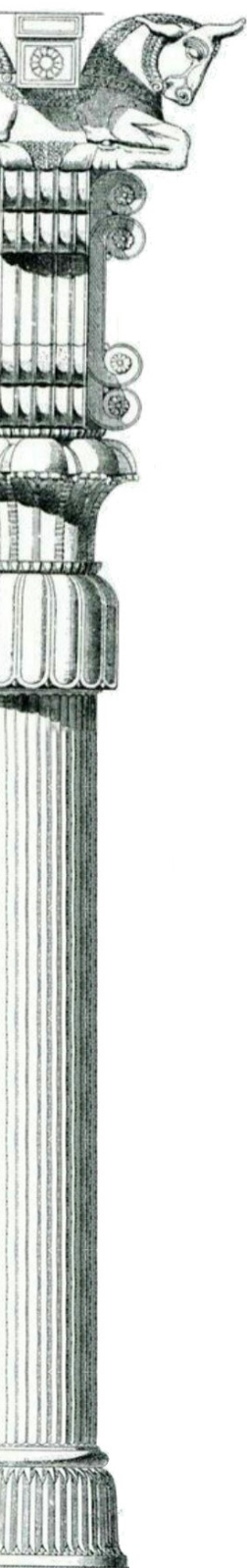
آنچه این‌جانب را بر آن داشت تا به نوشتن این کتاب به پردازم در درجه نخست تأمین سلامتی تمام مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان گرامی نسل کنونی و نسل‌های آینده که همگی برنامه ریزان و مجریان آینده این کشوری باشد تا بتوانند به نمایی از فرهنگ نیاکان خودآگاهی یابند و هم پژوهش و پیگیری نمایند تا دریابند و بدانند پایه کار از نخست چگونه آغاز شده و با بهره‌گیری از دانش و فنون و پیشرفت‌های جدید و توانمندی ذاتی که در وجود همه شما جوانان امروز و فردا وجود دارد توانمندی‌های خود را به شکلی زیبا به نمایش گذاشته و با همکاری و همفکری از کلیه اموال و دارایی‌ها و سود همگانی، مالی، سیاسی و بین‌المللی کشور درکل گیتی و با پدافند از مرزهای ایران عزیز آرامش و امنیت و سود و درآمد هر فرد و کل ملت را تأمین و پاسداری نمایید. زمانی که می‌بینم جوانی که از سرمایه‌های گرانبهای این کشور است و باید با آموزش‌های لازم و هدایت در آینده یکی از مدیران و افتخارآفرینان و سازندگان و یا نیروهای ویژه در تولید این کشور باشد به دلیل نبود آموزش درست در یک سفر و یا جشن شادی‌بخش سلامتی و آینده او در مسیر ریسک و آسیب می‌افتد و برابر گزارش‌ها و آمارها متأسفانه گاهی کم‌توان و یا ناتوان می‌شود و یا به هر دلیل دارایی‌های همگانی و مکان زیست به سمت تخریب و نابودی پیش می‌رود تهیه این کتاب را هرچند کامل نیست آغاز نمودم تا شاید آغازی

باشد بر انجام کاری بزرگ برای تمام آموزش‌ها، هرچند ابتدایی است و شاید تلنگری باشد برای آغاز همه آموزش‌هایی که برخی آن‌ها را بدیهی و پیش‌یافتاده می‌دانند و فکر می‌کنند برخی از کارها نیازی به آموزش ندارند و شاید مسئولین روزنامه‌ها و مجله‌ها و نویسندگان در وسایل خبررسانی و آگاهی‌های همگانی و ملی به یادآورند که کار مهمتر آن‌ها افزون بر تهیه آمار و گزارش‌ها، انجام برخی آموزش‌های کاربردی و فرهنگی و همگانی برای تأمین سلامتی و تندرستی هر فرد و تمام افراد کشور هم است و در برابر هریک از خسارت‌های جسمی، روانی و مادی بخشی از مسئولیت متوجه آن‌ها است همچنین پیگیری بخش گم‌شده تمدن پیشرفته پیشین و نه تا ده هزار سال تاریخ این سرزمین و تخریب زمین و مکان زیست چیزی نیست که بتوان از آن‌ها چشم پوشید.

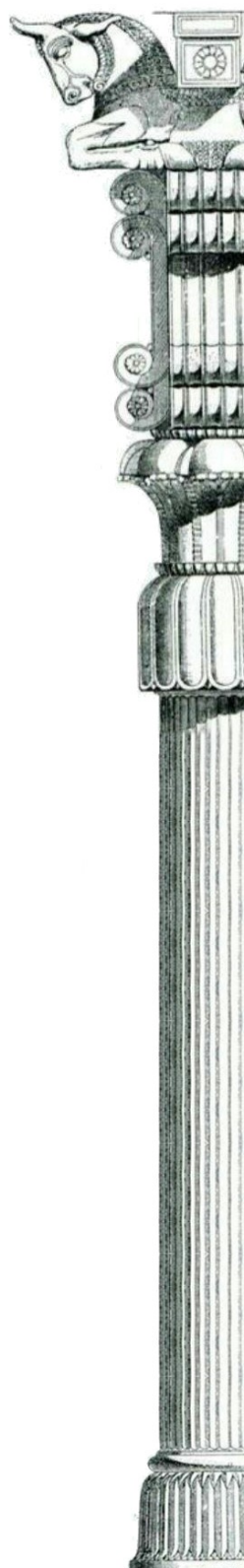
انجام مراسم جشن سده و چهارشنبه‌سوری، مراسم جشن نوروز و سیزده‌بدر و نگهداری مکان زیست که بخشی از فرهنگ ما و یادگار نیاکان پرافتخار ما هستند و تشکل‌های اولیه آریایی‌ها و همزیستی و همکاری و همگرایی بین آن‌ها را گذرا بررسی می‌کنیم و به برخی امور بیشتر می‌پردازیم.

محمدحسین حسینی

یکهزار و سیصد و نودوهشت خورشیدی



**بخش نخست:**  
**چهارشنبه‌سوری.**



### چهارشنبه‌سوری:

چهارشنبه‌سوری از چه زمانی، چگونه، چرا پدید آمد و چگونه به جشنی ملی و آموزشی و شاد تبدیل و ماندگار شد؟  
بخش اول: پیدایش و اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری با پایداری نزدیک به ۳۰۰۰ تا ۴,۰۰۰ سال پیش.



چهارشنبه‌سوری که در برخی گویش‌ها به آن چهارشنبه سرخه هم می‌گویند. دلیل اینکه به آن چهارشنبه‌سوری و یا چهارشنبه سرخه می‌گویند به سبب جشن با آتش است. که مفهوم سوری و سرخ آتشین است و اکنون زمان اجرای آن آخرین چهارشنبه هر سال خورشیدی است اینکه در چند هزار سال پیش در گروه‌های ابتدایی آریایی‌ها در فلات ایران نام گذاری روزهای هفته و شمارش روزهای ماه مانند اکنون نبوده و هرروز نام ویژه‌ای داشته و شمارش و نام‌گذاری روزها از روش نام روزها بوده مورد دیگر است مهم این است که در یکی از روزهای ویژه و در پایان

ماه اسپند و نزدیک اول بهار (چهار روز مانده به آغاز بهار) مراسمی و جشنی که اکنون چهارشنبه‌سوری نامیده می‌شود برگزار می‌شده است. در اینجا نیکوست نخست دلیل پیدایش چهارشنبه‌سوری را به گونه‌ای که خوانندگان گرمی خسته نشوند بیان نماییم. خوب می‌دانید که در چند هزار سال پیش و پس از نابودی آن تمدن بزرگ پیشین، اندک انسان‌های به‌جامانده در مکان‌های بسیار پرت و دور از تمدن پس از گذشت مدت‌زمانی زیاد و با افزایش نفرات دوباره با تشکیل گروه‌ها مسیر و راه تمدن را در پیش گرفتند و انسان متمدن پیشه و متفکر و برنامه‌دار به تدریج رام نمودن برخی جانوران بازمانده را آغاز نمود.

زمانی که شمار و گوناگونی دام‌ها و جانوران رام شده زیاد شدند انسان برای تأمین خوراک دام‌های خود به سرزمین‌ها و چراگاه‌ها و گیاهان زیادتری نیاز داشت گروه‌های آریایی در آن زمان در سرزمین‌های شمالی‌تری زیستند. آن‌ها برای یافتن چراگاه‌های بهتر به سمت جنوب از جمله فلات ایران کوچ نمودند و گروه‌هایی چون فلات ایران را برای دام‌پروری مناسب دیدند در این فلات ماندگار شدند و به دامداری و دام‌پروری پرداختند و از روش کوچ بهاره و پاییزه آنچه خود و دام‌هایشان نیاز داشتند را فراهم می‌نمودند.

اما مشکلاتی هم مانند کم بودن میدان دید چشم انسان در شب، هجوم شبانه جانوران درنده و شبه انسان‌های بسیار بدوی پیدا شد. پس از اسکان آریایی‌ها در فلات ایران شبه انسان‌های آن زمان و یا کوتوله‌ها از آفریقا که مکان زندگی آن‌ها بود و اکنون هم‌گروهی از آن‌ها در آفریقا زنده هستند وزندگی می‌کنند و بانام بوش من‌ها از آن‌ها یاد می‌شود برای

یافتن شکار بهتر و آسان تر و دستبرد زدن به دام‌های آریایی‌ها به سمت فلات ایران آمدند، که هنگام شب با یورش به مکان‌های نگهداری دام‌ها یک و یا شماری از دام‌ها را می‌ربودند و موجب خسارات زیادی به دارایی و امورمالی نوپای آن‌ها می‌شدند آریایی‌ها برای جلوگیری از خسارت‌هایی که بوسیله مهاجم‌ها و جانوران درنده ایجاد می‌شد و برای ادامه زندگی خود باید بر آن‌ها چیره می‌شدند به چاره‌جویی پرداختند که با کسب تجربه وهم اندیشی روشی خردمندانه و مناسب را کشف نمودند که آن کشف مهم افروختن آتش در هنگام شب و استفاده از آتش برای پدافند بوده است.

آن‌ها در شب‌ها با افروختن آتش از خود و دارایی (دام‌ها) خود در برابر مهاجم‌ها پدافند می‌نمودند بدین روش که در کناره‌های بنکوه، بنه +کوه =بنکوه= مکان کوتاه‌مدت سکونت و افراشتن چادرهای دامداران و مکان نگهداری دام‌هایشان؛ در آن زمان‌ها برای تأمین امنیت و آرامش بیشتر، بنکوه‌ها از بنکوه‌های این زمان بسیار پرجمعیت‌تر و بزرگ‌تر بودند. مکان مناسب و همواری را انتخاب می‌نمودند که دام‌ها را هنگام شب در آن مکان گردآوری و نگهداری نمایند.

این مکان‌ها با توجه به شمارش دام‌ها و شمار خانواده‌ها کوچک و یا بزرگتر بود بنا بر آن روش شب‌ها دام‌ها را در آن مکان گردآوری می‌نمودند و برخی از مکان‌های دور آن را با چند آتش فروزان روشن می‌کردند که با توجه به پستی و بلندی‌های زمین و وجود رودخانه‌های بزرگ و دره‌های ژرف و سخره‌های غیر گذرگاه در کنار بنکوه و شمار دام‌ها، مکان افروختن آتش‌ها را انتخاب می‌نمودند.

اکنون مشکلات دیگری پیش آمد. چوپان‌ها و چرا برنده دام‌ها به سبب خستگی کار ناشی از چوپانی در روز و اینکه باید روز دیگر هم بدون خستگی پرتوان و پرانرژی دام‌ها را به چرا ببرند. زمان و توانایی مناسب نگهبانی در شب و نگهداری آتش و تهیه چوب برای افروختن و نگهداری آتش شب را نداشتند از اینجا و در این زمان بود که بین مردمان برای دومین مرتبه رسماً بخش‌پذیری و تفکیک کار آغاز شد و سلسله‌مراتب هم به وجود آمد به این شکل که گروه‌هایی مأمور انجام این امور شدند.

۱- گروهی مناسب برای چوپانی و چرا بردن دام‌ها انتخاب شدند.

۲- گروهی باید هیزم لازم و مناسب برای روشن نگاه‌داشتن آتش گردآوری می‌کردند.

۳- گروهی باید همیشه اگر چه در روزهای گرم باشد یک آتش را روشن نگاه می‌داشتند چون که در آن زمان‌ها مانند اکنون افروختن آتش آسان نبود زیرا کبریت و فندک و آتش فروزنده‌های امروزی نبودند. این گروه از افراد سالخورده و باتجربه و دانا تشکیل می‌شد که هم آتش را روشن نگاه می‌داشتند و هم رفتار افراد در داخل بنکوه را مدیریت و کنترل می‌کردند.

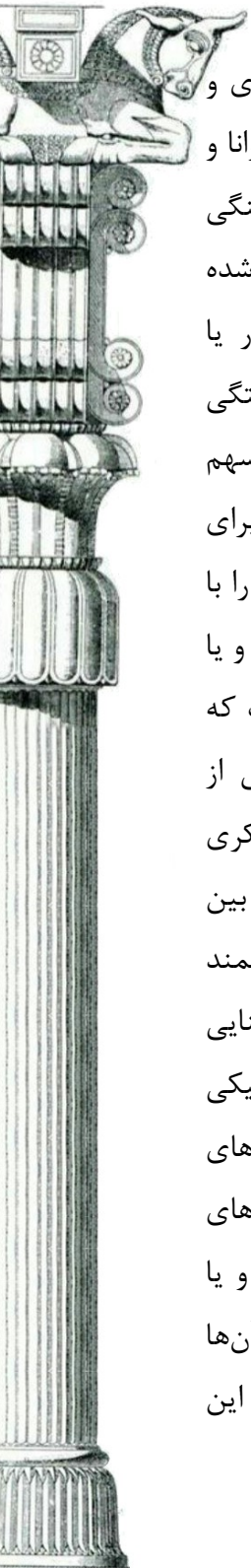
۴- گروهی باید در بخشی از شب و در مکانی ویژه نگهبانی می‌دادند.

۵- چند نفر آگاه و داناتر هم برای سرگروهی انتخاب شدند که هم بر روش انجام کار چوپان‌ها و نگهبان‌ها و سایر گروه‌ها و امور بنکوه سرپرستی و مدیریت نموده و هم در زمان یورش جانوران درنده و بوش من‌ها نگهبان‌ها را برای پدافند و رویارویی با مهاجم‌ها کمک و رهبری می‌کردند و در زمان نیاز نگهبان‌ها به کمک، جوان‌های دیگری را به

کمک آن‌ها می‌فرستادند و هشیار بودند مبادا مهاجم‌ها نیرنگ نموده باشند و گروهی از سمت‌های دیگر به بنکوه و مکان نگهداری دام‌ها و افراد یورش ببرند.

۶- یک نفر با سلامت کامل و باتجربه و دانا و آگاه به امور و خردمند هم که بیشترین خویش و فامیل و هوادار را در بین افراد بنکوه و بیشترین توانایی مالی آن زمان را داشت در سر امور بنکوه انتخاب می‌شد تا با کمک و همفکری و هماهنگی افراد دیگر به‌ویژه سرگروه‌ها بررسی و کنترل بر انجام همه امور مانند امور امنیتی، مالی، اجرایی و روزمره بنکوه را مدیریت و انجام دهد که به این فرد کدخدا می‌گفتند. کدخدا با بهره‌گیری از دانش و هوش خود و روش‌های جاری آن زمان و رأی و کمک‌گیری فکری از سرگروه‌ها و توجه به همه جوانب و خیراندیشی و آینده‌نگری بهتر به بررسی امور بنکوه می‌پرداخت و رأی نهایی را بیان می‌نمود انجام امور از روش خیراندیشی و ریش‌سفیدی و کدخدا منشی از آن زمان‌ها است. بهتر است یادآوری نمایم که این سمت‌ها و رتبه کدخدا که از آن زمان‌ها بنیان نهاده شد تاکنون هم با اندکی تفاوت ادامه دارد و در گروه‌ها سرپرستی و شغل کدخدا به رسمیت شناخته شده به‌گونه‌ای که هم‌اکنون هم هرچند تا بنکوه و هر یک از روستاهای ایران یک کدخدا دارند؛ و از زمان یکجانشینی و تشکیل روستاها در زمان‌های گذشته به کدخدای روستاها دهبان و یا دهقان و یا گاهی به او رئیس انجمن و در این زمان‌ها به او دهیار و یا رئیس شورا هم می‌گویند. برای پیشگیری از بروز اختلاف بین بنکوه‌ها و برای هماهنگی بر انجام امور و همزیستی مسالمت‌آمیز بین کدخداها و همکاری بیشتر آن‌ها، چند کدخدا که

بنکوه‌های آن‌ها باهم مرز مشترک و افراد آن‌ها همسایه و خویشاوندی و آشنایی داشتند سمتی به نام کلانتر ایجاد شد که این کلانتر فردی توانا و با تمکن مالی از یکی از بنکوه‌های همجوار بود و بارأی و هماهنگی کدخداها انتخاب می‌شد و بر انجام امور و پایان دادن مسائل ایجادشده بین کدخداها با یکدیگر مانند اختلاف بر سر چراگاه‌ها و چمنزار یا ماجراجویی جوانان یک یا دو بنکوه و از همه مهمتر کمک به همبستگی و هماهنگی و برنامه‌ریزی و خبرگیری و خبررسانی و میزان و اندازه سهم هرچند بنکوه برای فرستادن نیروی انسانی و ارسال کمک‌های مالی برای پدافند و رویارویی با دشمنان خارجی رسیدگی می‌کرد و رأی نهایی را با خیراندیشی و دوراندیشی و اخذ آرای سایر کدخداها کلانتر می‌نوشت و یا بیان می‌کرد. اکنون که نامی از کلانترها برده شد لازم به بیان است که چند کلانتر که سرزمین‌های آن‌ها و یا چراگاه‌های دام‌های برخی از کدخداهای آن‌ها باهم اشتراکی و همسایه و هم‌مرز بودند برای همفکری و هم‌اندیشی و انتخاب بهترین روش خردمندانه امور و مسائل بین کلانترها از بین خود فردی دانا و توانا و آگاه به امور و متفکر و اندیشمند و باتجربه (خردمند) که بارده‌های بالاتر مانند خان و ایلخان و... آشنایی داشت را بنام سر کلانتر که اکنون در برخی جاها به او بیگلر بیگی می‌گویند. انتخاب می‌کردند تا او مسائل و خواسته‌ها و اختلاف‌های پیش‌آمده و ترتیب و هماهنگی را بین کلانترها از سویی و بالادستی‌های خود از سوی دیگر بررسی و پیگیری و به‌خوبی اجرا و پایان دهد و یا چاره‌جویی نماید این سازمان‌دهی‌ها هزاران سال است ادامه دارد و آن‌ها بکار وزندگی خود مشغول بودند اما همان‌گونه که گفته شد این

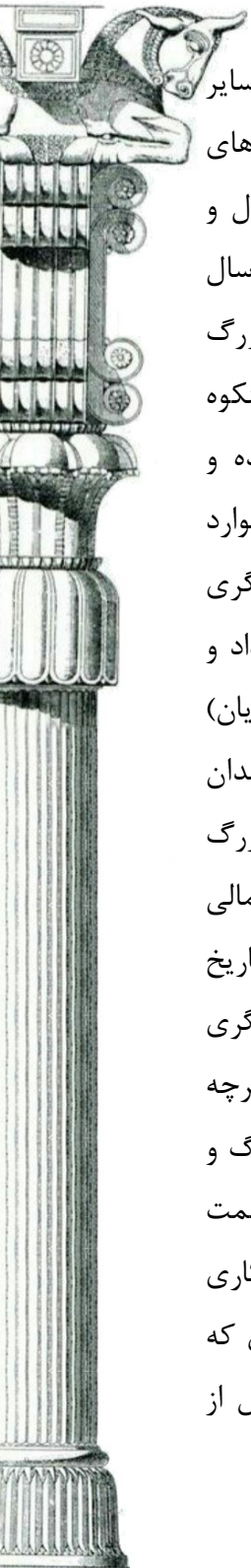


سازمان‌دهی و بخش نمودن کارها و تفکیک امور برای پیشگیری از هجوم جانوران درنده و بوش‌من‌ها و یا مسائل همگانی و مهم مانند گذر از رودخانه و جاری شدن سیل و مسیرها بود و سلسله‌مراتب بین بنکوه‌ها برای ایجاد همکاری و همبستگی و هماهنگی و رسیدگی به امور داخلی خود آن‌ها بود. چون در آن زمان‌ها هنوز دولت‌های دومی سرزمینی مانند ایلامی‌ها و سومری‌ها و آشوری‌ها و اکدی‌ها و سپس بابلی‌ها در خاورمیانه به وجود نیامده بود. دولت‌های سومری‌ها و اکدی‌ها و بابلی‌ها دولت‌های کوچکی بودند که در خاور سرزمین‌های غرب فلات ایران می‌زیستند و آشوری‌ها که مردمی ستمگر و خون‌ریز و غارتگر بودند در سرزمین‌های جنوب غربی و جایی که امروزه عراق نامیده می‌شود در جلگه اروندرود که برخی به آن رود دجله می‌گویند.

اگر پهلوانی ندانی زبان      بتازی تو ازوند را دجله خوان

دولتی تشکیل داده و شهر نینوا کربلای کنونی پایتخت آن‌ها بود به همین دلیل بخشی از عراق کنونی که خارج از فلات ایران است و بخش‌هایی از سوریه را سرزمین آشور یا آشوری‌ها می‌نامیدند آن دولت و مردمان ستمگر و غارتگر در زمان‌های مناسب به همسایگان خود از جمله مردم آریایی هجوم می‌بردند و با کشتن و به اسیری بردن خود آن‌ها اموال آن‌ها را چپاول و غارت می‌کردند. این گروه‌های کوچک (آریایی‌ها) به دلیل نجابت و انسان‌دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان و در نتیجه نداشتن سازمان‌دهی مناسب برای جنگ، توان رویارویی و ایستادگی در برابر دشمنان بزرگی مانند آشوری‌ها را نداشتند زیرا به دلیل اشتغال به کارهای دامداری و دام‌پروری و کشاورزی و سکونت‌زدگی در

سرزمین‌های کوهستانی و نجابت و دخالت نکردن در امور سایر همسایگان، آن‌ها از همسایگان غربی خود غافل مانده بودند و دولت‌های آشور همچنان گاه‌گاه بر آن‌ها می‌تاختند مردم رامی‌کشتند و اموال و دارایی‌های آن‌ها را به غارت می‌بردند پس از گذشت چندین ۱۰۰ سال یکی از کدخداها، در این نوشتار کدخدا دو مفهوم دارد یکی پدربزرگ خانواده گسترده با جایگاه ریش‌سپید و باتجربه و سرپرست بنکوه خانوادگی که پیش‌تر از او نام‌برده شد و دیگری با جایگاه برگزیده و فرمانروا و دارای خردمندی و اختیار همه‌چیز است که در برخی موارد اکنون به آن ایلخان هم می‌گویند به نام دی‌اکو (دیاکو) که از بیدادگری و ستم و غارتگری آشوری‌ها به تنگ آمده بود برای جلوگیری از بیداد و ستم آشوری‌ها توانست همه گروه‌های آریایی و ایلخان‌های (فرمانروایان) بومی آن‌ها را با یکدیگر هم‌پیمان و دولتی را در هگمتانه و یا همدان کنونی که در مکان برخورد و به هم رسیدن و گذشت دو رشته‌کوه بزرگ یکی رشته‌کوه‌های خاوری و باختری البرز و دیگری رشته‌کوه‌های شمالی جنوبی زاگرس نخستین پایتخت شناخته و نوشته و تائید شده تاریخ نوشته ایران را تأسیس نماید تا بتواند از چپاول و غارت و ستمگری آشوری‌ها نسبت به آریایی‌ها و سرزمین خود جلوگیری نماید اگرچه کدخدا و یا همان فرمانروا دیاکو با توجه به چند هجوم و یورش بزرگ و آغاز جنگ از جانب آشوری‌ها و پدافند سرسختانه و دلاورانه از سمت آریایی‌ها توان نابودی کامل فتنه آشوری‌ها را نداشتند اما برنامه و کاری که او آغاز نمود پایه و اساسی شد برای انجام کاری بزرگ به‌گونه‌ای که خواسته او پس از ۱۰۰ سال برآورده شد به این شکل که پس از

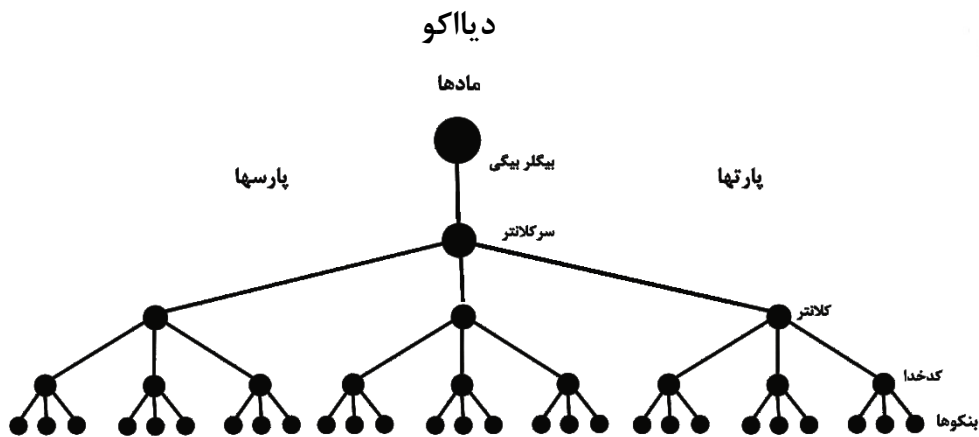


۱۰۰ سال یکی از نوادگان دیاکو پس از همدستی و هم پیمانی با بابلی‌ها توانست پایتخت آشوری‌ها را محاصره و آن را تسخیر نماید و آنها را برای همیشه نابود سازد و شاهی مادها را به شاهنشاهی تبدیل نماید. اما بابلی‌ها که اکنون نیرومندتر شده بودند همان روش آشوری‌ها را در پیش گرفتند و گاهگاهی بر سایر همسایگان از جمله آریایی‌ها هجوم می‌بردند و به کشتار و غارت اموال آنها می‌پرداختند. سرانجام یکی از نوادگان دختری دیاکو به نام کوروش کبیر هخامنشی که پدرش از شاهان پارس بود، باهم پیمانی مجدد تمام گروه‌ها و بزرگان آریایی‌ها و استفاده از توان و تجربه و هم‌اندیشی آنها که همه از بیدادگری و ستم بابلی‌ها به تنگ آمده بودند و نبوغ فرماندهی و دلیری خود لشکریان آموزش دیده کافی را تهیه و با پیش‌بینی‌های لازم و برنامه‌ریزی درست و سازمان‌دهی مناسب هم از جهت مناسبت زمانی و هم از جهت انتخاب درست مسیر لشکرکشی و برآورد نیرو و امکانات و تدارکات خود و دشمن و فرماندهی درست و بدون اشکال خود توانست با پیروزی بر دولت فاسد بابلی‌ها و گشودن شهر بابل پایتخت بابلی‌ها با برانداختن و نابودی دولت بابلی‌های غارتگر به بیدادگری و ستمگری آنها پایان دهد و دنیای آن زمان را از بیدادگری و ستمگری و کشتار مردم و غارت و تجاوز دولت دزد و چپاولگر و فاسد بابلی‌ها نجات دهد و مردمانی را که شاهان بابلی‌ها از سرزمین‌هایشان به اسارت و بردگی گرفته و اموال و دارایی‌های آنها را چپاول و غارت کرده بودند را آزاد نمود و آن بخش از اشیاء غارت‌شده آنها که در پرستشگاه‌ها و یا جاهای دیگر مانند کاخ‌های بابلی‌ها برجا مانده بود را به آنها بازگردانید و برنامه بازگشت دلخواه آنها را به

سرزمین‌هایشان فراهم ساخت. گروه‌های مهاجر آریایی‌ها به دلیل سکونت پیشین در سرزمین‌های شمالی ترکیه بسیار سرد بود و همین سرمای هوا و کمی خوراک برای دام‌هایشان موجب کوچ آن‌ها به جاهای دیگر از جمله فلات ایران شد آن‌ها برای گرم نگهداشتن خود و پدافند در برابر بوش‌من‌ها لباس‌هایی می‌پوشیدند که بالباس مردمان سومری و بابلی‌ها و ایلامی بسیار متفاوت بود. برابر نوشته‌های هرودت آن‌ها از ابتدا کت‌های آستین‌دار و پیراهن و زیرپوش و شلوار با کمر بند و چکمه‌هایی ساقه بلند می‌پوشیدند. مجسمه برنزی بجا مانده از مادها و شکل‌هایی که از مادها و پارس‌ها بر کتیبه‌ها موجود می‌باشند تائید کننده مراتب بالا است برابر نوشته‌های «سر پرسی سای کس وی» اشاره می‌کند: مردانگی، آموزش‌های سوارکاری و تیراندازی و راست‌گویی از ویژگی‌های بارز مردم ماد و پارس بوده است به همین دلیل تن‌پوش این مردم (آریایی‌ها) اغلب جنگی بوده است. بیشتر دانش‌پژوهان بر این باورند که ایرانیان اولین ملتی هستند که در تاریخ جنگ‌ها در جهان اولین رسته و لشکر سواران جنگی را به وجود آوردند که مهمترین سبب پیروزی‌شان در جنگ بوده است. مادها اولین گروه ایرانی بودند که به پرورش اسب اهمیت می‌دادند و در سوارکاری مهارت ویژه‌ای داشتند از این رو لباس مردان سوارکار می‌بایستی لباسی باشد که به آسانی بتوانند بر اسب سوار شوند. لباس‌های لشگریان سواره ماد و پارس‌ها چسبان و با آستین کوتاه شبیه تی‌شرت‌های کنونی و بهتراست بنویسم لباس‌های سوارکاری کنونی بسیار شبیه و برگرفته از لباس‌های سوارکاری مادها است بگفته بسیاری از پژوهشگران ایرانی‌ها مبتکر لباس‌های زیر و تی‌شرت و کت و شلوار و کمر بند بودند برای نمونه



اسکندر یونانی پس از غلبه بر هخامنشیان فرهنگ آن‌ها را پذیرفت. خودش لباس و شلوار و چکمه آن‌ها را پوشید و به سرداران و سربازانش دستور داد که از این فرهنگ پیروی کنند به گونه‌ای که برابر نوشته پژوهندگان بطلمیوس برادر ناتنی و یکی از سردارانش گفته نمی‌دانم ما بر ایرانیان پیروز شدیم یا نوکر آن‌ها شدیم. نمودار سازمانی آریایی‌ها از بنکوه و کدخدا تا ایلخان پیش از تشکیل دولت ماد و فرمانروایی دین اکو.



پیش‌تر نوشته شد که با توجه به شکل و مکان بنکوه و پستی و بلندی‌های زمین آن و شکل هندسی زمین مکان بنکوه و مکان نگهداری دام‌ها و پستی و بلندی‌های آن و دوروبر آن و گذرگاه‌های سخت مانند وجود رودخانه بزرگ و یا کوه‌های سخره‌ای شب‌ها ۳ یا ۴ یا ۵ آتش برای کمک به نگهبان‌ها روشن می‌نمودند و نگهبان‌ها در کنار آتش و به کمک آتش به نگهبانی و پاسداری از دام‌ها و بنکوه می‌پرداختند بدین روش که افرادی از پهلو نزدیک یک آتش می‌نشستند و یا می‌ایستادند لازم بود با بهره‌گیری خوب از توان شنوایی و بینایی خود به‌سوی دو آتش دیگر که در دو سمت آن‌ها

فروزان بود به خوبی نگاه کنند که این روش نگهداری به دلیل موارد زیر بسیار مفید و کارآمد بود.

۱- هنگام تردد و گذر و یورش جانوران درنده و یا شبه انسان‌های بسیار بدوی آن‌ها از برابر نور و روشنایی آتش دیگری گذشتند افراد نگهدارنده متوجه تردد و وجود آن‌ها در نزدیکی بنکوه و اراده آن‌ها برای یورش می‌شدند و نگهدارنده‌های دیگر را خبر نموده و کارهای بازدارنده لازم را انجام می‌دادند.

۲- جانوران درنده به‌ویژه شبه انسان‌های بدوی از آتش می‌ترسیدند و نزدیک نمی‌شدند.

۳- هنگام یورش جانوران درنده و بدوی‌ها نگهدارنده‌ها از چوب‌های در حال سوخت و فروزان برای کمک به دید بهتر و وسیله پدافندی استفاده می‌نمودند و همان‌گونه که گفته شد آتش موجب ترس و فرار مهاجم‌ها می‌شد.

۴- مکان آتش جای نگهداری و جا و مکان مسئولیت فرد یا افراد را نشان می‌داد و چنانچه فردی و یا نگهدارنده‌هایی در انجام کار خود کوتاهی و سستی نموده بودند شناسایی آن‌ها آسان بود.

۵- شبه انسان‌ها با دیدن آتش متوجه وجود و بیداری و آمادگی نگهدارنده‌ها می‌شدند و از یورش و دزدیدن دام‌ها پشیمان می‌شدند.

۶- نگهدارنده‌ها و سایرین در کنار آتش غذای خود را آماده و یا گرم می‌کردند و در شب‌های سرد گرمای آتش فروزان از شدت سرما برای آن‌ها می‌کاست و نگهدارنده‌ها کمتر سرما را درک می‌کردند.

۷- افراد و خانواده‌های بنکوه هنگام نیاز به افروختن آتش از آتش‌های افروخته نگهدارنده‌ها استفاده می‌نمودند.

۸- از آتش‌ها در شب‌ها برای نشانه و راهنمایی و جهت‌یابی و یافتن راه‌ها و مکان بنکوه استفاده می‌کردند. خوانندگان گرمی می‌دانند که پیشرفت و تمدن بشر با کشف و کنترل آتش آغاز شده است و آتش نخستین و یکی از چند وسیله مهم و سرنوشت‌ساز در پیشرفت بشر از آغازین تاکنون است. چون انسان بوسیله آتش غذای خود را می‌پزد، مکان زندگی را گرم می‌کند و بهداشت به کمک آتش بهتر انجام می‌گیرد و استخراج تمام فلزات از آغاز تاکنون با بهره‌گیری و کمک از آتش است آتش نماد تمدن، وسیله پیشرفت و بهداشت و سلامت است.

با خواندن مراتب مذکور و هوش بسیار زیاد خوانندگان گرمی و دانشمند و این‌که مستند به برخی از نوشته‌ها، پیش از زمان پادشاهی گشتاسب زرتشت پیامبر از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شد که کتاب زرتشت اوستا نام دارد و در کتاب اوستا اهورامزدا(گاد)= یزدان= ایزد= خدا و یا الله و یا آفریدگار یکتا و بی‌همتا که زمین و آسمان‌ها و همه گیتی را آفریده نامیده می‌شده و می‌شود و باوجود و در دسترس بودن (در اینترنت) مفاد و خود منشور کوروش کبیر و کتیبه‌ها و یا سنگ‌نوشته‌های بجا مانده از داریوش بزرگ و خشایارشا ه هخامنشی که ترجمه فارسی شده آن‌ها موجود است و در تمام آن‌ها از اهورامزدا خدای بزرگ نامبرده شده.

برای نمونه بخشی از ترجمه سنگ‌نوشته‌های داریوش و خشایارشا دو پادشاه بزرگ هخامنشی در نزدیکی همدان را یادآور می‌شوم.

(اهورامزدا خدای بزرگ است. اهورامزدا که این زمین را آفرید؛ که آسمان را آفرید؛ که شادی را برای انسان‌ها آفرید؛ که داریوش را شاه کرد)

و در سنگ‌نوشته بیستون. به خواست اهورامزدا من شاه شدم. اهورامزدا شاهی را به من داد) و... نیازی به بیان و نوشتن زیاد نمی‌بینم که بنویسم مردم فلات ایران و سپس آریایی‌ها و مستند به نوشته‌های شاهنامه ساکنان فلات ایران از همان آغاز پیدایش و تشکیل گروه‌ها و زمان پادشاهی فریدون (نزدیک ۱۳,۰۰۰ سال پیش) خداپرست (پرستنده آفریدگار یکتا وبی هم‌تا و پروردگار و یا یکتاپرست) بودند شاهد این سخن، در شاهنامه، نامه فریدون به پسرانش بانام: رفتن ایرج با نامه فریدون نزد برادران. در نامه چنین نوشته:

سر نامه کرد آفرین خدای      کجا هست و باشد همیشه بجای  
می‌بینیم که در ابتدای نامه نام خدا را برده خدایی که هست و همیشه  
پاینده و برجا و جاویدان هست و بر تائید مراتب بالا باز دو بیت از پادشاهی  
هوشنگ سومین شاه پیشدادی را یادآوری می‌کنم.

به‌فرمان یزدان پیروز گر      بداد و دهش تنگ بسته کمر  
پرستیدن ایزدی بود پیش      نیارا همین بود آیین و کیش

و از ابتدای دولت لهراسبی‌ها و نزدیک ۱۱,۰۰۰ سال پیش و برابر نوشته‌های شاهنامه از ابتدای تشکیل گروه‌ها و دولت، خداپرست و یکتاپرست بودند و این نوشته‌ها و گفته‌ها که برخی افراد ناآگاه و کم‌دانش و یا دشمن اتهام مجوس بودن و اتهام آتش‌پرستی به مردم آن زمان ایران و آریایی‌ها و پیش از آن‌ها می‌زنند و می‌گویند آن‌ها آتش‌پرست بودند و دشمنان و برخی افراد ناآگاه و بی‌سوادتر هم حرف‌های آن‌ها را تکرار می‌کنند نه تنها دروغی بزرگ است بلکه تهمت و توهمی بیش نیست که از روی نادانی و بی‌خبری و یا دشمنی و کینه‌توزی و یا برای مردم‌فریبی گفته می‌شده و می‌شود که تمام

ان اتهامات بدون پایه و اساس و مدارک مستند و اسناد پژوهشی و دور از خردمندی و بی‌ارزش می‌باشند.

برای درستی این‌که آریایی‌ها و یا همان ایرانی‌های نخستین از آغاز یکتاپرست و خداپرست و دانشمند بودند افزون برنشانی‌ها و مدارک مستند پیش گفت، گفته‌های چند نفر از خاور شناسان و پژوهندگان را درست مانند ترجمه گفته‌هایشان می‌نویسم. پرفسور هانری ماسه: زرتشت اولین کسی است که پایه‌های یکتاپرستی را در جهان بنیان نهاد. هگل: نوردانش برای نخستین بار با پیدایش زرتشت در تاریخ آغاز به درخشش کرد و... آریایی‌ها سال‌های زیادی را به روش پدافند بوسیله و کمک آتش گذرانیدند و آن جنگ‌وگریز بین بدوی‌ها و نگهبان‌های بنکوه و دام‌ها ادامه داشت تا باگذشت زمان آریایی‌ها به تدریج بر همه سرزمین‌های فلات ایران ساکن و آنجا را برای سکونت و دامداری برگزیدند و بر مشکلات آن چیره شدند بدین مفهوم که باوجود چمنزارها و چراگاه‌های خوب شمار دام‌های اهلی افزایش یافت و انسان‌ها برای تأمین خوراک دام‌های خود در سایر سرزمین‌ها و مکان‌های مناسب زندگی و دامداری ساکن شدند و در نتیجه خوراک خوب شمار دام‌ها و انسان‌ها رو به فزونی گذاشتند وزندگی و روزگار بر مهاجمین تنگ شد و جانوران درنده و دزد تاندازه‌ای کم شدند.

همچنین بوش من‌ها که دیدند توان برابری با آریایی‌ها برای دزدی دام‌های آن‌ها را ندارند به تدریج به مکان و سرزمین‌های اولی خود (آفریقا) بازگشتند و کم‌کم در فلات ایران شمارشان کم و نابود شدند. همچنین دریک دوره زمانی چندساله آب‌وهوای همه گیتی و از جمله فلات ایران هم رو به سردی رفت و چون بوش من‌ها (شبه انسان‌ها) از جاهای گرم‌تر (آفریقا) برای

شکار و دزدیدن دام‌های آریایی‌ها آمده بودند و زندگی شبه جانوری داشتند و سرپناه‌های مناسب نداشتند و روش انباشت درست و نگهداری بهداشتی خوراکی‌ها و پوشش مناسب و کافی و راه‌های مبارزه با بیماری‌ها و سرما را نمی‌دانستند به تدریج کم و کمتر شدند.

همه می‌دانیم که از هزارها سال پیش دامداران در زمان زمستان و سرما دام‌های خود را به سرزمین‌های گرم‌تر (گرم سیر) می‌بردند و اگر به یکی از ده‌ها دلیل امکان کوچ نبود برای گرم و ایمن بودن مکان نگهداری و آسایش شبانه دام‌ها از گزند سرما در شب‌های سرد زمستان در کوهپایه‌ها مکان‌هایی تونل مانند را در زیرزمین و مکان‌هایی امن که هیچگاه آب رودخانه‌ها و سیلاب‌ها به آنجا نه تنها نفوذ نکنند مورد تهدید هم نباشند ایجاد می‌کردند.

به این مکان‌های تهیه شده در زیرزمین برای نگهداری شبانه دام‌ها معمولاً زاغه و یا کنده گفته می‌شود مکان ایجاد کنده‌ها در دامنه تپه‌ها و یا کوهپایه‌ها و کوه‌ها و به‌دوراز مسیر جریان و نفوذ آب رودخانه‌ها و مسیر سیلاب‌ها (خارج و دور از مسیل‌ها) است. به اندازه ۱۵ تا ۲۵ متر با شیب ملایم از روی زمین‌های مجاور بالاتر و از همه سمت‌ها و یا از یک و یا دو و یا سه سمت برای رفت‌وآمد ایمن دام‌ها به سمت چراگاه‌ها راه داشت. مکانی که بتوان با ابزارهای اولیه مانند بیل و کلنگ زیرزمین تونل زد و اندازه زمین و انباشت خاک و سنگ و شن‌های روی بام آن بیش از ۱۰ متر و به‌دوراز مسیر جوی آب‌های جاری بود و پهنای کنده‌ها با توجه به پایداری (سفتی) زمین و ترکیب و جنس خاک به اندازه ۲/۵ متر و درازای آن متناسب با شمار دام‌ها بود و در زمان‌های لازم (زمان افزایش شمار دام‌ها) می‌توانستند به گنجایش آن با

افزایش درازای آن در امتداد مسیر راست و یا به سمت‌های راست یا چپ بیافزایند تا شمار بیشتری از دام‌ها در آن جای‌گیرند و دچار کمبود جا و مکان نباشند و بلندی داخل آن‌ها از کف کنده به اندازه ۲ متر و برای دام‌های سنگین بیشتر بود.

پشت درب کنده‌ها هم‌مکانی مناسب برای نگهداری نگهبان‌ها و آسایش شبانه چوپان‌ها پیش‌بینی می‌نمودند که به آن مکان‌ها مرد نشین می‌گویند. در این روش در زمان‌های سرما و شب‌های زمستان دیگر نیازی به افروختن آتش در هنگام شب برای کمک به نگهبان‌ها و جلوگیری از هجوم مهاجمین نبود زیرا مهاجمان به دلیل وجود درب و کوچکی و پهنای کم درب کنده و وجود نگهبان‌ها در پشت درب، امکان و توان وارد شدن به داخل کنده را نداشتند همچنین آتش هم در مکان بسته به دلیل تولید دود برای دام‌ها زیان‌آور و امکان خفگی و تلف شدن دام‌ها را در پی دارد. مدت‌ها گذشت در یک دوره چندساله کوتاه که هوا بسیار سرد شده بود، سرما و بیماری‌های ناشی از آن و نداشتن سرپناه و بهداشت و نبود غذا و خوراک و پوشش مناسب و روش زندگی ابتدایی و شبیه جانوران به کلی بازماندگان بوش من‌ها را از بین برد و آن‌ها برای همیشه در فلات ایران نابود شدند.

پس از پایان دوره سرمای بسیار سخت و در اواخر موسم زمستان آخرین سال سرد و سپس گرم‌تر شدن هوا و آغاز موسم بهار و خروج شبانه دام‌ها از کنده‌های زیرزمینی برای چرای بهتر و شبانه نگهبان‌های شبانه دام‌ها متوجه نبودن بوش من‌ها و در درازمدت متوجه نابودی کامل آن‌ها شدند خبر نابودی مهاجم‌ها را به سرگروه‌ها و بوسيله آن‌ها به کدخداهای سلسله مراتب نوشته شده رسانیدند.

کدخدا (ایلخان‌ها) برای آگاهی کامل از درستی خبر نابودی بوش من‌ها، افراد و پیک‌هایی را به خاور و غرب و شمال و جنوب و مرکز فلات ایران فرستادند تا در مورد زندگانی یا نابودی کامل بوش من‌ها پژوهش کنند این بررسی‌ها و پژوهش‌ها و پیگیری‌ها مدتی زمان برد از همه‌جا خبر آمد که آخرین بازماندگان بوش من‌ها در زمان سردی هوا به دلیل سرما و روش زندگی‌شان از بین رفته‌اند و شمار جانوران مهاجم و درنده کم شده است همچنین آریایی‌ها در تمام جاهایی که سکونت دارند.

مکان‌های امنی برای دام‌های خود تهیه نموده‌اند برای نمونه: برای نگهداری دام‌های خود در موسم بهار و تابستان آغل‌هایی با دیوارهای بلند و استوار ساخته‌اند و یا برای اسکان خود و امنیت دام‌های خودشان دژهایی با دیوارهای بلند و استوار ساخته‌اند که مهاجم‌ها توان نفوذ به داخل آن‌ها را ندارند از آن زمان کدخدا (ایلخان) برای اینکه مردم آن شیوه پدافند و نگهداری و نگهبانی در برابر متجاوزین و جانوران درنده را فراموش نکنند، دستور داد تا هر سال هم‌زمان با سالگرد دریافت نخستین خبر درست از نابودی کامل شبه انسان‌ها که پایان موسم زمستان و نزدیک بهار بود (۴ روز مانده به آغاز بهار که همین جشن آموزشی چهارشنبه‌سوری است) در این روز ویژه برای به یادماندن و گرمی داشتن آن نوع پدافند و آموزش آن جشن برپا شود و به شیوه پیشین چند آتش روشن کنند و روش نگهبانی و بهره‌گیری از آتش در پدافند را به جوانان بیاموزند و در کنار آتش‌ها به یادبود آن پیروزی به جشن و شادی و دانس و پای‌کوبی و خوشی پردازند؛ که آن روز ویژه را در این زمان ما چهارشنبه‌سوری می‌نامیم.

متأسفانه به دلیل کوتاهی و کم‌کاری وسایل خبررسانی همگانی و سیستم و دستگاه‌های خبررسانی ملی هدف و دلیل پیدایش چهارشنبه‌سوری به‌درستی برای مردم بیان‌نشده و بدان‌دیشی و ناآگاهی و تفکر نادرست، جوانان را از دلیل انجام درست آن به دور نگاه داشته‌اند. کلیات و متغیرهای مسئله را به همه مردم و به‌ویژه نسل جوان نشان و آموزش نمی‌دهند و آنگاه می‌خواهند مردم به‌ویژه جوانان مسئله را به‌درستی پاسخ دهند. همه می‌دانند که پاسخ درست به مسئله بدون داشتن آگاهی درست و متغیرهای آن غیرممکن و نشدنی است.

در نتیجه نبود خبررسانی و نبود آگاهی درست از روش پیدایش و هدف و چگونگی اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری و ندانستن فلسفه وجودی آن و نبود امکان تهیه مواد اولیه لازم و خوب (چوب و هیزم مناسب) برای اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری رخدادهایی پیش می‌آید که به چهارشنبه‌سوری نسبت می‌دهند؛ و با پیروی از فرهنگ بیگانه فشفشه بازی و آتش‌سوزی و خروج ارز از کشور را هم افزایش می‌دهد.

گاهی متأسفانه موجب آسیب‌های جسمی افراد به‌ویژه جوانان و نوجوانان می‌شود، آن زمان جراید و رسانه‌های همگانی و ملی کم‌کاری و کوتاهی خود در اجرای خوب کارشان و خبررسانی و بیان دلیل و پیدایش و آموزش درست اجرای این جشن ملی را فراموش کرده و نه‌تنها به آموزش نمی‌پردازند با برداشت‌های غیر درست به چراها و تخریب چهارشنبه‌سوری می‌پردازند و بجای آموزش روش انجام خوب جشن می‌خواهند متغیرها و یا کل مسئله را پاک کنند که این کار هم ممکن نیست و آمارهای آسیب دیدگان و زیان‌ها را بدون اینکه خودشان به دلیل کوتاهی در انجام درست کارشان که همان

خبررسانی و آموزش بوده ناراحت باشند به بیان کامل رخدادهای می پردازند و سرزنش هم می کنند.

### کی بود کی بود من که نبودم!

همان گونه که می دانید در آغاز پیدایش و برگزاری چهارشنبه سوری برای تأمین امنیت مالی و دارایی های همگانی و مردم و آموزش نسل جوان و شادی و بهتر زندگی کردن انسان ها و پیشگیری از خسارت و زیان بوده. در پایان این بخش سخنی چند با خوانندگان گرامی به ویژه جوانان فرهیخته: هم میهنان گرامی و فرهیخته جشن ملی چهارشنبه سوری که یکی از جشن های باستانی و ملی و بخشی از فرهنگ خوب ما است را به گونه ای برنامه ریزی و اجرا نمایید که موجب شادی و مسرت، سلامتی و افزایش توانمندی و همکاری و آموزش و هماهنگی گروه های برزن و کوچه و خیابان شما و سایر افراد باشد و پیش از آغاز برگزاری جشن چهارشنبه سوری تمام جوانب کار و رخدادهای ممکن را درست پیش بینی و بررسی نمایید که به کسی آسیب نرسد و اگر مورد ابهامی در برنامه ریزی و یا روش اجرای آن دیدید فوری آن مورد را بهتر و به برتری تبدیل نمایید.

شما می توانید کلیه امور را به روش بسیار خوب و شایسته مدیریت نموده و انجام دهید. مبدا بوسیله انجام کاری و یا پسامدهای کاری مانند استفاده از لباس ها و مواد آتش زا و یا شلوغی در نزدیک آتش ها و یا بی توجهی به پدربزرگ ها و مادربزرگ ها و کودکان و یا نبود برنامه مناسب در زمان بروز رخدادهای موجب و آسیبی هرچند جزئی برای خود شما و یا دیگران شود و شادی جشن و سرور و خوشی چهارشنبه سوری و پس از آن جشن نوروز را برای شما و یا دیگران کم کند.

برخی از مواردی که باید در برنامه‌ریزی مراسم چهارشنبه‌سوری پیش‌بینی شود بدین بیان است تا جایی که ممکن است گروه‌ها کوچک‌تر و افراد شرکت‌کننده همسایگان و آشنا باشند (۲۰ یا ۳۰ تا ۴۰ نفر) و در زمانی که مسئولین برزن و یا شهر بخواهند مراسم را در گروه‌های بزرگ شهری اجرا و موجبات شادی مردم را فراهم کنند.

۱- لازم است مدیریت شود اول برخی از نیروهای خودجوش و جوانان و افراد باتجربه باهم فکری هم سناریویی (برنامه‌ای) را به نام سناریو چهارشنبه‌سوری بنویسند و سپس بازبینی نموده و چنانچه نکته ابهامی دارد آن را به توانمندی و خوبی تبدیل نمایند برخی از مواردی که لازم است در سناریو مذکور نوشته شود.

۲- بودجه لازم برای اجرای مراسم.

۳- انتخاب مدیر اجرای مراسم و همدستان وی و انتخاب جانشین یا جانشینی‌هایی برای آن‌ها چون امکان دارد در زمان اجرای مراسم به هر دلیل یک نفر از افراد پیش‌بینی شده نتواند خود را به مکان اجرای مراسم برساند و یا نتواند کار خودش را برابر برنامه نوشته شده انجام دهد.

۴- ترغیب مردم به اجرای هماهنگی و انجام امور ایمنی و خودداری از بروز هیجان‌های آنی و در زمان مشاهده روش‌های زیان‌بار مانند فشفشه پرانی و یا استفاده از مواد منفجره فرد مسئول با درایت و مهربانی فرد را متوجه پس آمد کار زیان‌بارش نموده و از انجام کاری که سلامتی دیگران را تهدید کند جلوگیری نماید.

۵- خبررسانی رفتاری: برای نمونه. گفته شود بهتر است از پوشیدن لباس‌های تهیه شده از مواد نفتی در هنگام جشن خودداری شود و یا از پرتاب

جای اودکلن و اسپری به داخل آتش‌ها خودداری شود و یا چه کسانی مجری نمایش‌ها و سرگرمی‌ها هستند.

۶- خبررسانی مکانی زمانی: در مورد مکان و زمان و مسیر اجرای مراسم خبررسانی شود.

۷- تهیه برنامه‌های شاد و انتخاب افراد و وسایلی برای اجرای برنامه‌های شاد و انجام سرگرمی‌ها و شیرین‌کاری با اجرای روش‌های نیکو، سفارش و کنترل شود که مجریان و بازیگران در زمان اجرای مراسم هیچگاه و به هیچ دلیلی با گفتار و رفتار خود موجب تمسخر و یا رنجش فرد یا گروهی نشوند.

۸- تهیه شکلات و شیرینی لازم برای همه شرکت‌کنندگان در مراسم.

۹- مواد لازم و بی‌زیان برای روشن نمودن آتش‌ها که باید تنها چوب آماده و در اندازه‌های مناسب ۷۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر باشد و پیش‌بینی فرد و وسایل لازم که در پایان مراسم آتش‌ها را کامل خاموش نماییم.

۱۰- انتخاب افرادی برای تأمین امنیت و هدایت مردم و ایجاد هماهنگی و آرامش و مدیریت بر اجرا و انجام برنامه و کمک به مدیر اجرایی.

۱۱- پیش‌بینی سایر موارد ممکن و انتخاب راه‌کارهای مناسب و روش درست انجام کار در برابر هر رخداد. برای نمونه، ممکن است مالک زمینی که مراسم در آن اجرا می‌شود در آغاز اجرا و یا هنگام اجرای مراسم بیاید و بخواهد از انجام مراسم جلوگیری کند و یا به دلیل خرابی اتومبیلی و راه‌بندان، مسئولی بخواهد جای مراسم را تغییر دهید.

۱۲- هماهنگی پیشین با نیروهای پلیس و راهنمایی و رانندگی و آتش‌نشانی و نزدیک‌ترین درمانگاه یا بیمارستان مکان و مسیر. امیداست با انجام موارد گفته‌شده و سایر موردی که خود شما به‌ترمی دانید جشن‌های

چهارشنبه‌سوری و نوروز و سیزده‌بدر خوبی داشته باشید و از همه زمان‌های زندگی تان لذت ببرید سلامتی و شادی و خوشبختی شما آرزوی ما است.

۱- برنامه ریزان باید و پیش از اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری فردی دانا و آگاه به امور اجرایی را بنام مدیر اجرای برنامه انتخاب و سناریو چهارشنبه‌سوری را جهت خواندن و آگاهی از مسئولیت‌های خود و هر مسئول دیگر به وی ارائه تا پس از آگاهی و شناختن مسئولین و مسئولیت‌های آنها کار هر مسئول را به آن مسئول یادآوری و آموزش دهد و بررسی نماید توانایی انجام آن کار را دارد؛ و از وی بخواهد از اجرای مواردی خارج از سناریو و برنامه نوشته‌شده جدا خودداری نماید و خود مدیر یا فرد دیگری در ابتدای مراسم به‌اندازه ۴ یا ۵ دقیقه به راهنمایی و آموزش شرکت‌کنندگان و هدف اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری به پردازد و هنگام رخدادهای ناخواسته راه‌های خروج بهتر و مکان مددکاران، درمانگاه‌ها، پلیس و آتش‌نشانی را نشان دهد و درخواست نماید برای خوشی و شادمانی بیشتر از انجام کارهای زیان‌آور و تهدیدکننده سلامت خود و دیگران خودداری کنند سفارش و تأکید می‌شود چون مردم برای جشن و شادی و شادمانی و گذران زمان خوش و خنده آمده‌اند بهتر است جلسه سخنرانی و استفاده و بهره‌برداری‌های گروهی و حزبی و انتخاباتی و... نباشد که مردم بیزار و از مراسم چهارشنبه‌سوری خسته نشوند.

۲- مکان مناسب که ورودی و خروجی‌های زیاد داشته باشد مانند پارک‌ها (بدون آسیب رساندن به پارک) و یا زمین‌های بدون استفاده

برزن و یا درجهایی خلوت و کم رفت و آمد از خیابان و کوچه و مکانی به دور از درخت‌ها و مسیر جابجایی سیم‌های انرژی و گاز و تلفن یا اتومبیل‌های پارک شده و به‌دوراز مغازه‌ها و مکان فروش وسایلی که زود آتش می‌گیرند مانند پمپ‌بنزین‌ها نفت‌فروشی‌ها و پلاستیک‌فروشی‌ها و بزازی‌ها با پیش‌بینی این‌که ممکن است در زمان اجرای مراسم ما در آن مکان و خیابان اتومبیلی و یا آمبولانسی برای کمک و نجات جان بیماری بخواهد از آن مسیر بگذرد و جان انسانی را نجات دهد باید بر امور و کنش‌های افراد و شناسایی آن‌ها آگاهی و توانایی داشته باشیم مبادا فردی که از جهت جسمی و یا رفتاری و روانی باید در بیمارستان و نیازمند بستری و درمان باشد.

خانواده وی او را برای استفاده و لذت بردن از روزهای پایان سال و چهارشنبه‌سوری و برای شرکت در جشن نوروز از بیمارستان به خانه آورده باشند و او بدون پرستار و همراهی افراد خانواده در گردهمایی و جشن شرکت نموده و ناگهان هیجانی شود و پیش از کنترل مسائلی را ایجاد کنند که موجب مشکلاتی هر چند جزئی برای خود و یا دیگران شود باید فرد و وسیله‌ای برای کنترل مهربانانه و بردن و سپردن این‌گونه افراد به خانواده یا پرستار آن‌ها پیش‌بینی شود.

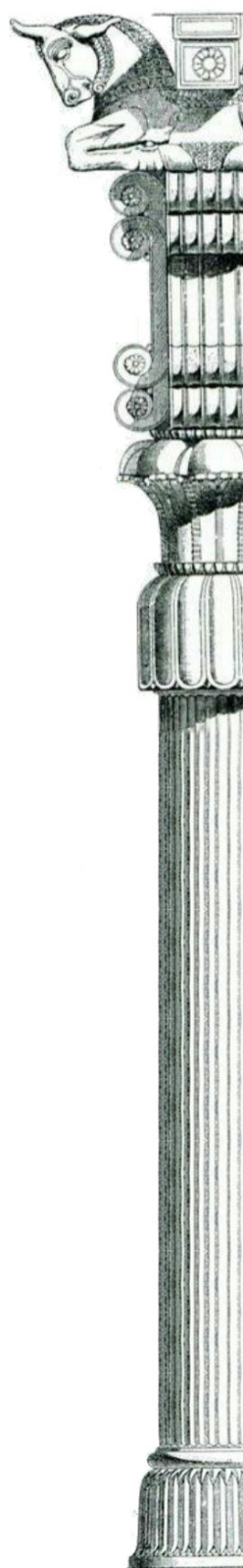
۳- در جشن چهارشنبه‌سوری از پوشیدن لباس‌هایی که زود آتش بگیرند خودداری و از کفش‌های راحت‌تری و نه دمپایی استفاده شود تهیه آتش‌ها تنها با استفاده از چوب باشد و هیچگاه نباید از لاستیک‌های فرسوده و نفت و بنزین و مواد نفتی و مواد منفجره و جای خالی اسپری‌ها استفاده نمود.

کنش (رفتار) برخی از افراد را خوب کنترل کنید و ببینید به ویژه به سالخوردگان و کودکان توجه ویژه شود و به پدر و مادر و پرستاران کودکان سفارش کنید از کودکان غفلت نکنند. پدرها و مادرها و پرستارها همیشه مکان‌های با امنیت بیشتر را انتخاب نموده و دست کودکان را در دست خود نگهدارید که گفته‌اند. اندکی غفلت همیشه پشیمانی.

خوانندگان گرامی: سپاسگزارم که زمان گذاشتید و بخش پیش را خواندید. اکنون نکته‌ای را یادآوری می‌کنم. این روش اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری و شکل زیبای آن که متناسب باهوش کودکان بود در کتاب درس فارسی کلاس دوم دوره ابتدایی دهه ۴۰ بود. گروهی از هم‌میهنان در اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری و برای شادی و مسرت چند آتش را در یک راستا افروخته بودند (روشن نموده بودند) و از روی آن‌ها می‌پریدند و به آتش‌ها می‌گفتند، زردی من از تو، سرخی تو از من؛ و یا در برخی از جاها مردم در زمان پریدن از روی آتش‌ها می‌گویند، غم برو، شادی بیا، بینوایی و زشتی (نکبت) برو، روزی (کسب مال) بیا که این‌گونه اجرای مراسم هم اگر برای خنده و شادی باشد خوب است و اشکالی ندارد مهم شادی و شاد بودن و جشن گرفتن و مسرت و پاسداری از این فرهنگ کهن است. یادمان باشد که آتش هیچگاه سر خیش را بما نمی‌دهد و زردی ما را هم نمی‌گیرد و شادی را باید با خردمندی خودمان بیفزاییم و زشتی و بینوایی را با اندیشه درست دور کنیم و با تلاش روزی را بیفزاییم.



**بخش دوم:**  
**هفت سین.**



### سفره هفت‌سین:

بنیان و پایه مراسم سفره هفت‌سین بخشی از یک فرهنگ خردمندانه و غنی و کهن است و اگر ما به مفهوم و دلیل وجود هریک از نمادهای هفت‌سین و سایر الگوهای افزوده بر آن فکر کنیم و برابر پیام آن‌ها (نیاکان خردمند) رفتار نماییم هم‌مکان زیستی زیبا و جسمی سالم خواهیم داشت و هم همیشه بی‌نیاز و کامروا و سالم و شاداب و خوشبخت خواهیم زیست.



مردم سفره هفت‌سین را در خانه‌ها از یکی و یا دو روز مانده به آغاز جشن نوروز و سال نو و در شرکت‌ها و مؤسسات در مکانی همگانی که در دیدگاه همه باشد از ۵ یا ۴ روز مانده به پایان سال کاری به شکل زیبایی تشکیل می‌دهند و مرتب می‌کنند. هرسین در هفت‌سین نماینده و نماد و الگوی موارد زیر است و از باورهای راستین و مفاهیم جهت‌دار خوب و چیزهای بسیار مهم برای مکان زیست و مردم و برخی برای بهتر زیستن کل موجودات زنده و به‌ویژه انسان‌ها نه‌تنها برای مردم فلات ایران بلکه برای کل

مردم گیتی وزندگی بر روی کره زمین است که نیاکان آگاه و خردمند و دانشمند و بافرهنگ ما آن‌ها را شناخته و درک نموده و به اهمیت آن‌ها برای زندگی و یا زندگی بهتر بر روی کره زمین پی برده بودند که نماد و الگوهای آن‌ها را در هفت‌سین جای داده‌اند تا نه‌تنها در آغاز سال در تمام سال به آن‌ها توجه داشته باشند و از آن چیزها که نمادشان در هفت‌سین بوده خوب نگهداری و بهره‌برداری نیکو نموده و به آیندگان هم آموزش دهند تا از آن‌ها برای بهتر زیستن در کره زمین بهره‌مند شوند. نکته مهم و جالب این است که همه مردم ما مراسم سفره هفت‌سین را در نوروز اجرا می‌کنند ولی برخی در سایر روزهای سال از توجه به اهداف، پیام، انجام و اجرای کامل مراسم هفت‌سین و بیان دلیل وجود هرسین در هفت‌سین و آموزش استفاده درست و خوب از آن‌ها به فرزندان دلبندشان غافل می‌مانند که این غفلت می‌تواند در سالهای آتی موجب از بین رفتن جنگل‌ها، آلودگی مکان زیست، آلودگی آب‌های روی زمینی و زیرزمینی، افزایش بیماری‌ها و گاه جانور آزاری و یا موجب نابودی گونه‌هایی ارزشمند از جانوران شود. در این بخش به هریک از نمادها و نمایندگی آن‌ها در هفت‌سین اشاره خواهد شد اما پیش از ورود به بیان سین‌های هفت‌سین لازم است یادآوری شود هر چیزی (اسم و یا کلمه) که با سین آغاز شود و یاسین داشت نمی‌تواند جزء هفت‌سین باشد چون پیشینیان دانشمند و خردمند ما با آگاهی و دیدگاهی همگانی و گسترده اسامی چیزها و سین‌هایی را انتخاب نموده‌اند و در هفت‌سین گنجانیده‌اند که از جنبه کلی زنده‌بودن کل موجودات زنده و اهمیت بر زندگی همگانی بشر بر کره زمین و سلامت و تندرستی و آسایش و بهره‌مندی و سود بشر و سایر جانوران جایگاهی ویژه و ارزش به سزایی دارند که سین‌های دیگر مانند این‌ها

را ندارند برخی بدون اینکه دلیل و فلسفه و فرهنگ وجود هریک از سین‌ها و ارزش و اهمیت آن‌ها را بر زندگی انسان و سایر جانوران بدانند و یا می‌خواهند نوآوری کنند و یا جهت‌دارمی گویند فلان چیز هم سین دارد. در اینجا سؤال این است اهمیت و ارزش و جایگاه آن چیز که می‌گویی سین دارد در بهبود و پیشرفت و آسایش و زندگی همگانی، سیاسی و فرهنگی و تامین سلامت انسان‌ها و سایر جانورها و مکان زیست چیست؟ لازم است یادآوری کنم در فارسی نمونه گفتاری است که می‌گوید هر گردویی گرداست؛ اما هر گردی گردو نیست.

### عدد ۷ و هفت‌سین و فلسفه پیدایش آن‌ها (دلایل انتخاب آن‌ها)

۷ سین از ۷ چیز (کلمه) نام‌برده شده زیر تشکیل (چیده) می‌شود.

۱- سبزی ۲- سرکه ۳- سکه ۴- سماق (سماک) ۵- سمنو

۶- سنجد ۷- سیر

در ابتدا به بیان شماره ۷ می‌پردازیم. شماره ۷ در نزد مردم فلات ایران و ایرانی‌ها و آسیایی‌ها و مردم اروپا و آمریکا و سایر خشکی‌ها ... و کشورها و مذاهب و درکل پیش همه انسان‌ها دارای ارزش و منزلت ویژه‌ای است و بیشتر نویسندگان، سخن‌دان‌ها و مذهبی‌ها و دانشمندان و هنرمندان و همه مردم و ملیت‌ها در فرهنگ مردمی‌شان آن را به‌خوبی ستوده و آن را پذیرفته‌اند برای نمونه: هفت‌خوان رستم، هفت‌برادران در آسمان، هفت‌گنبد نظامی، هفت شهر عشق، هفت روز هفته، هفت‌آسمان، آسمان هفتم، هفت لشگر، هفت‌کشور، هفت‌پادشاه، هفت جوی، هفت‌چنار، جشن ۷ روزگی (هفتم) برای خانمی که زایمان نموده، عجایب هفتگانه جهان، هفت گناه کبیره، رأی و اندیشه بر هفت خدا در یونان باستان، هفت حرف آخر، هفت کلیسا و هفت

سال پربركت و هفت سال خشكسالی و... به همین دلایل شماره هفت را انتخاب نموده‌اند كه بیشتر پذیرش جهانی دارد. اکنون به بیان و نشان هریك از سین‌های هفت‌سین و اهمیت آن‌ها برای زندگی بر روی کره زمین و یا زندگی انسان‌ها و برخی از ویژگی‌ها و دلیل‌های انتخاب آن‌ها برای هفت‌سین می‌پردازیم. سین اول سبزی: سبزی چیست؟ گونه‌های آن کدام است؟ اهمیت آن برای زندگی چه میزان و در كجا است و دلیل و پایه و اساس انتخاب سبزی در هفت‌سین. چیست؟ سبز در فلات ایران و در فارسی به رنگ‌هایی گفته می‌شود هم‌رنگ برگ درختان و چمنزارها در موسم بهار و تابستان و تا پیش از خزان و حرف «ی» پایان آن ی نسبت است سبزی=سبز گونه و به رنگ سبز

**سین ۱ سبزی:** سبزی نشانه زنده‌بودن و زندگی و موجب ادامه زندگی در كل کره زمین است اگر به پرچم كشورها نگاه كنیم رنگ سبز در پرچم بیشتر كشورها به شكل بخشی از بوم و یا نمادی و یا نواری خودنمایی می‌كند. در كل به رنگ برگ‌های هر نوع گیاهی كه از زمین بروید و فرایند فتوسنتز را انجام دهد سبز گفته می‌شود. سبزی‌ها بسیار گوناگون و در اندازه‌ها و شكل‌های مختلف و کاربردهای متفاوت و فراوانی دارند و در تمام مكان‌های کره زمین و آب‌ها به‌اندازه كم و یا زیاد و جود دارند هر سبزی دست‌كم از ۳ بخش تشكيل می‌شود.

۱- ریشه. ۲- تنه. ۳- برگ.

**بخش اول ریشه:** ریشه به بخشی از گیاه گفته می‌شود كه در زیرخاک است و دیده نمی‌شود و موجب استواری و یكجا ماندن گیاه و جذب آب و مواد لازم برای زنده ماندن گیاه از زمین است. برخی از گیاهان دارای ریشه‌های

هوایی می‌باشند که از بخش‌هایی از تنه بیرون آمده و به سمت زمین رشد می‌کند و در زمین فرو می‌روند. ریشه برخی از گیاهان (گیاهان یک‌ساله) مانند گندم و برنج باریک و افشان و ریشه گیاهان چندساله مانند درخت‌های چنار و گردو بسیار ستبر و فشرده و سخت است.

**بخش دوم تنه:** تنه یا بخش میانی (ساقه) بخشی از گیاه است که بالای خاک است و می‌توان آن را دید: تنه‌های سخت و استوار گیاهان موجب افزایش شدن گیاه از روی زمین و گسترش آن در سمت‌های مختلف برای دریافت بیشتر نور خورشید می‌شود به بخش‌هایی از تنه که در جهات مختلف رشد می‌کنند شاخه هم می‌گویند تنه برخی از گیاهان از چوب تشکیل می‌شود مانند تنه درخت‌های چنار و درخت سیب و درخت آلو و... ساقه برخی از گیاهان غیر چوب و نرم است مانند ساقه‌های گندم و برنج و پیاز و ریحان و نعنا و جعفری و...

**بخش سوم برگ:** برگ‌ها بر روی ساقه‌ها و شاخه‌ها می‌رویند و دیده می‌شوند و فرایند فتوسنتز، ترکیب آب و مواد کانی که گیاه بوسیله ریشه از زمین آن‌ها را می‌گیرد (جذب می‌کند) و بوسیله مسیرهایی به نام آوند از راه بخش میانی و یا تنه به برگ‌ها می‌رساند و به کمک نور خورشید که از هوا می‌گیرد با موادی که از زمین گرفته غذا سازی می‌کند. بوسیله آن‌ها انجام می‌شود. ریشه و تنه یا بخش میانی بسیاری از گیاهان همیشه تا زمان زندگی گیاه هستند اما برگ‌ها سالی یک‌مرتبه در بهار بر شاخه‌ها می‌رویند و در پاییز و زمستان از بین می‌روند اما برگ برخی از درخت‌ها مانند درختان کاج و سرو هر سال و به‌مرور بر شاخه‌های درخت می‌رویند و تا ۳ سال بر شاخه‌های

درخت می‌مانند و موجب سبزی کاج‌ها و سروها در تمام‌روزهای سال به‌ویژه در موسم زمستان می‌شوند.

برخی از سبزی‌ها در آب‌ها و در دریاها تا جایی که نور خورشید نفوذ کند می‌رویند سبزی‌ها انواع مختلفی دارند و برحسب مدت‌زمان زندگی آن‌ها و یا سفتی و سختی و نرمی تنه آن‌ها و یا کاربری‌های آن‌ها در گروه‌های مختلفی گروه‌بندی شده‌اند مانند گیاهان خوراکی، گیاهان دارویی و یا گیاهان زینتی و گیاهان خوراک دام‌ها و گیاهان بوته‌ای، درخت‌ها و درختچه‌ها و یا گیاهان یک‌ساله و چندساله و غیره به برخی از سبزی‌ها که کمتر از یک سال زندگی می‌کنند گیاهان بوته‌ای می‌گویند مانند بوته‌های گندم، برنج، نخود، ذرت، ارزن، گرمک، سیب‌زمینی، پیاز، کاهو، برخی از گیاهان بوته‌ای هم بیش از یک سال زندگی می‌کنند مانند چمن‌های داخل پارک‌ها و گیاهان زیان‌آور برای کشاورزی که به آن‌ها گیاهان هرز می‌گویند اما این گیاهان هرز برای دامداری بسیار مفید هستند و بوته‌هایی که مکان رویش آن‌ها در بیابان‌ها است و... به میوه برخی از این گیاهان بوته‌ای غلات و بنشن و گندم و جو می‌گویند و انسان‌ها برای تهیه غذای خود از آن‌ها استفاده می‌کنند از برخی غلات و بنشن برای تهیه غذای چهارپایان مانند گاوها و گوسفندان و اسب‌ها استفاده می‌شود. همچنین انسان‌ها و بیشتر جانوران از میوه‌های بسیاری از درختان مانند میوه درخت‌های سیب و گلابی و پرتغال و گردو و به و آلو و زردآلو و سنجد و انگور و انجیر و گیاهان بوته‌ای مانند نخود و پیاز و سیب‌زمینی و... برای تأمین برخی ویتامین‌ها و مکمل‌های غذایی و برای تأمین سلامتی و درمان استفاده می‌کنند میوه‌های بسیاری از درختان خوراک خوبی برای پرندگان و سایر جانوران هست و... بلندی برخی از گیاهان بوته‌ای بین ۳۰

تا ۱۵۰ سانتیمتری باشد... و به برخی از گیاهان سبز که زندگی بیشتر از یک سال و چندین ساله دارند درخت و یا درختچه گفته می‌شود زندگی برخی از درخت‌ها که در جای مناسبی باشند ممکن است به هزارها سال برسد درخت‌های چندین ۱۰۰ ساله و یا هزارساله هم بوده که با نخستین آلودگی خاک‌ها و یا آب‌های مکان آن‌ها آن درخت‌ها خشکیده‌اند. بلندی برخی از درختان کهن سال مانند درخت چنار و درخت گردو و درخت تبریزی بیش از ۱۰ متری شوند و در جنگل‌های استوایی و مکان‌های مناسب و پر باران بلندی برخی از درختان تا ۸۵ و یا ۹۰ متر هم می‌رسد. درکل همه رویدنی‌ها از زمین به جز قارچ‌ها در گروه گیاهان سبز جای دارند که به رسته‌ها و زیر رسته‌های متفاوت گروه‌بندی می‌شوند اما نیت و هدف از سبزی ۷ سین که نماد همه سبزی‌ها در کره زمین و الگوی کاشت و داشت و برداشت (کشاورزی) است دانه‌های کاشته شده گندم یا جو یا ماشک یا ماش و گاهی شلتوک برنج... است؛ که چند روز مانده به جشن سال نو آن‌ها را در داخل چیزی (کاسه و یا دیس) مناسب با آب تمیز خیس می‌کنند (می‌خیسانند) و در مکانی مناسب در برابر نور آفتاب جای می‌دهند و روزانه به آن‌ها کمی آب می‌پاشند تا سبز شوند دلیل انتخاب گندم و برنج و غلات برای سبزی هفت‌سین.

۱- کاربرد آن‌ها برای غذای همیشگی بشر می‌باشد زیرا که خوراک

بیشتر انسان‌ها همین غلات و گندم و برنج است

۲- آموزش کاشتن و کشاورزی و نگهداری آن است. همچنین سبزی

موجب شادابی و شادی و مسرت انسان‌ها هم می‌شود. برای نمونه: هرگاه

بخواهیم خوش باشیم و خوش بگذرانیم و شادباشیم به مکان‌های سبز مانند

پارک‌ها و جنگل‌ها و دشت و چمنزارها می‌رویم. سبزی‌ها موجب تسویه و پاکی هوا می‌شوند و اکنون دانشمندان جایگاه و اهمیت گیاهان سبز و جنگل‌ها را برای ادامه زندگی همه جانداران درروی کره زمین مانند اهمیت و ارزش شش‌های بدن ما برای تنفس و ادامه زندگی انسان می‌دانند و افزون بر آنچه نوشته شد دلیل مهم انتخاب سبزی برای بخشی از گروه هفت‌سین نوروزی این است که سبزی پایه و اساس هرگونه زندگی و ادامه زندگی جانوری و گیاهان بر روی کره زمین است. همان‌گونه که نوشته شد گیاهان بوسیله ریشه مواد کانی و آب را از زمین می‌گیرند و بوسیله برگ‌ها با استفاده از نور خورشید و با انجام فرایند فتوسنتز خوراک تمام انسان‌ها و گیاهخواران را تأمین می‌کنند سبزی‌ها خوراک کلیه جانوران گیاهخوار هم می‌باشند و اگر سبزی‌ها نباشند جانوران گیاهخوار و انسان درروی کره زمین نمی‌توانند ادامه زندگی بدهند و اگر جانوران گیاهخوار نبود شوند جانوران گوشتخوار هم‌توان ادامه زندگی نخواهند داشت و زندگی کل موجودات زنده در کره زمین نابود می‌شود. سبزی موجود در سفره هفت سین نماد موارد گفته‌شده و هزارها مورد دیگر است و به همین دلیل‌ها نیاکان آگاه و خردمند ما سبزی را بخشی و پایه استوار و همیشگی و یکی از سین‌های هفت‌سین انتخاب نموده‌اند. آیا بیشتر خود ما به گفتار و پیام پیشینیان در نگهداری از سبزی‌ها کوشا هستیم آیا ما آموزش‌های لازم در مورد اهمیت سبزی‌ها برای زندگی و ادامه زندگی نسل‌های آینده را به فرزندان خود داده‌ایم و می‌دهیم؟ کمی درباره نسل‌های آینده خودمان بیاندیشیم. آیا ما خواسته و خرد و اندیشه و آموزش و روش‌های خوب نیاکان دانشمند و خردمند خود را بکار می‌بندیم و از سرزمین‌های سبز و جنگلی خوب نگهداری می‌کنیم؟ پس چرا جنگل‌های ما رو به نابودی است

چرا هرچند مدت یک مرتبه بخش‌هایی از جنگل‌ها در آتش می‌سوزند و نابود می‌شوند و چرا زمین‌های بیابانی و کویرها در کل کره زمین به‌ویژه در ایران افزایش می‌یابند؟ آیا فکر نمی‌کنید سبب بخش زیادی از تخریب جنگل‌ها و دارایی‌های همگانی و ملی ما آدم‌ها هستیم.

**سین ۲ سرکه:** بخش بزرگی از سرکه‌های تولیدشده در جهان از انگور تهیه می‌شوند. مَو و یا بوته انگور از چندین هزار سال پیش در فلات ایران کاشته می‌شده و می‌شود و ایران یکی از نخستین سرزمین‌های کاشت و پرورش تاک در جهان است تاک گونه‌های بسیار مختلف و شکل انگورها و مزه آن‌ها و بزرگی و کوچکی دانه‌های انگور متفاوت و نام‌های گوناگون دارند انگور میوه بوته تاک است و تاک از گروه سبزی‌های بوته‌ای چندین ساله است به بوته تاک مَو هم می‌گویند تاک یا همان مَو بوته‌ای رونده است و بدون پایه و کمک و هدایت نمی‌تواند از زمین زیاد بلند شود. برای کاشتن و افزایش تاک و ایجاد تاکستان‌های بزرگ می‌توان از روش‌های ۱- کاشتن شاخه‌ها (قلمه زدن) ۲- خوابانیدن شاخه‌ها در کنار بوته مو و کمی خاک روی آن‌ها ریختن به‌گونه‌ای که مکان خواباندن آن‌ها نمناک باشد تا ریشه کنند و پس از یک سال جابجا نمودن آن‌ها ۳- کاشتن هسته‌های انگور که داخل دانه انگور است استفاده نمود انگور میوه‌ای شیرین خوشمزه و انرژی‌زا است و به شکل خوشه‌ای بر شاخه‌های تاک می‌روید و هر خوشه از چند پلنگه کوچک و بزرگ و هر پلنگه از شماری دانه انگور تشکیل شده است و هسته انگور داخل دانه‌های آن است. تاک بوته‌ای است که ممکن است در آب‌وهوا و مکان خوب و مناسب تا ۱۰۰ سال و بیشتر زنده باشد و انگور بدهد و به آب اندکی نیاز دارد. بسیاری

از مواد و ویتامین‌های موردنیاز بدن در انگور و کشمش وجود دارد که در تأمین سلامتی انسان سهم به‌سزایی دارند به‌جز انسان‌ها همه جانوران گیاهخوار و برخی جانوران گوشتخوار مانند شغال‌ها و روباه‌ها و بیشتر پرندگانمانند گنجشک‌ها و سارها و موجوداتی چون زنبورها و مورچه‌ها انگورها را می‌خورند. سرکه را می‌توان از میوه‌هایی چون سیب، هلو و غیره هم تهیه نمود اما همان‌گونه که گفته شد وقتی بیان و گفتگو از سرکه می‌شود بیشتر موارد هدف سرکه انگور است. سرکه نماد پایداری، تغییرات و سلامتی است.

۱- نماد پایداری است چون سرکه از انگور و انگور میوه تاک (بوته مُو) است که هر سال شاخه‌های تاک را می‌برند و باز جوانه می‌زند و شاخه می‌رویاند و بارور می‌گردد این روش زندگی و باز رویدن و سبز شدن مُو پایه چیستانی در فارسی هم شده و آن چیستان این است. آن چیست که می‌گویم. عجایب موجودی دیدم در این دشت سرش را می‌بریدند زنده می‌گشت؟ پاسخ بوته مُو (تاک انگور)

۲- نماد تغییرات است. سرکه خیلی ترش‌مزه است و حالت اسیدی دارد و سرشت آن سرد است اما پیش از آن که سرکه شود شراب بوده و بین الکل‌ها خوشمزه‌ترین است و پیش از شراب شدن انگور بوده که بسیار خوش‌مزه و شیرین است و می‌دانیم که انگور نارسیده را غوره می‌گویند که بسیار ترش است می‌بینیم ابتدا غوره و ترش بوده تغییر دوم غوره ترش پس از مدتی رسیده و انگور خوش‌مزه و شیرین شده تغییر سوم انگور به شراب تبدیل شده تغییر چهارم شراب به سرکه تبدیل شده. از انگور رسیده یا میوه تاک کشمش و شیر انگور و مرباهای گوناگون را تهیه می‌کنند که

اگر به روش درست تولید و نگهداری شوند در برابر فسادپذیری بسیار پایدار می‌باشند. کشمش و شیره انگور و مرباهای گوناگون چنانچه به روش بهداشتی و خوب تهیه شوند را می‌توان بدون یخچال در مکان‌های خوب و مناسب چندین سال نگهداری نمود از این‌رو در زمان‌های گذشته در بخش مواد غذایی ماندگار (پایدار) چندین سال در انبارها به‌ویژه انبار دژها نگهداری و سپس در زمان نیاز به‌جای غذا و یا مکمل غذایی خورده می‌شدند و این دو مواد غذایی به دلیل جابجایی آسان شیرینی زیاد و کالری زیاد و فسادناپذیری در مسافت‌ها بسیار مورد استفاده بودند به‌ویژه مکمل غذایی لشگریان بودند همچنین از کشمش می‌توان شراب و سرکه تهیه نمود. ۳- نماد سلامتی است از موارد دیگر سرکه کاربرد آن در درمان برخی از بیماری‌ها در زمان‌های گذشته و در زمان کنونی است ۰ در زمان‌های گذشته که داروهای کنونی نبود برای خارج کردن انگل‌هایی که انسان میزبان آن‌ها است از سرکه استفاده می‌شد همچنین در فرهنگ غذایی مردم ترشی‌ها از مکمل‌های غذایی هنگام خوردن غذاهای سنگین و چرب بوده و هست و مواد لازم برای تهیه هر نوع ترشی سرکه است و در همه دوران گذشته و کنونی از سرکه در کارخانه‌های تولید مواد غذایی برای تهیه چاشنی‌های خوش‌مزه استفاده می‌شود. برای نگهداری سرکه اگر به روش سنتی درست و بهداشتی تهیه‌شده باشد به دلیل اینکه ذات اسیدی دارد نیازی به یخچال نیست و می‌توان آن را چندین سال نگهداری نمود با توجه به موارد بالا و ۱۰۰ ها مورد دیگر و استفاده زیاد در تأمین سلامتی انسان‌ها و بخشی از خوراک انسان‌ها سرکه جزء یکی از سین‌ها در هفت‌سین قرار دارد.

سین ۳ سکه: سکه نماد دارایی و امور مالی و موجب فوری و سهولت و  
سادگی در هرگونه خرید و فروش و رواج و شکوفایی بازرگانی و تبدیل و  
جابجایی آسان دارایی‌ها و یکی از دست آوردها و رخدادهای بسیار مهم و  
ارزشمند در مسیر پیشرفت و تمدن بشر است در تاریخ گیتی تهیه و رواج  
سکه زر را از زمان داریوش کبیر پادشاه هخامنشی می‌دانند؛ که در آن زمان به  
آن داریوش یک و پس از گذشت مدت‌ها به آن دریک گفته می‌شد سکه از  
موادی مانند زر و سیم و مس و برخی از فلزات و آلیاژهای دیگر تهیه می‌شد و  
می‌شود تهیه سکه از روش ذوب و ریخته‌گری فلزات است و آن را (ضرب  
سکه) می‌گویند. تولید سکه کاربرد جهانی دارد و در شکل‌ها و اندازه‌ها و  
ارزش‌های گوناگون، در کل کشورها تولید و رواج دارد. تولید سکه در اختیار  
دولت‌ها است و بوسیله خود دولت‌ها و یا به دستور و سرپرستی آن‌ها تولید  
می‌شود و در همان کشور دادوستد می‌شود لیکن سکه‌های زر و سیم بنا بر  
ارزش مواد تشکیل‌دهنده در سایر کشورها ارزش گزاری و خرید و فروش  
می‌شوند. سکه با توجه به کاربرد مواد اولیه در ساخت آن‌گونه‌های مختلف و  
متفاوتی دارد مانند سکه زر یا سیم و غیره که در بازارها و کشورها رواج دارند و  
مرسوم است و دادوستد می‌شوند سکه هیچگاه از گردش نمی‌افتد. برخی از  
سکه‌های زر در تهیه زیورآلات در زرگری‌ها و جواهرسازی‌ها کاربرد بیشتری  
دارند و برخی در بازارها و هنگام دادوستد کالاها همگانی رواج بیشتری  
دارند. اهمیت سکه در ماندگاری و سهولت برای خرید و فروش و دادوستد و  
بازرگانی (اقتصاد) و ارزش جهانی برخی از آن‌ها (زر و سیم) و کمک به  
بازرگانی و پیشرفت بشر و بهبود زندگی انسان‌ها موجب شد تا سکه جای خود

را در هفت‌سین بازنماید و جزء یکی از سین‌های فرهنگ هفت‌سین پذیرفته شود.

**سین ۴ سماق:** سماق عربی شده سماک فارسی است. سماک میوه درختچه‌ای به همین نام است. درخت یا درختچه سماک. سرشت سماک سرد و خشک است و برابر نوشته‌ها سرشار (پر) از ویتامین C است و دارای ویژگی‌های آنتی‌اکسیدان است درخت سماک در بسیاری از استان‌ها و شهرهای ایران از جمله در خراسان‌ها و برخی از مکان‌های سمنان و البرز و مرکزی و کردستان و کرمانشاه و آذربایجان‌ها و سپاهان (صفاهان - اصفهان) و کاشان و... و سایر مکان‌هایی که آب‌وهوای مناسب و نزدیک به گرم (معتدل) دارند در فلات ایران می‌روید تمام گیاه‌خوران دانه و برگ‌های درختچه سماک رامی خورند و سماک‌های برجای‌مانده بر روی شاخ‌های درختچه‌ها خوراک خوبی برای برخی پرندگان در زمستان می‌باشند سماک آسیا شده جزء ادویه‌ها و برای بیشتر غذاها مزه دهنده خوبی است سماک اشتهاآور است و پس و یا همزمان با خوردن کباب گوشت و خوراکی‌های گوشتی و چرب برای کاستن از زیان‌های چربی غذا، خوردن آن سفارش شده و خورده می‌شود. در رستوران‌های ایران سماک برای خوش‌مزه نمودن غذا و کاستن از زیان‌های خوردن گوشت و چربی‌های آن روی تمام میزهای غذاخوری وجود دارد و هیچگاه از روی میز غذاخوری رستوران‌ها به‌ویژه کبابی‌ها و چلوکبابی‌ها برداشته نمی‌شود. هنگام فرستادن کباب و غذاهای گوشتی به درب خانه‌ها همیشه سماک جزء مخلفات آن است در پزشکی سنتی ایران و برخی از کتاب‌ها و نوشته‌ها در مورد سلامتی و تغذیه و در پایان‌نامه‌های دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه‌های بزرگ نزدیک ۷۰ تا ۸۰ گونه فایده برای خوردن

سماک نوشته‌شده و برای درمان و یا کنترل بسیاری از بیماری‌ها از جمله بیماری‌های دل (قلب) و مغز و پیشگیری از سکته‌ها، بهبودی و سلامت و یا کنترل مشکلات تنفسی و برونشیتی و سرماخوردگی و دیابت، نفرس، کمک به سختی و سلامت آرواره‌ها و مرتب نمودن دوره برخی از رخدادهای زنانه و تسکین‌دهنده و پاک‌کننده معده است و برای دستگاه گوارش ارزش آنتی‌بیوتیکی دارد همچنین سماک برای بهبودی و درمان اگزما (التهاب دردهان و معده و روده‌ها و پوست بدن مفید است سماک ادرار آور است و دارویی خوب برای شستشو و تمیز و خارج نمودن سموم از بدن، تسویه خون، روان‌تر نمودن خون (بهبود غلظت خون)، بهبود و به‌اندازه نمودن فشارخون (بهبود یا تنظیم فشارخون)، از بین بردن چربی‌های زائد بدن (کوچک شدن شکم) و کاهش وزن و درمان برخی آلرژی‌ها است سماک تا اندازه زیادی از بین برنده میکرب‌ها و باکتری‌ها و قارچ‌های زیان‌آور برای بدن است و شیمیایی صنعتی نبودن جوشانده سماک برای گندزدایی و پاک و تمیز نمودن سبزی‌ها و میوه‌ها بسیار خوب است. لیکن همانگونه که زیادی هر چیزی زیان‌آور است باید در خوردن سماک هم زیاده روی نکرد. در زمان‌های گذشته با عصاره‌ای که از جوشاندن جوانه‌های درخت سماک به دست می‌آوردند برای پاک و تمیز نمودن زخم‌ها استفاده می‌کردند با توجه به موارد بالا و درمان یا کنترل بیش از ۷۰ نوع بیماری برخوردارن سماک تأکید فراوان گردیده است و با توجه به موارد نوشته‌شده و ۱۰۰ ها گونه اهمیت و ارزش سماک در تأمین سلامتی انسان‌ها و بخشی از خوراک سایر جانوران نیاکان خردمند ما سماک را جزء یکی از سین‌های هفت‌سین انتخاب نموده‌اند.

**سین ۵ سمنو:** سمنو دارای سرشتی گرم و مناسب و دارای ویتامین‌های فراوان و کلسیم و آهن و پروتئین و بسیاری از مواد موردنیاز بدن است سمنو بسیار انرژی‌زا و برای پیشگیری از پوکی استخوان‌ها مناسب است و خوراک بسیار خوبی برای خانم‌های باردار و کودکانی که پس از ۵ یا ۶ ماهگی به جز شیر مادر نیاز به مکمل غذایی (کمک غذایی) دارند است و برای بهبود سرماخوردگی و تأمین سلامتی و تندرستی بسیار نیکو است سمنو از جوانه‌های گندم که هنوز سبزرنگ نشده باشند به این روش به دست می‌آید. در آغاز گندم‌ها را شسته و در آب تمیز خیس نموده و پس از نیم روز آن‌ها را از آب خارج نموده و پارچه‌ای نمناک روی آن‌ها نهاده و دور از نور نگهداری می‌کنند تا گندم‌ها جوانه‌هایی سپید بزنند و پس از جوانه زدن گندم‌های بالایی آن‌ها را پشت‌ورو (زیرورو) می‌کنند تا گندم‌های پایینی هم بالا بیایند و جوانه بزنند و جوانه‌های بالایی به زیر رفته تا نور به آن‌ها نرسد توجه شود که جوانه‌ها نباید برابر نور بمانند تا سبزرنگ شوند. سپس آن‌ها را در هاون می‌کوبند و یا آسیا (آسیاهای کوچک الکتریکی آشپزخانه) می‌کنند تا مایعی نرم و کمی سفت به دست آید سپس آن مایع را که تخمیر شده هم است از پارچه نازکی می‌گذرانند و کمی آب و آرد سیوس‌دار به آن می‌افزایند و به هم می‌زنند تا یکنواخت شود سپس مدتی آرام با آتش گرما می‌دهند و می‌جوشانند و مرتب به هم می‌زنند تا ته نگیرد و بپزد و کم‌کم سفت شود و مانند رب گوجه‌فرنگی سفت و قهوه‌ای مایل به سرخ رنگ شود و هنگام برداشتن از آن کمی هم کش بیاورد آنچه به دست می‌آید سمنو نام دارد. رنگ سمنو سرخ مایل به قهوه‌ای است که بسیار خوشمزه است. گندم گیاهی بوته‌ای و یک‌ساله است و به آب کمی نیاز دارد و به دو گونه آبی و دیمی

(دیم = کاشت بدون آبیاری در سرزمین‌های بارانی) کاشته می‌شود. اگر بوته گندم در زمینی با ترکیب خاک و کودهای مناسب و خوب باشد و آب به اندازه لازم به آن برسد بلندی بوته گندم گاهی تا ۱۳۰ سانتیمتر هم می‌رسد اما در زمین‌های نامناسب و دیم‌کاری بلندی بوته گندم نزدیک ۶۰ تا ۸۵ سانتیمتر می‌شود. دانه‌های گندم در سنبله‌ها و سنبله‌ها در خوشه گندم جای دارند که در کشتزارهای گندم نزدیک زمان برداشت به خوبی می‌توان خوشه‌های گندم را دید. خوشه‌ها در بالاترین جای بوته و رنگ خوشه‌های رسیده و خشک شده زردرنگ است. در بیشتر سرزمین‌های کره زمین که برای کشاورزی مناسب باشند می‌توان گندم را کاشت و می‌دانیم که برای تهیه تمام نان‌ها که خوراک همه مردم گیتی است از آرد گندم استفاده می‌شود و در تمام کارخانه‌های ماکارونی و رشته سازی و سایر کارخانه‌های تولیدی مواد غذایی از آرد گندم استفاده می‌شود همچنین در شیرینی‌پزی‌ها برای تهیه بیشتر شیرینی‌ها از آرد گندم استفاده می‌شود و در داروسازی‌ها از نشاسته‌ای که از گندم تهیه می‌شود در ترکیب بسیاری از داروها استفاده می‌شود. می‌توان گفت دانه‌های گندم خوراک بسیار خوبی برای بیشتر پرندگان و جوندگان است و از ساقه‌های گندم هم اکنون به جای مواد اولیه در تهیه صنایع دستی استفاده می‌شود در زمان‌های گذشته بسیاری از وسایل و لوازم زندگی مردم از به هم بافتن ساقه‌های گندم تهیه می‌شده است همچنین ساقه و برگ بوته گندم خوراک خوب و مناسبی برای چهارپایان است و در دامداری و دام‌پروری کاربرد فراوان دارد. می‌توان گفت برخی از دلایل‌های وجود سمنو در گروه هفت‌سین:

۱- از گندم بودن آن است چون گندم را آسیا نموده و آردمی کنند و با آرد گندم نان می‌پزند و همه می‌دانند که نان خوراک ویژه‌ای برای تمام انسان‌ها در سرتاسر کره زمین است.

۲- همگانی و کاشت گندم در بیشتر سرزمین‌های کره زمین.

۳- توجه به پرندگان و چهارپایان: دانه‌های گندم خوراک بسیار خوبی برای همه پرندگان است و از ساقه و برگ‌های گندم در جهان برای تهیه خوراک چهارپایان استفاده می‌شود.

۴- همچنین سمنو نماد کاشت و داشت و برداشت در کشاورزی و توجه ویژه به پخت‌وپز و آشپزی و کار خانم‌های خانه‌دار و مکمل غذایی خوبی برای کودکان است همچنین سمنو از گذشته‌های دور تاکنون برای تأمین سلامتی و درمان برخی از بیماری‌ها و در این زمان‌ها نشاسته گندم از ترکیبات لازم برای ساختن برخی از داروها در کارخانه‌های داروسازی و بسیار مفید است با توجه به مراتب بالا و ده‌ها مورد دیگر سمنو در ردیف سین‌های هفت‌سین جای گرفت.

**سین ۶ سنجد:** سنجد میوه درختی است به همین نام (درخت سنجد) درخت سنجد درختی است تنومند با چوبی سخت که بلندی درخت‌های کهن و سالخورده از زمین نزدیک ۱۰ متر هم می‌شود و اگر در جای مناسب باشد تا ۱۰۰ سال و بیشتر زنده و سبزی ماند و بار (سنجد) می‌دهد و به آب زیاد نیازی ندارد ۰ کاشتن درخت سنجد به سه روش انجام می‌شود.

۱- کاشتن شاخه‌های جوان و مناسب در زمان درختکاری.

۲- کاشتن هسته آن.

۳- از رویدن پاجوش و یا جابجایی پاجوش‌ها. میوه سنجد برای زیبایی پوست و استحکام استخوان‌ها بسیار مفید است میوه سنجد از ۳ بخش تشکیل شده است.

۱- بخش بیرونی یا پوست که ساختاری نرم و نازک و در رنگ‌های سفید، کرم، خرمایی، سرخ عنابی و سرخ کمرنگ و یا راه راه و یا ترکیبی از آن‌ها است.

۲- بخش میانی که به آن گوشت سنجد می‌گویند و ساختاری نرم و سفیدرنگ و فیبریل بسیار دارد.

۳- بخش مرکزی و یا هسته که ساختاری چوبی و سخت دارد. اگر سنجد را به روش درست و بهداشتی گردآوری کنند در هنگام خوردن هیچ نیازی به پوست کردن و شستن و یا مانند برخی غذاها گرم کردن ندارد و می‌توان آن را در جیب یا کیف و یا جای کیسه‌مانند ریخت و در مسافرت یا هنگام راه‌رفتن در زمان راه‌پیمایی و کوه‌نوردی بجای سایر خوراکی‌ها خورد. برخی از مردم سنجد را با پوست و گوشت و هسته آسیا نموده تا به شکل پودر (آرد) درآید و سپس آن را با شیر درآمیخته و می‌نوشند و می‌گویند برای درمان برخی دردهای مفصلی و سختی استخوان‌ها بسیار مفید است. برای نگهداری میوه سنجد نیازی به یخچال نیست و چنانچه به روش درست و بهداشتی گردآوری و در مکان مناسب انبار شود فاسد نمی‌شود و می‌توان سنجد را هم یک و یا دو سال در انبارها نگهداری نمود به دلیل سهولت در نگهداری و جابجایی آسان و آماده بودن برای خوردن در هر مکان و زمان مکمل غذایی خوبی است.

در زمان‌های گذشته که جابجایی کالا و بارها با خودرو و به روش کنونی نبود و زمستان‌ها بسیار سرد می شد و تهیه سبزی‌ها و میوه‌ها در زمستان‌ها کمیاب و گاهی ناممکن بود سنجد به دلیل فیبر یل فراوان در نزد مردم کاربرد فراوان داشت و پزشکان و یا درمانگران نیز برای درمان برخی بیماران آن را تجویز می نمودند. برگ‌های درخت سنجد و میوه آن خوراک خوبی برای کلیه جانوران گیاهخوار و سنجد بخشی از خوراک جوندگان و همچنین بسیاری از پرندگان مانند کلاغ‌ها و گنجشک‌ها است. در زمستان‌ها که برف و یخ روی زمین را می پوشاند و پرندگان نمی توانند دانه‌ها را بیابند بجای دانه از سنجد‌های مانده بر روی شاخه درختان تغذیه می کنند سادگی و آماده بودن برای خوردن در هر زمان و مکان و روش نگهداری و جابجایی آسان و دوره ماندگاری زیاد در انبارها و فسادناپذیری و استفاده از آن در درمان برخی از بیماری‌ها و فایده سنجد در تأمین سلامتی انسان‌ها و تغذیه جانوران گیاهخوار از برگ درخت سنجد و خود سنجد و برخی از جانوران به‌ویژه پرندگان هنگامی که برف زمین را پوشانده و ده‌ها مورد دیگر سبب شد سنجد به‌جای یکی از مکمل‌های غذایی انسان و بسیاری از جانوران در فرهنگ خوب نیاکانی هفت‌سین جای خود را باز نماید

**سین ۷ سیر:** سیر محصول (میوه) گیاهی بوته‌ای و یک‌ساله به نام بوته سیر است و بلندی بوته سیر نزدیک به ۶۰ سانتیمتری باشد و ساقه و برگ‌های آن (آن بخش از گیاه که در کشتزار بالای زمین و دیده می‌شود) شبیه ساقه و برگ پیاز است محصول بوته سیر به شکل غده‌ای به هم چسبیده است و به هر بخش کوچک از آن غده حبه سیر می‌گویند مکان غده‌های سیر مانند پیاز کمی در خاک و نزدیک روی زمین می‌باشند در تمام سرزمین‌هایی

که بتوان کشاورزی نمود می‌توان سیر را کاشت اما در برخی از سرزمین‌ها که ترکیب خاک زمین از شن ریز و خاک باشد مانند زمین‌های کوه‌پایه‌ای و آبرفتی سیر بهتری تولید می‌شود تمام بخش‌های بوته سیر مانند غده‌ها و ساقه و برگ‌های سیر برای خوردن بسیار مناسب و مفید و ارزشمند هستند. سیر را با توجه به دما و هوای مکان مورد کاشت بیشتر در آبان و آذر و تا نیمه‌های دی‌ماه با کاشتن یک حبه سیر در ۴ تا ۸ سانتیمتر داخل خاک و نزدیک روی زمین می‌کارند؛ و زمان برداشت آن در اواخر فروردین و ماه اردیبهشت و ابتدای خرداد است با توجه به زمان کاشت و داشت و برداشت سیر و فراوانی آب در این زمان‌ها، کاشتن آن برای کشاورزان بسیار مناسب و سودآور است سیر در آشپزی و تهیه غذای روزانه انسان‌ها کاربرد فراوان دارد و موجب خوشمزگی و دلپذیری غذاها می‌شود همچنین بیشتر مردم به ارزش درمانی سیر آگاه هستند و از آن برای کنترل و بهبود و یا درمان بسیاری از بیماری‌ها بهره‌مند می‌شوند که در بسیاری از موارد موجب کنترل بیماری و بهبودی و یا سلامتی مردم می‌شود پزشکان و درمانگران سنتی سیر را برای درمان بسیاری از بیماری‌ها تجویز می‌نمایند در بسیاری از خانه‌ها برای پیشگیری از آفت‌زدگی غلات و برنج و جلوگیری از ورود جانوران موزی به انبار غلات به‌جای انواع قرص‌ها و مواد شیمیایی که برای انسان زیان‌آورند از سیر استفاده می‌کنند که هیچ‌گونه زیانی هم برای انسان ندارد. بسیاری از دامدارها و افرادی که در کوهستان‌ها چادرمی‌زنند برای این‌که از ورود مارها به بنه خود جلوگیری نمایند دور چادر و بنه خود سیر می‌گذارند. سرشت سیر گرم و... و مزه آن تند اما مزه برخی از سیرها بسیار تند است. مردم در سرزمین‌هایی که آب‌وهوای بارانی و نمناک دارند سیر زیادتری میل می‌کنند. در برخی از

کتاب‌ها و نوشته‌ها سیر را مناسب کنترل و یا درمان بیش از ۲۰ گونه بیماری از جمله درمان آسم، برونشیت، روماتیسم، نفرس، سینوزیت، خرد کردن سنگ کلیه‌ها و پاک و تمیز نمودن دستگاه‌های ادراری و... کنترل دیابت و آن را آنتی‌بیوتیک خوب می‌دانند. انسان و تمام جانوران گیاهخوار تمام بخش‌های بوته سیر را می‌خورند با توجه به مراتب بالا و ۱۰۰ها مورد فایده و استفاده دیگر به‌ویژه در تأمین سلامتی انسان‌ها نیاکان دانشمند ما سیر را جزء یکی از سین‌های هفت‌سین انتخاب نموده و جای داده‌اند.

هنگامی که یکی از سین‌های گفته‌شده به هر دلیل در دسترس نباشد مردم یک عدد سیب را در کاسه گرد زیبا و بزرگی که پر از آب است شناور می‌گذارند که سیب نماد گردی کره زمین و شناوری و سیاری آن نشان سیاری کره زمین برمدارش است.

افزون بر هفت‌سین از همان دوران گذشته دور مرسوم است مردم چند چیز دیگر مانند:

- ۱- چند دانه تخم‌مرغ پخته رنگی.
- ۲- تنگ و یا کاسه و یا پارچی پر از آب نوشیدنی.
- ۳- نان کلوچه و یا شیرینی.
- ۴- شمع یا چراغ روشن.
- ۵- آینه.
- ۶- یک کاسه بزرگ پر از آب با ماهی معمولاً سرخ‌رنگی که در آب آن شنا می‌کند.

۷- یک کتاب مانند قرآن یا شاهنامه و یا دیوان حافظ و یا کتابی بالارزش و مورد خواست و مورد توجه خانواده را هم در کنار هفت‌سین می‌گذارند.

دلیل وجود هریک از چیزهایی که نام‌برده شد در کنار سفره هفت‌سین دارای پیام ویژه و نماد و یادآور موارد و رفتار آموزنده زیر است.

۱- **تخم‌مرغ:** در آغاز سال نو برای بازی و شاد نمودن کودکان تخم‌مرغ‌ها را به کودکان هدیه می‌دهند و بدین وسیله کودکان را شاد می‌کنند و بر این باور هستند که تخم‌مرغ مایه زندگی است.

۲- **آب نوشیدنی:** آب هم مانند سبزی نخستین و مهم‌ترین نیاز لازم برای ایجاد و آغاز زندگی کل جانداران و ترکیبی ارزشمند و موردنیاز همه جانداران است و زندگی بدون آب بر روی کره زمین ممکن نیست آب موجب شادابی است آب نماد روشنایی و پاکی و زدودن ناپاکی‌ها است ایرانیان باستان بر این باور بودند که خداوند پس از آسمان‌ها و زمین آب را آفرید و سپس سایر موجودات را در آب آفرید. آب را یکی از عناصر (ترکیبات) چهارگانه مهم برای زندگی می‌دانستند. هرودت مورخ یونانی نوشته ایرانیان در آب ادرار نمی‌کنند و آب دهان و بینی در آب نمی‌اندازند و در آبی که دیگران استفاده می‌کند دست و رو نمی‌شویند؛ و «استرابون» جغرافی‌دان یونانی نیز می‌آورد «ایرانیان در آب روان، خود را شستشو نمی‌دهند و در آن لاشه مردار و هرچه ناپاک است نمی‌اندازند» اما متأسفانه اکنون مشاهده می‌شود و روزنامه‌ها می‌نویسند برخی از جاها پس آب‌ها و آب‌های آلوده و مسموم را به رودخانه‌ها هدایت می‌کنند. بر سر فرهنگ ما چه آمده؟ و چرا؟ آب به‌اندازه‌ای برای ایرانیان ارجمند بوده که یکی از ماه‌های سال را ماه آبان (آب) نام‌گذاری کرده

بودند همچنین یکی از روزهای همراه را (دهم همراه) آبان روز نام‌گذاری نموده بودند و روز دهم آبان را که نام روز و نام ماه باهم هماهنگ و یا یکی بود آبانگان نام‌گذاری کردند و روز آبانگان را جشن می‌گرفتند ۰ دو بخش آغاز آبادانی که نشانه زندگی و پیشرفت است آب است بدین مفهوم که بدون آب آبادانی و تمدن وجود نخواهد داشت. افراد خانواده پس از آغاز سال نو هریک اندکی از آب موجود در کنار سفره هفت‌سین را به یکدیگر هدیه می‌دهند و می‌نوشانند و می‌نوشند تا همیشه شاداب باشند آیا تاکنون به کره زمین بدون آب و یا بدون آب سالم اندیشیده‌اید. درخواست می‌کنم هم‌اکنون مدتی به کره زمینی بدون آب بیندیشم و آن را در ذهنمان تجسم کنیم تا بهتر متوجه وجود تنگ آب در کنار هفت‌سین بشویم. برای ایرانی‌ها از آغاز تشکیل گروه‌ها و زندگی (در همه تاریخ) تاکنون آب اهمیت و ارزش بسیار ویژه‌ای داشته آب برای ایرانی‌ها آن اندازه ارزشمند و ارجمند بود که برخی به اشتباه آن‌ها را میتراپسم نامیده‌اند. میتراپسم پنداشتن ایرانی‌ها بدان جهت نادرست بوده که مستند به شاهنامه ساکنان فلات ایران از ابتدا و آغاز تشکیل گروه‌ها و تشکیل سلسله پیشدادیان یکتاپرست بودند. و باور داشتند آب‌ها برای کلیه انسان‌ها و جانوران و سایر موجودات زنده کره زمین است و همه موجودات زنده و جانداران در آب‌ها سهم دارند شکارچیان در ایران هیچگاه در زمان آب خوردن جانوران آن‌ها را شکار نمی‌کردند و می‌گفتند که مار را هم سر آب و هنگام آب خوردن آسیب نرسانید (مار را هم سر آب نمی‌کشند) نیاکان ما هیچگاه آب را آلوده نمی‌کردند و در همه زمان‌ها و دوران به گواهی تاریخ نه تنها در جنگ‌ها هرگز آب را بر روی دشمن نمی‌بستند و یا آب را برای کشتن دشمن مسموم نمی‌کردند بلکه برای استفاده و خوردن اسب‌ها و گاو و گوسفند و بز و مرغ‌ها و

سایر جانداران آب تمیز و گوارا تهیه می‌نمودند. آیا ما به پیام و رفتار و سفارش‌های نیاکانمان برای تأمین سهم آب همه جانداران و پیشگیری از آلودگی آب‌ها و تمیز نگهداشتن آب‌ها توجه می‌کنیم و آب‌ها را برای فرزندان خود و نسل‌های پس از خود خوب و پاکیزه نگه می‌داریم؟ آیا ما در این زمان سهم آب سایر جانوران غیر اهلی و آن‌ها که در اندیشه برخی به‌اشتباه غیر سودمند هستند را برای خود بر نمی‌داریم و از آب خوردن آن‌ها جلوگیری نمی‌کنیم؟ آیا ما نیستیم که بدون بررسی از نتیجه، مجوز مکینه و ایجاد چاه‌های ۵۰ تا ۱۶۰ متری و بیشتر می‌دهیم و آب‌های سفره‌های آب زیرزمینی را بالا می‌کشیم و موجب خشک شدن چشمه‌ها در کوه‌ها و کوهپایه‌ها شدیم؟ آیا ما انسان‌ها نیستیم که با رفتار و کردار خود آبخور بیشتر جانوران را در کوه‌ها و کوهپایه‌ها و دشت و هامون خشک کردیم آیا نمی‌دانیم و نمی‌اندیشیم با ایجاد چاه‌های ۵۰ تا ۱۵۰ متری و بالا کشیدن و تخلیه سفره‌های آب‌های زیرزمینی بیشتر و یا تمام چشمه‌های آب کوهساران و کوهپایه‌ها خشک‌شده و یا خشک می‌شوند و درنهایت بیشتر آن جانوران و بچه‌های آن‌ها از تشنگی می‌میرند. آیا تاکنون فکر کرده‌اید زمانی که بوسیله چاه و موتورپمپ آب‌های زیرزمینی را بالا می‌کشیم افزون بر خشک شدن چشمه‌ها و بی‌آب و تشنه ماندن جانوران در مکان زیستشان، آب و نم زمین کم و رویش گیاهان و پوشش خاک کمتر و هوا گرم‌تر و خشک‌تر و جریان هوا به سمت بالا افزایش و تراکم ابرها کاهش و درنهایت موجب نباریدن باران و خشک‌سالی و گسترش کویر می‌شود. اگر ما کارهای نوشته‌شده در این کتاب را انجام نداده‌ایم چرا سهراب سپهری سروده آب را گل نکنیم را برای ما سروده آیا تاکنون فکر کرده‌ایم که هدف آن سراینده خوش‌نیت و پاک‌سرشت

برای چه و کی و چرا این را سروده و هدف او این‌ها بوده است آب را آلوده و مکان زیست را نابود و هوای پاک را مسموم نکنیم. آب و خاک و هوا و مکان زیست و زندگی خود و سایر جانداران را آلوده و نابود و مسموم نکنیم و چه و چه و که بوده تنها می‌توانم بگویم برخی از سخن‌سرایان با اشاره و کنایه رأی و خواسته و نیت خود را بیان می‌نمایند. نباید با گفتن ناچار هستیم با کاهلی و سستی و کم‌کاری و بی‌فکری و یا بدوی اندیشی خود موجب گسترش کویر و سختی زندگانی نسل‌های آینده شویم باید آینده‌نگری کرد و از امکانات و سازه‌های بشری بهترین و خوب‌ترین استفاده را نمود نه اولین و ساده‌ترین راه دیده‌شده و مرسوم را. تجربه نشان داده که گران کردن کالاها و خدمات همگانی مانند آب بهترین روش برای استفاده به‌اندازه و بهینه آن‌ها نیست اگر خوب بیندیشیم راه‌های بهتری برای مدیریت و بهره‌برداری نیکوی آب‌ها یافت می‌شود یادمان باشد برای آسایش و زندگی بهتر خودمان به جز تخریب زمین و گسترش کویر راه‌های دیگری هم وجود دارد. باید بدانیم که با ایجاد چاه و استفاده از نیروی موتور در کشوری نیمه‌خشک و کم باران مخازن و سفره‌های آب‌های زیرزمینی که در هزاران سال به وجود آمده‌اند و موجب کمک به پایداری اکوسیستم است به‌زودی پایان می‌یابند در آن زمان چه خواهیم کرد آن کاری که در آینده نزدیک و پس از اتمام ذخایر آب‌های زیرزمینی مجبور به انجام آن هستیم اکنون انجام دهیم تا از تخریب مکان زیست هم پیشگیری شود. مفهوم مدیریت در هر مورد نگاه کردن به تاریخ، رخدادها از زمان‌ها و سال‌ها و دوره‌های دور و نزدیک گذشته و شناخت دلیل ایجاد هر رخداد و راه‌های پیشگیری و یا شدت آن با بهره‌مندی و استفاده از تکنولوژی و ابزار روز و امکانات موجود در اختیار و در توان و پیش‌بینی و برآورد درست نیازها و

برنامه‌ریزی خردمندانه و متناسب برای همه امور جاری و پیش‌بینی تمام رخدادها و اجرای برنامه با پیشگیری و یا کاهش شدت از رخداد‌های مخرب و زیان‌آور و در زمان بروز هر رخداد، داشتن برنامه راهبردی و به‌اندیشی و بهینه‌سازی و انتخاب بهترین گزینه از بین همه گزینه‌ها است نه نشستن در مکان و دفترکار و گذران زمان و در زمان رخداد با گفتن غافل‌گیر شدیم کار را تمام و خود را تبرئه شده دانستن. بهتر است خوب بیندیشیم و روش‌های استفاده بهینه از آب را به‌کارگیریم تا آب را به‌اندازه موردنیاز استفاده کنیم در بهره‌برداری و استفاده از آب تجدید رویه کنیم. زمانی که برای شهرک‌ها و ساختمان‌های مسکونی بزرگ و کوچک و همچنین آپارتمان‌های کوچک دوبخشی یک کنتور آب می‌گذاریم این روش نمونه بی‌فکری و سوء مدیریت و بی‌توجهی در استفاده و بهره‌برداری از آب است آیا نمی‌دانیم و نمی‌اندیشیم که اشتراک در بهره‌برداری هرچیز و کالای اشتراکی ناخواسته مسابقه در استفاده و برداشت بیشتر ایجاد می‌کند. آیا اگر پیش از ما فردی کوتاه‌فکر و نادان و ناتوانی در اندیشیدن داشته و راه درستی را انتخاب نکرده ما هم باید روش نادرست او را ادامه دهیم و با مدیریت و تجربه و به‌اندیشی و خرد بیگانه باشیم و یا نه آن روش اشتباه را درست و بهینه‌سازی کنیم. یک سؤال: مسئولیت بهره‌برداری بیش‌ازاندازه و یا ساماندهی بهینه آب و یا هر چیز اشتراکی دیگر در ساختمان‌های دارای کنتورهای اشتراکی با چه فرد و یا سازمان و ارگانی است.

۱- نظام مهندسی شهرها و مهندسانی که نقشه‌های ساختمان‌ها را کشیده‌اند.

- ۲- شهرداری‌ها که آن نقشه‌ها را تأیید نموده و پروانه ساختن آن ساختمان را داده‌اند.
- ۳- سازمان‌های آب و برق و گاز که آن روش‌ها را پذیرفته و کنتور اشتراکی نصب نموده.
- ۴- مشترکین کنتورهای آب اشتراکی که پس از چندین سال آن اشتراک را خریداری نموده‌اند و یا می‌نمایند.
- ۵- مردمان ساکن در مرکز کره خورشید.
- ۶- همه آن‌ها.
- ۷- هیچ کدام.

پاسخ: برخی مسئولین شماره ۵ را انتخاب می‌کنند. باید روش‌های خردمندانه استفاده بهینه از آب را بکار بگیریم.

۳- شیرینی: چون رسم است همه افراد خانواده در زمان آغاز سال نو در کنار سفره هفت‌سین و پیش هم باشند در آغاز سال نو از آن کلوچه‌ها و شیرینی‌ها دردهان یکدیگر می‌گذارند به این نیت و آرزو که در سال جدید همیشه شیرین‌کام (روزگار بر مراد و خواسته آن‌ها و کامیاب باشند) و گشاده‌رو (خوش‌برخورد) و شیرین‌گفتار (سخن‌نیکو و خردمندانه بگویند) و شاد و خوش‌گذران (هیچگاه اندوهگین نباشند) و پرانرژی و در انجام کلیه امور توانا و پیروز باشند و همیشه و در هر کار یار و مددکار و دوستدار هم باشند.

۴- شمع یا چراغ روشن: شمع و یا چراغ روشن در کنار سفره هفت‌سین نماد روشنایی و خورشید و آگاهی درست از آنچه وجود دارد و دوری از تاریکی و ناآگاهی است و نشانه‌ای برای شناخت درست از کلیه امور در زندگی است یعنی ما نباید از روی حدس و گمان و در ابهام و شک و نداشتن

آگاهی کامل از فرایند و نتیجه و راندومان کاری آن را آغاز و انجام دهیم. نمونه گفتاری در فارسی است که می‌گویند. ای کننده کار بکن فکر پایان کار. دلیل فرونشست زمین در بسیاری از سر زمین‌ها و دشت‌ها و افزایش ریسک جانی و سرمایه‌ای چیست؟ ناآگاهی و ساده‌انگاری و بی‌فکری برخی افراد؛ اما ریسک و زیان‌های آن متوجه همه افراد شهر و کشور است. همچنین شمع و یا چراغ روشن نماد آتش و انرژی است چون آتش اولین و مفیدترین وسیله پیشرفت و سلامتی و تأمین امنیت بشر است. شمع و چراغ نشانه بودن و سلامتی و تمدن و روشنایی و توانایی و آگاهی بر امور و انرژی و گرم و دلپذیر و دوست‌داشتنی بودن مکان است ما می‌بینیم که باوجود نور بسیار چراغ‌ها و لوسترهای شیک و نورپردازی‌های بسیار زیبا در رستوران‌ها هم‌اکنون (در همین زمان‌ها هم) در بسیاری از رستوران‌ها روی میز میهمان‌ها شمع روشن می‌کنند؛ و آن نشانه روشنایی و شناسایی و بودن یا وجود داشتن و دوستی و آگاهی و مهربانی است

۵- آینه: وجود آینه برای آن است که ما در آینه به خود بنگریم و خود را همیشه آراسته و مرتب نگهداریم به ویژه در کنار سفره هفت‌سین، همان‌گونه که در آینه به خود می‌نگریم و اگر در رخ و لباس و شکل دیداری خودمان ایرادی و یا ناهماهنگی و یا ناهنجاری مشاهده کردیم فوری به زدودن آن می‌پردازیم و خود را بهتری آراییم در آینه زمان هم به اهداف و رفتار و کارکرد و میزان تلاش و دست آورد خود در گذشته بنگریم ناخوشایندها را بزدایم و نیکویی‌ها را افزایش دهیم و اگر لازم بود در اجرای روش‌ها بهینه‌سازی کنیم تاریخ آینه تمام نمای زندگی انسان‌های گذشته است از تاریخ درس بگیریم و در بهترین مسیرهای ممکن پیشروی کنیم. حالا خب

یکجوری می شه کار نکنیم. باید خوب بیندیشیم روش‌های مختلف انجام کارها را بررسی و ارزیابی و بهترین آن‌ها را انتخاب و برای انجام آن برنامه‌ریزی کنیم و از ابتدا از انتهای کار و نتیجه آن آگاه باشیم و پس از آگاهی کامل از کسب نتیجه دلخواه در برنامه، آن کار را آغاز کنیم. همیشه یادمان باشد که گاهی زمان دومرتبه اندیشیدن را نداریم و یا نخواهیم یافت. یادمان باشد ما توان بهتر اندیشیدن و آزادی برای انتخاب بهترین را داریم. زندگی و روش زیستن و سلامتی و امور مالی و رتبه گروهی و مردمی ما نتیجه فرایند اندیشه و رفتار و میزان کوشش ما است نه نتیجه رخدادهای زمان (قضا و قدر) کیفیت و کمیت زندگی انسان‌ها نتیجه امکانات موجود و مکان زیست نیست. کیفیت و کمیت زندگی انسان‌ها نتیجه روش اندیشه و میزان تلاش آن‌ها است

**۶- کاسه بزرگ آب ویژه ماهی زنده و ماهی شناگر در آن:** کاسه آب و ماهی زنده شناگر نشانه و سمبل زنده‌بودن و زندگی و باروری است و نشانه آن است که ما جانداران را دوست داریم و به جانوران همیشه توجه می‌کنیم به‌ویژه در زمان آغاز سال و هنگام بهترین جشن ملی‌مان و بهترین زمان گذر زندگی‌مان به فکر همه جانوران هستیم و باید از جانداران خوب پرستاری و نگهداری کنیم و موجب آسیب آن‌ها نشویم از جمله از جاندارانی همچون ماهی. در روستاها پس از اتمام مراسم هفت‌سین ماهی‌های هفت‌سین را که بومی هستند (غیر سرخ) در رودخانه‌ها و استخرها و کاریزها و یا هر جا که پیش‌تر آن‌ها را از آنجا گرفته‌اند رها می‌کنند. در شهرها بسیاری از افراد و خانواده‌های بافرهنگ پس از انجام مراسم هفت‌سین و زمان برچیدن سفره هفت‌سین ماهی سرخ هفت‌سین را با خود به پارک‌ها و استخرهای آب برده و در آن آبها رها

می‌کنند که بسیار خوب و پسندیده است. بهتر است شهرداری‌ها پس از مراسم نوروز در برخی از پارک‌ها مکان‌هایی را برای دریافت ماهی‌های مراسم هفت‌سین پیش‌بینی نمایند و پس از اخذ و گردآوری ماهی‌های سرخ هفت‌سین آن‌ها را در مکان‌هایی مناسب رها نمایند و اگر این کار به روش درست انجام و مدیریت شود می‌تواند از جنبه مالی هم مفید باشد. در جای مجازی (کانال جامع خمین) شکل فردی رانشان می‌داد و زیر شکل نوشته بود. **پدر کویر شناسی ایران:** ۵۰ سال دیگر آب نداریم نه روی زمینی و نه زیرزمینی. سؤال آیا ما بازماندگان خلف و خوبی برای نیاکان خود بوده و هستیم و پندها و سفارش‌ها و روش‌های نیکوی آن‌ها را برای ادامه بهتر زندگی و نگهداری مکان زیست به کار می‌بندیم؟ اگر نه چرا با آن فرهنگ خوب و غنی بیگانه شدیم؟ و اگر بله پس آن همه جانداران و جانوران زیبا که در فلات ایران و کشورمان بوده چه شدند کو ببر مازندرانمان و کو شیر ایرانی‌مان؟ چرا نابود شدند و از بین رفتند؟ چرا پلنگ و یوزپلنگ و بسیاری دیگر از پرندگان و جانوران ایران و فلات ایران ما در شرف نابودی و نیستی می‌باشند؟

چرا ما مکان زیست آن‌ها را از بین برده و آن‌ها را نابود نمودیم چرا ما جانورانی که غذا و خوراک آن‌ها هستند را شکار نموده و مکان زیستشان را کوچک و نابود نمودیم و بیشتر آبشخورهای آن‌ها را از بین بردیم. موجب خشک شدن چشمه‌ها شدیم تا آن‌ها از گرسنگی و بی‌غذایی نابود شده و یا در شرف نابودی و از بین رفتن قرار بگیرند چرا ما با انجام برخی کارها موجب شدیم تا چشمه‌های آبشخور جانوران به‌ویژه در بیابان‌ها خشک شوند آن هنگام در شهرها در پیاده‌روها برای رهگذران آب‌سردکن و آب‌خوری می‌گذاریم این نوشته مخالفت با گذاشتن آب‌سردکن در پیاده‌روها و

خیابان‌های شهرها نیست مخالفت و نکوهش تفکر در خشکاندن آب‌شخور جانوران در کوه و دشت و تخریب مکان زیست جانوران است ما که نمی‌دانستیم نتیجه ایجاد چاه‌های ۵۰ تا ۱۵۰ متری خشکیدن چشمه‌ها در کوه‌ها و کوه‌پایه‌ها و کاریزها در دشت و هامون و نشست زمین است چرا چنین کردیم و...

چرا راهی برخلاف فرهنگ نیاکانی و در جهت نابودی مکان‌های زیست و دارایی‌های همگانی را در پیش گرفتیم و با ایجاد چاه‌های ۵۰ تا ۱۵۰ متری موجب خشکاندن چشمه‌سارها و خشک شدن نم زمین و گرم شده زمین و هوا و در نتیجه نباریدن باران و گسترش کویرها می‌شویم. اگر مسیر و روش کنونی را ادامه دهیم و اشتباه‌های گذشته را درست و جبران نکنیم اکنون نوبت نابودی جانوران زیبا و فردای دورتر نوبت نابودی خودمان و در درازمدت نابودی نسل بشر خواهد بود.

باید بدانیم به جز بشر هیچ موجود جاننداری کره زمین و مکان زیست خود و دیگران را تخریب نمی‌کند بلکه همه آن‌ها برای ادامه زندگی در زمین سودمند هستند و انسان تنها جاننداری است که به گمان و تفکر اشتباه خودش که آن را درست می‌پندارد و به دلیل زیاده‌خواهی و آسایش و بهبود زندگی خودش افزون به این که زندگی بر روی کره زمین را به سمت نیستی و نابودی پیش می‌برد به دلیل آلوده نمودن هوا و آب‌ها و مکان زندگی خود نیز نابود خواهد شد.

شنیده می‌شود برخی جهت‌دار و باهدف، آب و ماهی سرخ هفت‌سین را به فرهنگ بیگانه نسبت می‌دهند و آن را وارداتی می‌گویند این تندیس و آن سفالینه باستانی ۶۰۰۰ ساله با شکل ۳ ماهی را بدان جهت آوردم تا بدانند که

وارداتی نیست بلکه ریشه در تاریخ و فرهنگ ما دارد و در زمان هخامنشیان ماهی سرخ از ایران به آنجا رفته. برابر آیین مهرپرستی میترا درون آب متولدشده و دو ماهی هم در دو سوی او را همراهی می‌کنند و با او هستند البته این بدان جهت درست و همسو بادانش و خرد است که می‌دانیم همه‌چیز از آب به وجود آمده است.

آب در ترکیب بدن و یا جسم (سلول‌ها و مولکول‌های) کلیه موجودات زنده وجود دارد حکیم ابوالقاسم فردوسی هم بیش از هزار سال پیش در شاهنامه نوشته خداوند در آغاز کره زمین را آفرید که بسیار داغ و گرم بود و هیچ بلندی و کوه نداشت سپس به تدریج سرد و تیره و سیاه شد و خشکی پدیدار شد و آرام‌آرام سرد شد و آب‌ها به وجود آمدند (گرم‌ها و گازهای موجود در زمین هنگام سرد شدن نسبی زمین به هوا رفتند و سپس به شکل باران به زمین برگشتند) و کل زمین در زیر آب‌ها پوشیده شد. بزرگ دریاها (پانتالاسا) و سپس کوه‌ها و خشکی‌ها (آفریده شدند) از زیر آب‌ها سر برآوردند.

بزرگ خشکی‌ها (پانچه آ) سپس آتش و باد (هوا) و آب‌و‌خاک و آسمان‌ها را آفرید و زمین به نور ستارگان و خورشید روشن شد. زمین آماده و مناسب برای آغاز زندگی شد و پس از آن به ترتیب گیاهان و درختان و جنبندگان و جانوران و در پسین شمار و درنهایت انسان را آفرید که سخنگو و هوشمند و دارای رأی و خردمی باشد؛ و اکنون همه میدانیم که رأی دانشمندان و زیست‌شناسان هزاره سوم نیز با این نوشته‌های شاهنامه هزارساله حکیم فردوسی درست همسو وهم جهت می‌باشند؛ و...

در سال ۲۰۰۴ موزه بریتانیا با مجسمه ماهی زرینی که هنگام کاوش‌های باستان‌شناسی در تخت جمشید ایران کشف‌شده بود نمایشی بانام نوروز و

هفتسین برپا نمود همچنین ۱۰۰ ها مدرک بجا مانده از زمان‌های هخامنشیان و ساسانیان بر کتیبه‌ها و سفالینه‌ها به دست آمده که در موزه‌های بریتانیا و فرانسه است که وجود ماهی و جانور دوستی در فرهنگ ایرانیان را تأیید می‌کند؛ و ماهی را نشانه باروری و ازدیاد نسل می‌دانستند.

بهبتر است یادمان باشد دوست داشتن همه جانوران از جمله ماهی از زمان‌های گذشته دور در فرهنگ ما جا دارد.



شکل ۴ تندیس ماهی مربوط به دوران هخامنشی.





شکل ۵ سفالینه‌ی هزاره‌ی چهارم پ.م. تل باکون (موزه‌ی ملی ایران)

**۷- کتاب:** کتاب نماد و سمبل توانایی و دانش و وسیله آموزش و پرورش و آگاهی کامل بر دانستنی‌ها و فنون و افزایش توان و یافتن بهترین روش زیستن و ادامه زندگی و آگاهی برای یافتن بهترین روش انجام کارها است نیاکان خردمند ما به ما پیام داده‌اند (گفته‌اند) که هیچگاه و در هیچ زمانی از زندگی همچون زمان برگزاری جشن نوروز و بهترین زمان شادی و خوشی و خوش گذرانی و گرد هم‌آیی نباید کتاب و وسایل آموزش و پرورش و یادگیری و دانش‌آموزی را کنار گذاشته و نادیده به گیریم. آن‌ها به ما گفته‌اند **توانا بود هر که دانا بود.**

شاهنامه: مخازن نخستین نگارش شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی  
توسی به نوشته خود فردوسی و مستند به این بیت‌ها

تو این را دروغ و فسانه بدان      به یکسان روش در زمانه بدان  
از و هرچه اندر خورد باخرد      دگر بر ره رمز و معنی برد

یکی نامه بد از گه باستان  
 فراوان بدو اندرون داستان  
 پراکنده دردست هر موبدی  
 از و بهره برده هر بخردی  
 یکی پهلوان بود دهقان نژاد  
 دلیر و بزرگ و خردمند و راد  
 زهر کشوری موبدی سالخورد  
 بیاورد و این نامه را گرد کرد

از کتاب‌های خدای‌نامه، گرشاسب‌نامه، گشتاسب‌نامه، زند و استا و بهرام‌نامه و سایر کتاب‌های ایرانی از آغاز زمان تشکیل گروه‌های انسانی و فرمانروایی سلسله پیشدادیان تا پایان سلسله ساسانیان است شاهنامه کتابی بی‌مانند و نماد ملی ایرانیان از زمان‌های گذشته و راهنمایی خوب و درست به سوی تمدن و پیشرفت، زنده‌بودن و زندگی کردن و روش نیکو و خردمندی و آگاهی بر فنون و دانش و آموزش و پرورش و دلاوری و دلیری و شرافت و میهن‌دوستی و انسان‌دوستی و پدافند از هم‌میهنان در برابر تجاوز دشمنان و از خودگذشتگی و وفای به پیمان و از همه مهمتر نماد راستی و انسانیت بوده و هست درس‌هایی از تمام آگاهی‌ها و وفاداری و رفتار خوب که در شاهنامه فردوسی موجود است شاید در کمتر کتابی باشد و شاید بتوان گفت در هیچ کتابی نیست.

در اینجا لازم است یکی و یا دو نمونه از آگاهی‌های گوناگون که در شاهنامه گذرا به آن‌ها اشاره شده و می‌توان گفت کمتر به آن‌ها توجه شده و یا شاید هیچ توجه نشده را یادآوری می‌نمایم لازم است بنویسم موارد نوشته شده در اینجا دلیل تائید و یا رد هیچ‌یک از ایده‌های بیان شده در زیست‌شناسی مانند تئوری تکاملی چارلز داروین و یا تئوری استواری گونه‌ها نیست بلکه بیان موجود بودن و اشاره به برخی از این دانش‌ها و دیدگاه‌ها در شاهنامه فردوسی است.

برای نمونه تئوری تکامل و جد مشترک تمام جانوران که در سال ۱۸۶۰ بوسیله چارلز داروین دانشمند و زیست‌شناس بزرگ ابرازشده در شاهنامه گذرا نوشته‌شده است و یا تئوری بیگ بنگ که در مورد آغاز آفرینش و به وجود آمدن نخستین موجودات جاندار زره بینی و یا زندگی بر روی کره زمین و یا پیدایش نخستین موجودات زره بینی و یا تک‌سلولی از ترکیب انواع گازها و آب و دما بیان‌شده که از متن کتاب‌های پیش گفت در ۱۰۰۰ سال پیش بوسیله فردوسی بزرگ در شاهنامه نوشته‌شده و فردوسی از بیگ بنگ هم پس‌تر رفته و به وجود آمدن جهان (گیتی) را بیان نموده یادمان باشد فردوسی در زمانی می‌زیسته و شاهنامه را نوشته که اگر کسی خلاف رأی غیر درست برخی سخن می‌گفت بی‌درنگ کشته می‌شد. برای نمونه پس از آنکه فردوسی از پیمان‌شکنی سلطان محمود نسبت به خود بنا بر پیشنهاد وزیر او و دشمنی وزیر او حسن میمندی آگاه شد؛ زیرا حسن از پیروان گروه خوارج بود و با فردوسی که شیعه بود کینه و دشمنی دیرینه داشت و دنبال زمان مناسب و یافتن بهانه بود تا آسیب و خسارت کاری و نهایی را به فردوسی وارد آورد و او را بکشد و یا از دربار سلطان محمود دور سازد و این کار زشت و دشمنی ددمنشانه را هنگام پرداخت پاداش فردوسی بدین گونه انجام داد. هنگامی که فردوسی شاهنامه را که به ۶۰۰۰۰ بیت تمام کرده بود نزد سلطان محمود فرستاد سلطان محمود بسیار شاد شد و به حسن گفت پیلواری (به‌اندازه باریک فیل) زر سرخ به فردوسی بدهند حسن به دلیل دشمنی با فردوسی به سلطان گفت: حیف است به یک شاعر روستایی ۶۰۰۰۰ مثقال زر بدهند اگر رأی بندگان باشد او را ۶۰۰۰۰ مثقال سیم کفایت است و بجای زر سیم برای فردوسی فرستاد. فردوسی اندوهناک و دل‌آزرده غزنین را ترک کرد و به توس

و مازندران و درنهایت به بغداد رفت. پس از رفتن فردوسی از غزنین و هجو سلطان محمود بوسیله فردوسی حسن میمندی زمان و بهانه لازم را به دست آورد و بوسیله برخی از کینه‌ورزان بخیل تهمت‌های فراوان ناروا به فردوسی نسبت داد و او را دهری و یا معتزله و یا رافضی و قرمطی و بددین پیش سلطان محمود نشان دادند و سلطان را به کشتن فردوسی ترغیب نمودند. سلطان محمود گروهی را برای دستگیری و به بند کشیدن و بردن فردوسی به توس فرستاد. اما آنها او را نیافتند و آن گروه بدون فردوسی به غزنین باز گشتند. خبر سکونت فردوسی در بغداد بوسیله جاسوسان به سلطان محمود رسید سلطان محمود نامه‌ای به بغداد فرستاد و اساس‌نامه را بر پایه تهدید و پیشنهاد گذاشته بود و نوشته بود اگر آن قرمطی را به درگاه ما نفرستی بغداد را در پای پیلان به سپرم و برای به چنگ آوردن و کشتن فردوسی تا آستانه جنگ با خلیفه عباسی هم پیشرفت اما چون برنامه لشکرکشی به هندوستان در پیش بود از هجوم به بغداد چشم پوشید و آن را برای زمان‌های آینده گذاشت چندی پیش‌تر و بالاتر این بیت شاهنامه را خواندیم.

از و هرچه اندر خورد باخرد دگر بر ره رمز و معنی برد.

در هیچ جای شاهنامه نه‌تنها یک نکته تاریک بلکه یک نکته خاکستری کم‌رنگ هم پیدا نمی‌شود. برای نمونه. زمانی که سلطان محمود به دنبال بهانه‌جویی از استاد بزرگ فارسی سرای توس بود شاهنامه را به شمار زیادی از پژوهشگران و دانشمندان دربار خود داد تا ایرادهای آن را بیابند پس از مدت‌ها بررسی بوسیله بزرگان همگی به سلطان پاسخ دادند که یک بیت غیراخلاقی و... در شاهنامه نیست که آن‌ها آن را بیابند. باید گفت حکیم ابوالقاسم فردوسی پانتالاسایی از دانش و دانایی و توانایی و خردمندی بود که

نه تنها سلطان محمود بلکه تاکنون هیچ دولت و یا کمتر فردی دانش و شأن و مرتبه و ارزش کار او را نشناخته و اگر فردی آن بزرگی و رتبه او را درک نموده زمان نیافته که کاری مناسب شأن او را به انتها برساند به فکر و باور من اگر نه تنها ایرانیان بلکه همه پارسی‌زبان‌ها و غیرفارسی‌زبان‌ها اهداف و مفاهیم نوشته‌های شاهنامه را به خوبی درک نموده و بدانند و با آن آشنا شوند نه تنها هر خانواده بلکه هر فرد یک جلد کامل و درست و خوب از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی را برای خواندن و تفکر و دانستن مفاد آن تهیه می‌نماید و در زمان‌های فراغت (غیر کاری) به خواندن و تفکر و اندیشیدن بیشتر درباره مفاد این شاهکار ارزشمند می‌پردازند. سپس با درک کامل آن به میل و آگاهی آن را رهنمای رفتاری خود می‌نمود تا بشریت از این همه رفتارهای ناهنجار و نابسامانی و هدر دادن سرمایه‌های انسانی و مادی نجات یابد در آن زمان بیشتر افراد هنگام آموزش سخنگویی به کودکان دل‌بند خود به جای گفتن بگو مامان و یا بگو بابا و یا کلمات دیگری گفتند بگو شاهنامه و یا بخوان شاهنامه و بفهم شاهنامه اکنون که نام شاهنامه به میان آمد بهتر است یادآوری کنم بیش از ۱۳ و یا ۱۴ نمونه کتاب شاهنامه‌های خوب و شماری شبه شاهنامه‌های نیکو که سخن‌سرایان بزرگ دیگری به مناسبت‌های مختلف و در زمان‌های متفاوت در مورد شاهان زمان خود و یا رخدادهای دیگر در ایران آن‌ها را نوشته‌اند در بازار و فروشگاه‌های کتاب وجود دارد که همه آن‌ها ارزشمند و سبب گسترش و غنای فرهنگی و ادبیات و زبان فارسی شده‌اند و شمار بیت‌های آن‌ها از ۱۰۰۰ تا ۶۰۰۰ یا ۷۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ بیت متفاوت است که هیچ‌یک نزدیک به پایه و درجه شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی توسطی که یک شاهکار بی‌مانند جهانی است نمی‌رسند. اگر شاهنامه حکیم ابوالقاسم

فردوسی توسی را می‌خواهید هنگام خرید این کتاب بی‌مانند بررسی نمایند که کامل و درست و خوب باشد زیرا بسیاری از شاهنامه‌هایی که اکنون به نام‌های گوناگون در فروشگاه‌ها است نخست اینکه کامل نیستند و بخشی انتخابی از شاهنامه هستند یا گاهی در هنگام نوشتن و چاپ بجای برخی از کلمه‌ها هم‌وزن آن‌ها نوشته شده که مفهوم را به کلی تغییر داده است اکنون مورد ذهنی را یادآور شوم. در سال ۱۳۹۵ یکی از دوستان خارج از ایران از من خواست تا شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی را برای او خریداری و ارسال نمایم یک روز برای خرید شاهنامه بیشتر کتاب‌فروشی‌ها از میدان انقلاب تا خیابان ابوریحان را گشتم و شاهنامه کامل و خوب و درست نیافتم بیشتر شاهنامه‌های موجود دارای جلدهایی بسیار زیبا و معرق‌کاری شده با شکل‌های بسیار زیبا و با کاغذهای خوب و درجه یک و نفیس بودند. برخی فروشندگان می‌گفتند جلد این شاهنامه چرم و صحافی سنتی است؛ اما زمانی که متن و نوشته‌ها بررسی می‌شد یا بخش‌هایی از آن کم بود و یا بجای برخی کلمات هم‌وزن آن‌ها نوشته شده بود برای نمونه در بیت:

سبک خنجر آگون برکشید      بر پور بیداردل را درید

بجای پور نوشته بودند شیر و مفهوم به کلی از بین رفته و دیگری شده. مفهوم پور بیداردل در آنجا = با سهراب یک پهلوان، سپه‌سالار توران، یک انسان و نوجوان زیبا و خوش‌هیكل و نیرومند که دانا و توانا و آگاه و دارای فکر و برنامه و خردمندی و بی‌مانند و دلیر و نترس که دارای کلیه نسبت‌های خوب انسانی همچون پسر رستم است هست؛ اما شیر بیداردل. شیر بیداردل نیست شیر جانوری درنده و خون‌خوار است و هیچ جانوری بیداردل نیست، تمام رفتار و کردار جانور غریزی است نه خردمندانه؛ در اینجا با تغییر یک کلمه

مفهوم بیت و هدف سراینده و نوشته چیز دیگری شده و کسی که بیت درست را نخوانده باشد و یا برای اولین مرتبه بیت مذکور را بخواند و به مفهوم آن فکر کند نمی‌داند چه می‌اندیشد؟ یا در بیت:

به بازی بکویند همسال من      به خاک اندر آمد چنین یال من  
 بجای " به خاک اندر آمد" نوشته بودند " به ابر اندر آمد" آیا سهراب که در جنگ پهلوی او (شکم او) دریده شده و مرگ بر او چنگ انداخته و او را به کام خود می‌کشد و می‌داند به زودی خواهد مرد و در زیر خاک دفن می‌شود و دیگر هیچ امیدی به زندگی و آینده و یا اجرای برنامه‌هایش ندارد به خود و پدرش می‌گوید به خاک افتاده و در شرف نابودی است و یا به ابر بالا رفته. از این نمونه‌ها بسیار زیاد بود که موجب بی‌مفهومی و بی‌ارزشی نوشته‌های آن کتاب‌ها شده و درک سروده‌های گوهر مانند شاهنامه فردوسی توسی برای افراد خردمندی که سروده‌های درست را نخوانده باشند کمی مشکل می‌شود و یا نامه رستم فرخ‌زاد به برادرش که ۱۰۴ بیت است یا نبود و اگر بود آن نبود.

هم شمارش بیت‌ها کم‌تر بود و هم کلمات بی‌مفهوم بسیار داشت و یا آنچه از شاهنامه در کانال‌های مجازی انتشار یافته است برخی همان اشکال را دارند. در برخی از نوشته‌ها دیدم شمار بیت‌های شاهنامه را ۴۹۵۳۰ و یا ۴۹۵۳۹ و یا ۴۹۶۱۸ و یا ۶۰۰۰۰ و یا نزدیک ۶۱۰۰۰ متفاوت نوشته‌اند که با بررسی و شمارش درست که هر بیت را با سرانگشت خود لمس و شمارش نمودم شمار ابیات شاهنامه ۶۱۹۳۷ بیت است که ۲۳ بیت آن سروده‌های فردوسی در دیباچه شاهنامه است بنابراین هوشیار باشید به شما کم‌فروشی نکنند. اگر کسی به خواهد یک شاهنامه کامل و درست بخرد با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و شاهنامه‌های درست موجود و پیشین می‌توان گفت

کتاب شاهنامه کامل حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی بیش از ۶۱۹۳۷ بیت دارد چون که: ۱- فردوسی ۶۰۰۰۰ بیت را که پیش‌تر سروده بود تکمیل نمود و در نخستین مرتبه به سلطان محمود ارائه کرد که چنانکه پیش‌تر نوشته شد سلطان محمود بنا بر پیشنهاد و رأی حسن میمندی و برخلاف پیمان و رأی پیشین خود ۶۰۰۰۰ سکه سیم به جای ۶۰۰۰۰ سکه زر به او داد.

پس از گذشت مدت‌زمانی به‌ویژه در هنگام لشکرکشی سلطان محمود به هندوستان، سلطان محمود بر ارزش گران‌سنگ و انکارناپذیر شاهنامه و بر دشمنی حسن میمندی با فردوسی آگاه و از رأی حسن میمندی و کرده خود در مورد فردوسی نادم و پشیمان شد و برای دلجویی از فردوسی بزرگ برابر رأی و پیمان نخستین به ازای هر بیت یک سکه زر برابر ۶۰۰۰۰ سکه زر و هدایای گران‌بهای دیگری برای فردوسی فرستاد که دیگر دیر شده بود.

۲- فردوسی پس از خروج از غزنین در تکمیل شاهنامه و همچنین هجو سلطان محمود و حسن میمندی و در مدح حضرت رسول و حضرت علی و افتخار و نازش به شیعه بودن خود و پیروی از مذهب شیعه و سایر موارد بیش از ۹۳۷ بیت سرود و به شاهنامه نخستین پیوست نمود ۳- افزون بر آن‌ها بیش از ۱۰۰۰ بیت سروده‌های دقیقی را هم بر آن‌ها افزوده است که شمار ابیات شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی بیش از ۶۱۹۳۷ بیت است.

### یادآوری می‌نمایم:

این هم امور مالی و سهم ما از پیشرفت در گیتی؟ آیا ما که سکه را برای نماد مالی در هفت‌سین جای می‌دهیم و تهیه و تولید سکه زر که موجب رشد و شکوفایی امور مالی و پیشرفت بشر در کل گیتی شده را در کارنامه نیاکان خود دارا هستیم و کتاب سمبل و وسیله آموزش و پرورش را در کنار هفت‌سین

می‌گذاریم به اندیشه و روش و کارهای نیکو و راهنمایی و خواسته نیاکان خود رفتار می‌کنیم. در دوران درس در دبستان و دبیرستان و آموزش در دانشگاه‌ها دانش و توانایی امور مالی می‌آموزیم؟ سهم ما از کل دانش و فنون یا بهتر است بگوییم از تمام دانش‌ها و پیشرفت به‌دست‌آمده در گیتی چه میزان است؟ پس چرا چنین هستیم؟

۱- کدام دانشگاه‌ها آمار درستی از شمار دانشجویانی که برابر برنامه درس دانشگاه همه زمان (ساعات) درس در کلاس‌های درس خود مشغول فراگیری درس‌هایشان بوده‌اند را گرفته‌اند و نسبت این دانشجویان به کل دانشجویان آن دانشگاه چیست.

۲- چرا هنگام بکارگیری افراد برای سمت‌های مختلف پایان‌نامه‌ی دانشی و یا مدرک آنها را هم می‌خواهند. دانشجویی که در کلاس نبوده چگونه دانش‌آموخته و اگر وجود در کلاس درس و استاد و آموزش لازم نیست پس این همه هزینه چرا. سپس این آقا در آن اداره ایجاد چاه آب را در سرزمین‌های کم باران و خشک تائید می‌کند. آن یکی هم ساختن سد را درجایی تائید می‌کند که در آن سد وزغ هم نیست آن یکی هم سخن خوب گفتن و همچنین بازتاب و یا نتیجه سخنان خود را نمی‌داند افزون بر اینها آغاز و پایان گفتارش در یک مورد هم هماهنگی ندارد و یا بین دنیا و سیاست و کنش و واکنش جهانی یا بازی‌های دوران کودکی‌اش در کوچه مکان زندگی‌اش تفاوتی نمی‌داند. یا نمی‌داند که چه می‌گوید. یا نمی‌داند در سال‌های آینده گفتار، رفتار و هر نفس و تاملش در جهان موردسنجش، بررسی، تجزیه و راستی‌آزمایی قرار می‌گیرد این‌ها نتیجه کار و رفتار خودشان را هم نمی‌دانند. فردوسی توسی هم در این باره گفته:

نه دهقان نه ترک و نه تازی بود سخن‌ها به کردار بازی بود

آیا ما در دبستان در درس انشاء و در سوژه دانش بهتر است یا دارایی در انشاء خود به آموزگاران خود پاسخ درست داده‌ایم؟ خوب به یاد دارم که بیشتر هم‌کلاسی‌ها می‌نوشتند البته دانش بهتر است و دربرتری دانش بسیار می‌نوشتند و برخی می‌نوشتند دارایی بهتر است و در راستای ایده خود شواهدی می‌آوردند اکنون می‌بینیم به هیچ‌یک نرسیدیم؟ ما که سبزی را به نشانه نماد زنده‌بودن و زندگی و سبزی کره زمین در هفت‌سین جا می‌دهیم با جنگل‌هایمان چه کردیم و چرا در کار تبدیل ایران به کویری بزرگ هستیم؟ سهم فرزندان خودمان و نسل‌های آینده از ایران سبز و خرم چیست و چه میزان و نسبت است آیا می‌پنداریم ایران (دنیا) ارثی است که از پدرانمان به ما رسیده و در حیف و میل نمودن و تخریب آن آزاد هستیم یا ایران امانتی است از نسل‌های آینده که نزد ما به امانت گذاشته شده و باید آن را برای آیندگانمان پاسداری و نگهداری کنیم آیا در گفتار و رفتار و کردار و در امانت‌داری برای فرزندانمان و نسل‌های آینده امین بوده و هستیم؟ و...

پیشنهاد این جانب به کلیه پدر و مادرها این است که هنگام برپایی جشن هفت‌سین نوروز و در کنار سفره هفت‌سین و اجرای مراسم هفت‌سین و جشن‌های نوروز و سایر زمان‌های دیگر بایمانی خوش و شیوا و با مهربانی و بردباری و با روش‌های نیکو که در اندازه درک فرزندان گرامیشان باشد دلیل و پایه و جود هر یک از نمادهای موجود در گروه هفت‌سین و سایر رسوم آن را برای کودکان و فرزندان و سایر گرانمایگان خود بیان نموده و آموزش دهند؛ و چشم به‌راه و امیدوار آموزش دیگران نمائند: ما نمونه گفتاری داریم که می‌گوید: کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من؛ و آن‌ها را بافایده‌های

نگهداری از مکان‌های زیست و دارایی‌های همگانی برای تأمین سلامت خود آشنا سازند و مزایا و روش‌های نیکوی زندگی بهتر و سالم‌تر با داشتن مکان زیست سالم و زیبا را به آن‌ها آموزش دهند. آن‌ها را با فرهنگ غنی و به یادگار مانده از نیاکان دانشمند خود آشنا نمایند و به آن‌ها یاد بدهند که با اجرای رفتاری درست فرهنگ نیاکانی را پاسداری کنند؛ پیشینان در فرهنگ خوب خود به ما گفته‌اند که:

**خواستن توانستن است.**

چون هرگاه هر دشمنی به خواهد ملتی را نابود نماید ابتدا فرهنگ آن‌ها را هدف قرار می‌دهد و فرهنگشان را به سخره گرفته و نابود می‌کند سپس آن ملت خودبه‌خود نابود می‌شود. چرا کشورهای مصر و مراکش و مغرب و الجزایر و سوریه و لبنان و بسیاری از کشورهای آفریقایی و یا آمریکایی و...

پس از پیروزی دشمنانشان به یکباره هویت خود را از دست دادند و تازی و یا... شدند اما مردم فلات ایران به ویژه ایرانی‌ها با وجود غالب شدن دشمن‌هایی مانند اسکندر یونانی، تازیان و مغول‌ها و تاتارها و... دگرگون و نابود نشدند و هر مرتبه استوارتر از پیش برخاستند و برجای ماندند و...

چون ایرانی‌ها توانستند بوسیله بزرگانی مانند حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی زنده کننده زبان فارسی و رودکی شاعر بزرگ فارسی‌گو و... و سرداران بزرگ و بی‌مانندی چون یعقوب لیث صفاری بنیان‌گذار سلسله صفاریان و جانشینان او و امیر اسماعیل سامانی بنیان‌گذار سلسله سامانیان و جانشینان او و تمام سخن‌سرایان و نویسندگان و پژوهندگان و هنرمندان و همه مردم شریف فلات ایران درگذر زمان... فرهنگ خوب خود را نگهدارند و بوسیله

فرهنگ خوب خودشان، ملیت خود را تأمین وزنده نگهدارند تازنده بمانند و زندگی کنند تا نام خود و کشورشان در جهان جاوید بماند.

دیده می‌شود که برخی با برنامه و جهت‌دار و یا از نادانی و یا ناچاری و برای کسب درآمد بیشتر با روش‌های بسیار فریبنده و زیرکانه و خزنده موجب آسیب فرهنگی می‌شوند باید دانست که تهاجم فرهنگی رفتار و روش ویژه‌ای نیست و هر کار بد که باخرد و دانش و پایه کار و فرهنگ کشور درست و همسو نباشد و جنبه آموزشی و پژوهشی و سود مردمی و کشوری نداشته باشد می‌تواند موجب آسیب فرهنگی شود و نمونه‌ای از تهاجم فرهنگی است.

برای نمونه فردی می‌آید و برنامه شنبه سوری می‌گذارد و یا در ساعت ۹:۴۵ روز پنجشنبه مورخ هفده اسفند هزار و سیصد و نودوشش کانال یک سیما برنامه‌ای داشت که نشان می‌داد فردی شمار زیادی لاک‌پشت کوچک (سنگ‌پشت) و مار و سمندر (گفته سنگ‌پشت و سمندر س دارند و برای هفت‌سین است) را برای فروش آورده بود و به گفته مجری اعلام کرده بود که برای سفره هفت‌سین خوب است همچنین شماری سمندر زیبا که مجری آن‌ها را سمندر لرستانی می‌نامید برای سر سفره هفت‌سین آورده بود که به گفته مجری با ماهی سرخ می‌فروخت و مجری می‌گفت که این ماهی‌ها گناه دارد.

اگر کسی یکی از آن مارها را بخرد و به خانه به برد و ندانسته سر سفره هفت‌سین بگذارد و آن مار خدای ناخواسته فردی از اهالی خانه را نیش بزند و یا سمندر که دهان آن به سبب تغذیه از سایر جانداران کوچک پر از میکرب و باکتری‌های زیان‌آور است (دهان تمام جانوران گوشتخوار به‌ویژه خزندگان به دلیل روش تغذیه به باکتری‌ها و میکرب‌ها و ویروس‌های بسیار زیان‌آور آلوده

است) به خانه به برد و سمندر یکی از افراد خانواده را گاز بگیرد چه رویکردی پیش می‌آید و سؤال پیش می‌آید که در هر دو مورد پیش گفت گنه‌کار چه کسی است؟ آیا فروشنده مار و سمندر و لاک‌پشت و یا خریدار و به خانه برنده آن جانوران زیبای و یا خود آن جانوران اسیرشده و در شرف نابودی و نیستی که از مکان زندگی خود دور شده و یا مراسم هفت‌سین و جشن نوروز است یا سازمان دیگری و کدام یک بی‌گناه هستند؟

آیا گرفتن و آوردن و فروش مار و سمندر و سنگ‌پشت (لاک‌پشت) که در مکان زیستشان برای آن مکان بسیار مناسب و سودمند هستند کار درستی است آیا این کارها و انجام آن تهاجم فرهنگی نیست سازمان مکان زیست کجا است ما همه می‌دانیم شکار و خارج کردن آن جانوران زیبا و بسیار ارزشمند برای مکان زیست و فروش آن‌ها در شهرها موجب نابودی آن‌ها می‌شود و...

این خود می‌تواند نوعی تهاجم فرهنگی شود. برای بیان زیان وجود جانوران غیر خانگی در خانه رخداد زیر را بخوانید. گفته‌اند این رخداد بوسیله وجود ناخواسته مارمولک در خانه بوده چگونه خواهد بود آسایش و سلامتی خانواده آن‌کس که مار و یا سمندر و یا لاک‌پشت به خانه به برد و برکنار هفت‌سین که همه افراد خانواده به‌ویژه کودکان هم نزدیک و کنار آن نشسته‌اند بگذارد آیا این رویه... نوآوری‌ها تهاجم فرهنگی نیست آیا می‌دانید که برابر بررسی‌های انجام‌شده توان فک یک لاک‌پشت هنگام گاز گرفتن به اندازه‌ای زیاد است که می‌تواند به آسانی انگشت یک کودک را جدا کند و موجب آسیب همیشگی به آن کودک بشود.

برابر خبر یکشنبه شانزدهم تیرماه ۱۳۹۸ ساعت ۱۸:۴۸ یک مارمولک سه

نفر را راهی بیمارستان کرد...

در اخبار فوری ... دوشنبه هفده تیر هزار و سیصد و نودوهشت نمایش مدیر مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی کهگیلویه و بویراحمد گفت: مارمولک سه نفر را راهی بیمارستان کرد.



جلال پوران فرد بعدازظهر یکشنبه در جمع خبرنگاران افزود: وجود مارمولک در غذا سبب مسمومیت یک خانواده شد.

وی بیان داشت: این رخداد در روستای لیشر شهرستان گچساران به وقوع پیوست و این خانواده با مصرف غذایی که مارمولک در آن وجود داشت مسموم شدند.

جلال پوران فرد اظهار داشت: این مسمومیت امروز ظهر و در ساعت یک ظهر به مرکز اورژانس گزارش شد و بلافاصله اورژانس به محل اعزام شد؛ و سپس آن‌ها را به بیمارستان شهید رجایی گچساران انتقال دادند.

از وسایل خبررسانی همگانی خواسته شود به‌اندازه لازم برنامه‌هایی در راستای مأموریت و مسؤلیت آموزشی و خبررسانی خود اجرا نمایند تا از خسارت‌های دارایی‌های همگانی و تخریب مکان زیست و نابودی این سرمایه‌های ملی کاسته شود. اکنون که بیان مکان زیست و دارایی‌های همگانی شد از ده‌ها نمونه دو نمونه دیگری از تخریب مکان زیست را یادآوری می‌کنم. تا از نابودی گیاهان آویشن و کنگر پیشگیری شود.

## ۱- آویشن.

## ۲- کنگر.

**آویشن:** از گیاهان دارویی و بوته‌ای چندساله و خودرو و بسیار باارزش است و روش چیدن برگ‌ها و بهره‌برداری درست از آن مانند بهره‌برداری از بوته چای است. باید باکمال بردباری در کنار بوته آویشن نشست و برگ‌های آن را یکی‌یکی چید (جدا نمود) اما دیده می‌شود که افرادی برای سود خود با موتورسیکلت و وانت‌بار به مکان‌های رویش آویشن در کوهستان می‌روند و برای برداشت بیشتر و آسودگی خودشان یک نفر بوته‌های آویشن را با تیشه از ریشه از زمین می‌کند و دیگری با موتوری که جوال بزرگی بر ترک آن دارد آن‌ها را گردآوری نموده و به داخل وانت‌بار تخلیه می‌کند و این کار را ادامه می‌دهند تا وانت‌بار پر شود این روش بهره‌برداری در درازمدت موجب نابودی این گیاه دارویی باارزش می‌شود

**گیاه کنگر:** کنگر گیاهی بوته‌ای و ریشه‌ای و چندین ساله و خودرو و در بیشتر کوه‌پایه‌ها و کوهستان‌های فلات ایران می‌روید. با توجه به بارندگی و دمای هوای مکان رویش در پایان اسپند ماه و یا آغاز فروردین می‌روید. اگر در مکان رویش بماند مدت ۸۵ تا ۹۰ روز از زمان رویدن تا رسیدن و دانه دادن و خشک شدن آن زمان لازم دارد. اگر کنگر از ریشه کنده نشود سال دیگر دوباره در همان مکان و از همان ریشه پیشین جوانه می‌زند و سبزی می‌شود. این گیاه خوراک بسیار خوب و باارزشی برای تمام جانوران گیاهخوار است که در سرنوشت و ادامه زنده ماندن و زندگی آن‌ها سهم بسزا و مفیدی دارد. در فروردین‌ماه بیشتر مردم در مغازه‌های سبزی و یا میوه‌فروشی و

گاهی برکنار پیاده‌روها و مکان‌های تردد همگانی فروش کنگرهای تازه روییده فروشی را دیده‌اند.

اندازه آن‌ها برابر ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر و وزن آن‌ها بین ۵۰ تا ۷۰ گرم است اگر خوب نگاه کنید و آن‌ها که کنگرها را می‌خرند می‌بینند که آن کنگرهای فروشی بخش ریشه گیاه هستند و با وسیله‌ای مانند بیل ولی باریکتر که به آن چاله کن می‌گویند و بخشی از وسیله که در زمین فرو می‌رود تا بوته کنگر را بکند نزدیک ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر است و کنگرها را با تمام ریشه از زیرخاک بیرون می‌آورد برای نمونه شکل کنگرهای زیر را ببینید.

۱- نمونه کنگرهای تازه روییده که کنده شده و در بازار بفروش می‌رسد.



۲- اندازه یک بوته کنگر تازه روپیده و کنده شده که وزن آن نزدیک ۶۰

گرم است.



۳- گونی پر از بوته‌های کنگر تازه روپیده کنده و ارائه شده در بازار.



۴- چاله کن یا وسیله‌ای که با آن کنگرها را از ریشه از زمین می‌کنند.



شکل (ص ۸۸) نمونه بوته‌های کنگره‌ایی که در کوهستان مکان رویش مانده‌اند و رشد کامل نموده‌اند و نزدیک به زمان رسیدن و دانه دادن و بهره‌برداری خوب از آن‌ها است به این شکل و رشد آن در جهت‌های مختلف و اندازه‌های آن توجه کنید و با کنگره‌های تازه روییده و کنده‌شده در شکل ۱ و ۲ هم نسبت گیری و برابر کنید شاید اندازه و میزان تخریب مکان زیست و دارایی‌های همگانی و ملی و امکانات برای بررسی مسئولین آسان‌تر باشد.

این کنگرها به دو روش در کوهپایه‌ها و کوهستان‌ها می‌رویندا-بوسیله بذر گیاه. اگر به این کنگرها زمان داده شود تا رشد کنند و بذر بدهند و بذر آن‌ها برسند. بذر آن‌ها بوسیله آب باران و یا باد و یا جانوران پراکنده می‌شوند و اگر این بذرها در جای مناسبی به زمین افتند وازده‌ها مورد تهدیدآمیز مانند

خورده شدن بوسیله گیاهخواران و پرندگان و جوندگان رهایی و نجات یابند و در زمستان و بهار سال آینده باران کافی ببارد سبز می‌شوند و سال دیگر یک بوته کنگر جدید به وجود می‌آید که با کندن کنگرهای تازه روئیده آن‌هم از ریشه چنین زمان و شانسی به آن‌ها داده نمی‌شود و برای همیشه نابود می‌شوند.

**بوسیله ریشه:** کنگرهایی که در کوهستان‌ها بر زمین می‌مانند و رشد می‌کنند و می‌رسند و بذر می‌دهند پس از رسیدن به روشی مناسب و خوب که به ریشه و روئیدن آن‌ها در سال آینده زیان وارد نکند بوسیله دامداران روستایی و یا کوچندگان برای خوراک زمستان دام‌ها گردآوری می‌شوند؛ و در زمان گردآوری و جابجایی، دانه‌های آن‌ها به زمین می‌ریزند و پخش می‌شود. آن بخش از بوته‌های کنگرها که به هر دلیلی در بیابان بمانند و برداشت نشوند پس از رشد کامل و رسیدن و دانه دادن بوسیله باد و یا کوچک‌ترین تماس و حرکت جانوران از جا کنده می‌شوند و بوسیله خارهایی که دارند به بدن جانورانی مانند بز و گوسفندها و سگ‌های اهلی و سایر جانوران غیر اهلی مانند گوزن‌ها و خرگوش و گرگ و... چسبیده و در مسیر تردد جانور دانه‌های گیاه پخش می‌شوند و یا بخشی‌هایی از بوته و بذر کنگر بوسیله باد به هر سو در جهت وزش باد پراکنده می‌شوند و بذرهای آن‌ها پخش می‌شوند تا در سال دیگر از آن بذرها بوته کنگر جدیدی روئیده و سبز شود اما زمانی که بوته‌های تازه روئیده کنگرها را در چند روز آغاز رویش با چاله کن از ریشه بیرون می‌آورند دیگر نه ریشه‌ای می‌ماند که یک سال پس از آن بوته کنگر جدیدی از آن بروید و نه زمانی برای بذر دادن می‌ماند و نتیجه آن درازمدت نابودی این گیاه مفید برای دام‌های دامداری و جانوران بیابان‌ها است؛ و چرخه

اکوسیستم‌های زیادی به هم می‌خورد اگر این بوته کنگر ۵۰ تا ۷۰ گرمی و ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتری که هنگام آماده شدن برای خورش و خوردن انسان هم بخش‌هایی از آن دور ریخته می‌شود و به هدر می‌رود در بیابان و مکان رویش و رشد خود بماند تا به اندازه کافی رشد کند و برسند همان‌گونه که در شکل می‌بینید بلندی و پهنا و درازای آن نزدیک  $70 \times 70 \times 70$  سانتیمتر می‌شود و همان‌گونه که نوشته شد بوسیله پدیده‌های گوناگون در کوهستان‌ها پخش شوند.



تکه و خرده‌ها و پسماندهای پراکنده شده در کوهستان هر ۶ تا ۱۰ بوته کنگر در زمستان جان یک آهو و یا گوزن و یا قوچ و میش و غزال بیابانی را و هر ۱ یا ۲ بوته آن جان یک خرگوش را از گرسنگی و لاغری و مرگ تدریجی نجات می‌دهد و یا خوراک گوسفندان اهلی مردم می‌شوند و اگر بوسیله دامداران و عشایر گردآوری شوند هر ۱۰ تا ۱۵ تا بوته کنگر رسیده و گردآوری و خشک شده در زمستان خوراک خوبی برای یک شبانه‌روز یک خر یا گاو است و دانه‌های کنگر رسیده که در بیابان و کوهستان بمانند خوراک خوبی برای

گونه‌ها متفاوت جانداران مانند آهوها و خرگوش‌ها و سمورها و جوجه‌تیغی و کبک‌ها و کلاغ‌ها و کبوترها و موش‌ها و... است برخی از دانه‌ها هم که در مکان مناسبی جای‌گیرند در بهار سال دیگر سبز نموده و می‌رویند.

اگر این تخریب کوهپایه‌ها و مکان زیست به همین روش ادامه یابد در آینده‌ای نزدیک نه‌تنها دامداری سنتی کشور و عشایر مولد که جزء سرمایه‌های بی‌هزینه کشور می‌باشند آسیب جدی می‌بینند. بسیاری از جانوران (پرندگان، چونندگان، دوندگان) نابود می‌شوند، پایداری اکوسیستم‌های زیادی به هم می‌خورند. مکان زیست توان بازسازی این‌همه تخریب را ندارد. نگوییم که از زمان‌های گذشته هم این روش‌ها بوده حالا هم هست پس مشکلی پیش نمی‌آید. توجه شود که در گذشته جمعیت انسان‌ها کم بود. برای نمونه ۱۰۰ سال پیش (۱۲۹۸ خورشیدی) را در نظر بگیرید.

- ۱- جمعیت انسان‌ها در کشور ایران بزرگمان کمتر از ۸ میلیون نفر بوده.
- ۲- شمار دام‌های آن‌ها بسیار کم بوده است (آمار درستی از شمار انسان‌ها و دام‌ها در دست نیست).
- ۳- به دلیل نبود وسایل آمدوشد موتوری گردش و جابجایی انسان‌ها به‌ویژه انسان‌های شهری و شهرستانی‌ها بسیار کم و کند بوده.
- ۴- نیروهای مخرب نیروی ماهیچه‌ای (خسته شونده و کم بازده) و ابزار تخریب بیل و تیشه و اره دستی بوده.
- ۵- نیاز انسان‌ها بسیار کم بود.
- ۶- پسماندها: زباله‌های تولیدشده بوسیله انسان‌ها و نخاله‌های ساختمانی همه آن‌ها پس از برگشت به مکان زیست در یک سال پس از برگشت تجزیه می‌شدند و آن زباله‌ها برای مکان زیست نه‌تنها زیان نداشتند

بسیار سودمند بودند در نتیجه در زمان‌های گذشته تخریب مکان زیست به این گستردگی و شدت و مخرب و نگران‌کننده نبود و مکان زیست می‌توانست خود را بازسازی کند اما اکنون

۱- شمار انسان‌ها: شمار انسان‌های کشور ایران نزدیک به ۸۵ میلیون نفر است.

۲- شمار دام (چهارپایان اهلی): در مورد آمار دام‌های سبک و سنگین از سازمان‌ها و افراد مختلف آمار یکسانی مشاهده نشد و بیشتر آمارها از روش نمونه‌گیری و آمارها دارای ناهماهنگی زیادی بود در بررسی آمارها می‌توان گفت که نزدیک ۷۹ میلیون رأس دام در ایران باشد آیا بدون کمک و بهره‌مندی از روش‌های جدید روز ایران که در بخش خشکی از جهان است و چراگاه‌های دام‌ها در ایران باوجود خشک‌سالی‌های پی‌درپی و کم‌آبی توان جبران این‌همه تخریب و بهره‌برداری و چرای دام‌ها را دارند .

۳- وسایل آمدوشد: وسایل آمد و شد موتور و نیروی موتور و شدت و جابجایی چند ۱۰۰ برابر شده است.

۴- نیروی مخرب = نیروی موتور (خستگی‌ناپذیر و پرتوان) و مواد شیمیایی و نفتی

۵- نیاز انسان‌ها: نیاز انسان‌ها بسیار زیاد و می‌توان گفت بی‌پایان.

۶- پسماندها: پسماندها، زباله‌های پلاستیکی، لاستیکی، شیشه، نخاله‌های آجر و بتون، مواد نفتی و گازهای تولیدشده زیان‌آور بسیاری از این پسماندها با آلوده نمودن مکان‌های زیست و دارایی‌های همگانی ممکن است هزاران سال



در مکان زیست بمانند و تجزیه نشوند آیا تاکنون فکر و پیش‌بینی و برآورد نموده‌ایم که تخریب کره زمین به‌ویژه در کشور بزرگ خودمان با چه تندی (سرعتی) انجام می‌شود یک نمونه را در مورد آمار انسان‌ها و دام‌ها و پسماندها و میزان تخریب در بازه زمانی نزدیک به ۱۰۰ سال در ایران یادآوری نمودم و اگر ایران بزرگ را به‌جای یک نمونه گروه آماری شاهد در بررسی بگذاریم و شدت و اندازه تخریب مکان زیست را به‌کل گیتی نسبت بگیریم (تناسب گرفته و برابر کنیم) شاید به توانیم شدت و بزرگی تخریب مکان زیست را در کره زمین پیش خود تجسم کنیم که این تخریب در برابر مورد دوم تخریب مانند آلودگی و گرم نمودن اتمسفر و هوای زمین (جو زمین) و نابودی مکان زیست بسیار اندک است بنابراین مسئولین برخی از کشورها تنها به فکر سود کوتاه‌مدت خود و کشورشان هستند.

چون در آغاز، از گرم‌تر شدن هوا و جو کره زمین سود می‌برند بنابراین آسیب و زیان گرم‌تر شدن کره زمین و جو آن را کم و بی‌اهمیت نشان می‌دهند. در سال ۱۳۹۸ و یا ۲۰۱۹ گرما و آلودگی‌های ناشی از سوخت بیش از ۷۶۹۵۴ میلیون تن زغال‌سنگ و ۳۰۶۹۶۵۰۰۰۰۰ بشکه نفت و ۴۳۵۹۰۰۰۰۰۰۰۰ مترمکعب گاز طبیعی که از مخازن زیرزمینی استخراج و در همه سیستم‌ها و ماشین‌ها سوخته می‌شوند و گرما ایجاد می‌کنند و افزون بر این‌ها باید گرما و آلاینده‌های ناشی از سوخت موردنیاز نیروگاه‌های هسته‌ای و پسماندهای آن‌ها را که همه آن‌ها موجب گرمی هوا و مکان خود و در نتیجه جو زمین می‌شوند. را بر آنها افزود.

همه این سوخت‌ها افزون بر تولید گرما گاز کربنیک و دوده و ده‌ها سموم دیگر که همه آن‌ها در هوا و جو زمین پخش می‌شوند و مکان زیست را

آلوده می‌کنند. گرمای زیادی هم تولید می‌نمایند و این گرمای ایجادشده به جو زمین وارد می‌شود و دمای جو زمین هم به دلیل گرمای ناشی از سوختن سوخت‌های پیش گفت بیشتر افزایش می‌یابد و جو زمین (منبسط) گسترش می‌یابد و مولکول‌های آن از هم دورتر و در نتیجه بزرگی (افزایش حجم) آن افزایش و شمار ذرات ریز آب در واحد حجم کاهش می‌یابد و فشار هوا در جو کاهش می‌یابد و ذرات ریز بخار آب موجود در جو کمتر با یکدیگر برخورد می‌کنند و یا برخورد نمی‌کنند تا قطرات بزرگ‌تر و سنگین‌تر تشکیل بشوند و به دلیل سنگینی به سمت زمین پایین آیند باوجود تبخیر آب‌های روی زمین به دلیل گرمای ایجادشده و گسترش جو، ذرات ریز آب و بخار آب در جو زمین و ابرها متراکم نمی‌شوند و باران نمی‌بارد و نتیجه آن‌ها گرمای هوا و خشک‌سالی‌های کنونی و نابودی اکوسیستم‌ها است و نسل‌های آینده و یا بهتر است بگوییم فرزندانمان در آینده با مشکلات بسیار زیست‌مکانی روبرو می‌شوند بچه‌ها = فرزندان = نسل‌های آینده... آیا تاکنون شنیده‌اید که سالخوردگان خردمند و افراد مسن و دنیادیده می‌گفتند زمان‌های گذشته و یا ۱۰۰ سال پیش زمستان‌ها بسیار سرد می‌شد و برف و باران‌های زیادی می‌بارید؛ اما اکنون بارندگی کم شده. کره زمین و آب‌ها که تغییر نکرده و دگرگون نشده‌اند همان‌ها هستند تنها تغییر در دمای جو زمین است که ما انسان‌ها موجب و مسبب این تغییرات هستیم.

اما اکنون با توجه به بیان یک و یا دو نمونه از هزارها مورد تخریب در کره زمین، بازسازی دارایی‌های همگانی و مکان زیست برای زمین ممکن نیست. همچنین در ایران در زمان‌های گذشته و پیش از دهه ۵۰ کدخداها در

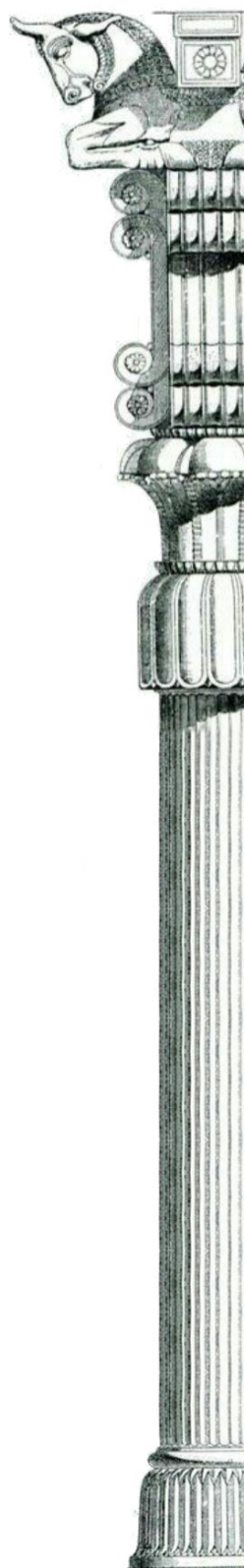


نگهداری از دارایی همگانی و مکان زیست و بیابان‌ها(آنچه را امروز منابع طبیعی می‌نامیم) بسیار کوشا بودند. کدخداها با استفاده از اختیارات و امکانات و پشتیبانی که داشتند به افراد سایر روستاهای هم‌جوار هم نه تنها اجازه تخریب مکان‌های زیست همگانی را نمی‌دادند بلکه اجازه کندن بوته‌ها و کنگرهای رسیده را هم نمی‌دادند اما اکنون آن مدیریت‌ها کم‌رنگ شده. خواستن توانستن است.





بخش سوم:  
جشن نوروز



## جشن نوروز و مراسم باشکوه سال نو:

نوروز نخستین روز آغاز هر سال خورشیدی و برابر روز اول فروردین ماه از موسم بهار است. جشن نوروز را که یادگار نیاکان پرافتخار ما است و به آن و آن‌ها افتخار هم می‌کنیم چون مایه افتخار و سربلندی ملت ایران و مردم فلات ایران در بین سایر ملل گیتی است اینکه نوستم جشن نوروز مایه افتخار و سربلندی ما است را از چند جهت بررسی و ارزیابی می‌کنیم تا بدانند که این گزافه نیست کاری است خردمندانه و درست و بزرگ که انجام شده و انکارناپذیر و استوار است و مانند خورشید بر تارک گیتی می‌درخشد.

۱- آگاهی و دانش و توانایی نیاکانی.

۲- باستانی و کهن بودن.

۳- یافتن و انتخاب زمان اجرا.

۴- سنجش با سایر جشن‌ها (عیدها)

۵- دلیل از بین رفتن آن تمدن‌ها.

**آگاهی و دانش و توانایی نیاکان:** نیاکان دانشمند و خردمند ما در چندین هزار سال پیش آگاهی بیشتری بر گیتی از جمله دانش کرات و ستارگان و سیارات داشتند. آن‌ها راه شیری را تا اندازه‌ای می‌شناختند و بر کرات گردنده به دور خورشید آگاهی و آن سیارات را نام‌گذاری هم کرده بودند بر این اسامی چند هزارساله بنگرید و ببیندیشید. تیر، ناهید، زمین، بهرام، مشتری = هرمز و یا اورمزد و یا او رمز و کیوان و... این‌ها نام‌های برخی از سیارات گردنده به دور خورشید است و بر مسیر جابجایی (مدار) و شتاب و یکنواختی جابجایی برخی از آن‌ها آگاهی کامل داشتند و می‌دانستند خورشید در مرکز این گروه گردنده

به دور خورشید است و هر سیاره از جمله زمین در چه مداری و با چه شتاب و یکنواختی و چه ویژگی‌هایی مدار خود را می‌پیماید و گرنه چگونه ممکن بود زمانی (روزی) را به نام نوروز برای آغاز سال و جشن و شادمانی انتخاب نمایند که ویژگی‌های روز نوروز را داشته باشد و به آن نوروز هم بگویند.

با داشتن آن آگاهی‌های درست جشن نوروز را بنا نهادند و بنیان‌گذاری کردند به گونه‌ای که در روز نوروز در همه زمان‌های گذشته و آینده جا و مکان کره‌ی زمین بر مدارش نسبت به خورشید همیشه یکسان و یکجا و استوار بوده و هست و خواهد بود... به مفهوم آن که ..

۱- در روز نوروز و هنگام جشن و شادمانی در همه دوران و سال‌ها اندازه و یا مدت‌زمان روز و شب باهم برابر است. (بخش‌های روشن و تاریک زمین)

۲- هوای زمین در روز نوروز در نیم‌کره شمالی که مکان سکونت و زندگی آن‌ها بوده به سمت خوبی و گرم‌تر شدن می‌رود.

۳- در زمان نوروز جهان از خواب زمستانی بیدار و زندگی دوباره را آغاز و زیبا می‌شود.

۴- روز نوروز اول موسم بهار است در بهار آمار فراوانی و تولید افزایش می‌یابد و امنیت و آرامش و آسایش نه تنها برای انسان‌ها بلکه برای (جانوران) سایر جانداران بیشتر و بهتر می‌شود. برای نشان دادن و وجود بشری بسیار پیشرفته‌تر و دارای ابزارهای بهتر از بشر آغاز هزاره سوم چند نمونه از نشانه‌های بجای مانده از آن تمدن‌ها را با شکل‌هایی از برخی از آن‌ها و یا نمونه‌هایی از مدارک مستند و مستدل و مورد تأیید به جامانده از آن‌ها را یادآوری می‌کنم.

۱- بخش‌هایی از شاهنامه فردوسی و سرگذشت‌های نوشته‌شده در شاهنامه مانند سرگذشت منیژه و بیژن که کیخسرو بوسیله ابزاری بیژن را در ته چاهی (در زندان) در هزاران کیلومتر دورتر دیده و نشانی‌های درست مکان زندان او را به رستم داده تا او را آزاد نموده و بیاورد.

۲- وجود نقشه‌های مشهور به پیررئیس که کهنی نقشه اولیه آن‌ها برابر نوشته‌ها نزدیک به ۶۰۰۰ سال پیش می‌رسد و نشان می‌دهد در ۶۰۰۰ سال پیش جنوبگان نه‌تنها زیر (پوشیده از) یخ و برف نبوده بلکه پر از جنگل بوده و فرد و یا گروهی آن را کامل نقشه‌برداری نموده که ویژگی‌های آن نقشه جدا از دگرگونی آب و هوایی و فرسایش‌های جزئی با آنچه در نقشه‌هایی که در هزاره‌های دوم و سوم با ابزار و وسایل پیشرفته امروزی از جنوبگان گرفته‌شده همخوانی دارد همچنین در این نقشه مکان (جای) شهر اسکندریه (از جنوبگان تا مصر) نشان داده‌شده و برابر ایده و فکر دانشمندان آگاه در دانش جغرافی و باستان‌شناسی تهیه این نقشه از بلندای ۵۰۰۰ مایلی کره زمین تهیه‌شده است اگر تمدن و انسان‌های پیشرفته‌تر از انسان آغاز هزاره سوم نبودند نزدیک به ۶۰۰۰ سال پیش این شکل هوایی چگونه تهیه‌شده است.

۳- شکل‌هایی بر دیوار پرستشگاه **هاتور** و یا **دندرا** در نزدیکی شهر دندرا در کشور مصر که آن اشکال درست مانند لامپ و مدار الکتریکی می‌باشند و میدانیم مصری‌ها نزدیک پنج هزار سال پیش (زمان ساختن آن پرستشگاه) نیروی الکتریسیته و لامپ را نداشتند و نمی‌شناختند یکی از گزینه

(امکان‌ها)های خردمندانه این است که به پذیریم مصری‌های باستان داستان جریان الکتریسیته و مدار آن یعنی سیم هادی و شکل لامپ را پیش از زمان پنج هزار سال پیش سینه به سینه و زبان به زبان از پیشینیان خود شنیده بودند و بنا بر برداشت‌های ذهنی خود شکل لامپ را بر روی دیوار پرستشگاه مذکور کشیده‌اند.

۴- دیوارها و خیابان‌های دست‌ساز بشر در کف و یا بستر اقیانوس‌ها که در دیوارها سنگ‌هایی با وزن نزدیک به ۲۰۰ تن بر روی هم گذاشته شده‌اند کدام جرثقیل امروز سنگ‌های ۲۰۰ تنی را بلند و جابجا می‌کند.



### بازهم در مورد دانش و توان نیاکانی:

۱- پیشرفت دانش و افزایش توان: نیاکان پرافتخار ما (انسان‌ها) در چندین هزار سال پیش نسبت به انسان آغاز هزاره سوم به مراتب بالاتری از آگاهی‌های مختلف دست‌یافته بودند از جمله بر دانش الکترونیک (آی تی) که بوسیله

ادیسون شناسایی و به‌کارگیری مجدد شد و تاکنون سیر تکاملی آن ادامه دارد و یا آنچه اکنون ما به نام ماهواره و پهپاد و کامپیوتر و تلسکوپ و وسایل جانبی آن‌ها که امروزه به نام وسایل دیدار از راه دور می‌شناسیم و بر نجوم آگاهی کامل‌تری داشتند.

دانش و آگاهی آن‌ها بر شناسایی مکان ستارگان و سیارات و مدارهای آن‌ها و کره زمین و آگاهی از کروی بودن شکل زمین و گردش زمین به دور خورشید برمداری تخیلی و همیشگی و استوار و با شتابی استوار، یکنواخت و یکسان و گونه‌های گردش زمین (وضعی و انتقالی) و خمیدگی شکل مدار گردش زمین به دور خورشید را می‌دانستند، اندازه درست آن مدار و اندازه و یکنواختی جابجایی و گردش زمین را کشف نموده و می‌دانستند و با داشتن این آگاهی‌ها و توان و ابزارهای درست نوروز را در جا و زمان کنونی و ویژگی‌های آن پایه‌گذاری نمودند همچنین به استناد برخی از نوشته‌ها در شاهنامه فردوسی توسی در دوره کیانیان آنچه امروز ما به نام ماهواره و ابزار جانبی آن مانند دوربین‌ها و تلسکوپ و کامپیوتر و وسایل دیدار از راه دور از آن‌ها نام می‌بریم وجود داشته چون در آنچه سرگذشت منیژه و بیژن می‌خوانیم و بیشتر از ۵۸۷ بیت است در بخش دیدن کیخسرو بیژن را در جام گیتی نما (مانیتور) که این بخش ۳۳ بیت است و برای بیان و نشان دادن این‌که آن‌ها بر تکنولوژی پیشرفته‌تر دست‌یافته بودند و نمونه‌هایی از پهپادها و ماهواره‌های مجهز به تلسکوپ‌های کنونی و پیشرفته‌تر در اختیار داشته‌اند فردوسی چنین نوشته ...

چو نوروز خرم فراز آمدش	بدان جام فرخ نیاز آمدش
پس آن جام بر کف نهاد و بدید	درو هفت کشور همی بنگرید
زکار و نشان سپهر بلند	همه کردید اچاه و چون و چند

ز ماهی به جام اندرون تا بره  
 نگاریده پیکر بدو یکسره  
 چه کیوان چه هر مزچه بهرام و شیر  
 چومهر و چو ماه و چو ناهیدوتیر  
 همه بودن‌ها بدو اندرا  
 بدیدی جهان دار افسون گرا  
 به هر هفت کشور همی بنگرید  
 که آید ز بیژن نشانی پدید  
 سوی کشور گرگ ساران رسید  
 به فرمان یزدان مر او را بدید  
 در آن چاه بسته به بند گران  
 زسختی همی مرگ جست اندران

آیا فردوسی آن دانا و توانای فرزانه، ننوشته که کیخسرو در زمان نوروز که بارندگی‌ها و برف و کولاک و مه و ابرهای زمستان کمتر شده و هنوز گردوخاک ناشی از هوای گرم بهار و تابستان پدیدار نشده و معمولاً هوا مناسب و دیدن روی زمین بهتر است در جام (وسایل دیدار از راه دور مانند شبکه‌های ماهواره‌ای و تلسکوپ‌ها با لنزهای بسیار خوب و مانیتور کامپیوترها) هر چه در آسمان‌ها و زمین بود.

از ماهی‌های شناور دریاها تا جانوران خشکی‌ها و سیارات و ستارگان از جمله گروه سیارات خورشیدی و راه شیری و برخی از کرات مانند کیوان، بهرام، ماه و خورشید و ناهید و تیر را دیده و پژوهش نموده و روی زمین هفت کشور را برای پیدا کردن ردی و نشانه‌ای و یا دیدن بیژن کاوش نموده تا در کشور توران در ته چاهی بیژن را در زندان دیده که زنده است و سپس رستم را خواست و نشانی مکان زندان بیژن را به او داد و او را برای نجات دادن بیژن فرستاد تا وی را آزاد نموده و به ایران آورد.

آیا جام گیتی که همان جام جهان‌نما باشد همین وسایل دیدار از راه دور و آنچه ما امروزه ماهواره و وسایل جنبی آن می‌نامیم نبوده؟ چون خیلی پیش‌تر از زمان فردوسی این وسایل نابود شده بودند و چون در هزار سال پیش این

وسایل دیگر نبوده و در ذهن مردم نمی‌گنجیده فردوسی هم این‌ها را ندیده بوده و در ذهن او هم نمی‌گنجیده آنچه را در آن کتاب‌ها خوانده در ذهن خود آن‌ها را به جام تشبیه کرده است.

برخلاف اینکه برخی از مردم نوشته‌های شاهنامه را بدون بررسی و ژرفاندیشی و پژوهش داستان می‌نامند مستند به نوشته‌های خود فردوسی و سایر نشانه‌های موجود در جهان شاهنامه یک تاریخ است و سرگذشت گروه‌های بشری بسیار پیشرفته است که به هر دلیلی و ناگهان نابود شده است شاهنامه نشان‌دهنده و شناساننده بخشی از تاریخ گم‌شده گیتی است ولی به دلیل نبود شدن آن تمدن و تاریخ نزدیک به ۳۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ساله گیتی و از بین رفتن (نابودی) وسایل خواندن و نوشتن تمام نشانه‌ها و دانش و توان و مدارک وجود آن تمدن بزرگ از بین رفته بود.

سپس اندک انسان‌های جان به دربرده و بازماندگان بدون وسیله آن‌ها را برای فرزندان‌شان بازگو نموده و باگذشت هزاران سال برخی به شکل داستان درآمده و سینه‌به‌سینه و زبان به زبان گفته می‌شده و فردوسی بزرگ در شاهنامه چنین سروده:

مگر کز پدر یاد دارد پسر      بگوید تو را یک‌به‌یک از پدر

که نام بزرگی که آورد پیش      کرا بود ز آن برتران پایه پیش

و سپس به شکل داستان و یا در متن کتاب‌هایی مانند گرشاسب نامه و گشتاسب نامه و خدای‌نامه و شاهنامه درآمده. اگر چیزی را ما نه دیده و یا پیگیری نه کرده‌ایم و نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم دلیل نبودن آن چیز نیست بیش از صدها مدرک مستند و مستدل و نشانه‌های موجود و دیدنی از آن

تمدن‌ها در روی زمین موجود است که مجدداً برای نمونه بیشتر و تفکر برخی دیگر را یادآوری می‌کنم.

حکیم توس در شاهنامه نوشته که کیکاووس برای پژوهش در آسمان‌ها برنامه و آهنگ پرواز داشت و به دنبال وسیله‌ای برای پرواز بود.

چون وجود هواپیما و تکنولوژی آن به فکر و ذهن انسان‌های ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش نمی‌رسید فکرمی‌کردند بوسیله و با کمک پرنده‌هایی به نام شاهین پرواز کرده؛ چنانچه به مفهوم کلمات و هدف وی از پرواز که نوشته شده است:

شنیدم که کاووس از آن بر فلک همی رفت تا بگذرد از ملک  
دگر گفت از آن رفت بر آسمان که تاجنگ سازد به تیروکمان

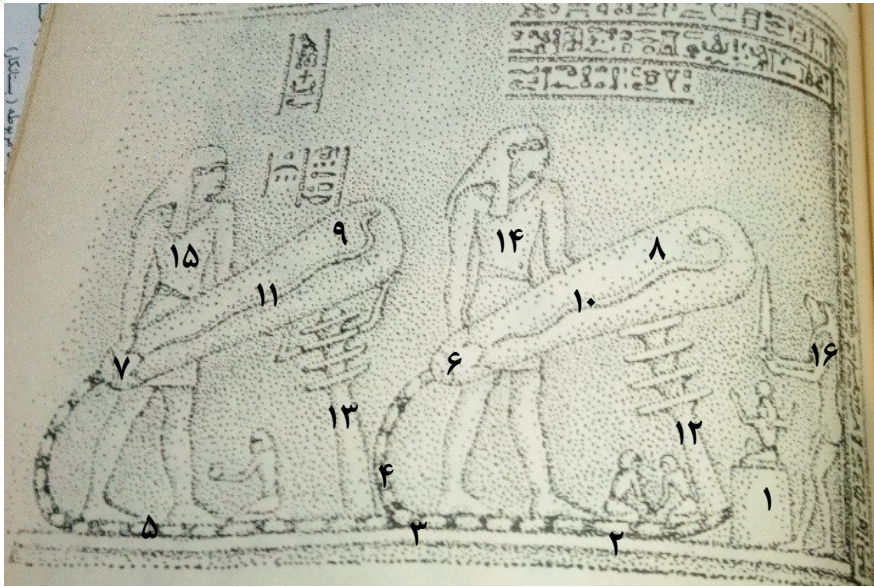
اما باید خوب فکر کرد و بدانیم که شاید در زمان کیانیان انسان‌ها برنامه‌های هوانوردی و سفر به آسمان (فضانوردی) را داشته و آن‌ها را انجام داده‌اند چون انجام هر دو کار درباره گذشته است (رفت) برنامه‌های آن‌ها برتری رزمی و جنگ هوایی و سفر به دیگر کرات بوده.

۱- در مثل‌ها مادر بزرگ‌ها می‌گفتند که حضرت سلیمان قالیچه‌ای داشت که بر آن می‌نشست و آن قالیچه او را پروازکنان به هر جا می‌خواست می‌برد. باز هم می‌نویسم چون مادر بزرگ‌ها و مردم ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از هواپیما و وسایل هوانوردی و تکنولوژی‌های آن آگاهی نداشتند و آن راهم ندیده بودند می‌پنداشتند قالیچه حضرت سلیمان پرواز می‌کند و این پرواز سلیمان سینه‌به‌سینه بوسیله قالیچه حضرت سلیمان گفته می‌شد.

۲- در مصر دیوارهای پرستشگاه هاتور به شکل‌هایی مزین است. این شکل‌ها اکنون در اینترنت در دسترس همگان می‌باشند و نوشته‌های بسیار جالب و ارزشمند زیادی در مورد تغییرات روی زمین و نمونه‌هایی از آن

شکل‌ها در کتاب مثلث برمودا نوشته چارلز برلیتز و ترجمه محمدکاظم زاده آزاد چاپ موسسه انتشارات تلاش تبریز شماره ۱۴۱ به شکل بسیار جالب و گویایی در دسترس می‌باشند که با توجه به آن شکل‌ها می‌توان نتیجه گرفت مصری‌های باستان در زمان ساختن آن پرستشگاه نزدیک به ۵۰۰۰ سال پیش خودشان انرژی الکتریسیته و چراغ الکتریکی را ندیده بودند اما از پیشینیان خود در متن داستان‌ها و یا روایت و متل‌ها که سینه‌به‌سینه بیان شده است. داستان‌هایی را درباره روشنایی لامپ بوسیله الکتریسیته و سیم‌های هادی آن شنیده بودند که انرژی مولد روشنایی بوسیله سیم‌ها جریان داشته و لامپ‌ها نور بسیار داشته‌اند و شیشه (حباب) آن‌ها بسیار داغ می‌شده و می‌توانستند آن‌ها را جابجا نمایند و در نتیجه چراغ‌های الکتریکی سیار را در ذهن خود آن‌گونه که در شکل می‌بینید تجسم و بر دیوارهای آن پرستشگاه شکل آن‌ها را آن‌گونه که در ذهن خود می‌پنداشتند بر سنگ‌ها کشیده و کنده‌کاری نموده و به یادگار گذاشته‌اند.

اگر خوب نسبت بگیریم و خوب بیندیشیم در ذهن آن‌ها چون لامپ‌ها نور بسیار زیاد تولید می‌کردند پس باید بزرگ باشند. بزرگی لامپ‌ها را به اندازه انسان‌ها کشیده‌اند و چون شنیده بودند لامپ‌ها داغ می‌شدند برای آن‌ها پایه‌ای در زیر آن‌ها در شکل‌ها تهیه کرده‌اند.



- ۱- مکان تغذیه الکتریکی سیمها از پایه ویا دیوار(مکان دریافت انرژی یا پرز).
- ۲- سیم دریافت انرژی از پرز دیوار (دوشاخه پرز) تا تفکیک.
- ۳- مکان تفکیک دو سیم.
- ۴-۵- سیمها از تفکیک تا پشت سرپیچ لامپها (سوکتها).
- ۶ و ۷- سرپیچ انتهایی لامپهای شیشه‌ای.
- ۸ و ۹- شیشه لامپها (حبابها).
- ۱۰ و ۱۱- سیمهای تنگستن
- (رشته سیم) داخل لامپهای شیشه‌ای.
- ۱۲ و ۱۳- پایه‌هایی که لامپها روی آنها گذاشته می‌شدند.
- ۱۴ و ۱۵ نفرات جابجا کننده لامپها.
- ۱۶- راهنمای خدمه لامپها.



و باز در اینترنت و در همان کتاب شماره ۱۴۸ پاراگراف اول. در بستر آب‌های فلات باهاما... جالب‌ترین و بهترین نشانه‌های برجای مانده از تمدن‌های زمان‌های گذشته پیداشده است. ستون‌های سنگی منبت‌کاری بسیار زیبا که در بستر آب‌های سواحل باهاما یافت شده از زمان‌های دوازده هزار سال پیش است و همچنین در اینترنت... و باز در همان کتاب از شماره ۱۴۵ تا شماره ۱۵۳ مستندات زیادی است که در زمان‌های بسیار دور گذشته تمدن‌های بسیار پیشرفته‌تر از اکنون وجود داشته به‌ویژه در پاراگراف سوم شماره ۱۵۰ چنین آمده. «در سال ۱۹۶۷ در هنگام بازگشت یک زیردریایی از مأموریتی در فلوریدا، جورجیا و جنوب کارولینا جاده‌ای در زیر آب مشاهده شد که از اکسید منگنز سنگ‌فرش شده است این جاده تا ژرفای زیاد آب ادامه دارد و دارای سطحی بسیار گسترده است. دکتر بروس هیزم از مرکز پژوهش‌های هامونت با غواصی تا ژرفای بسیار زیاد آب آن را بسیار جالب و مورد توجه یافته بود» همچنین در اخبار بسیار شنیده‌ایم که در یخچال‌های سیبری جسد فیل‌های ماموت و کرگدن‌ها از درون یخ‌ها یافت شده و اکنون این را می‌دانیم که مدت‌ها است زندگی و نسل فیل‌های ماموت نابود شده و دیگر زنده نمی‌باشند و کرگدن هم در سیبری زندگی نمی‌کند ولی اجساد آنها سالم از زیر یخ‌ها خارج شده‌اند و پس از بررسی‌ها دیده شده که داخل معده آنها پر از گیاهان تازه خورده شده بوده. مفهوم آن این است که سیبری در گذشته‌های دور مانند آفریقای کنونی مکان مناسبی برای زندگی فیل و کرگدن‌ها بوده آیا نباید پرسید چه رخدادی پیش آمده. آنچه را به فرازمینی‌ها نسبت می‌دهند و یک سؤال؟ در کجا و چگونه و با چه امکاناتی و چه مدت در جهان پژوهش و بررسی نموده‌ایم که برخی از مستندات را انکار می‌کنیم. اگر امکان بود در این

موردبررسی بیشتری خواهیم کرد. چون درک آن تمدن بزرگ و پیشرفته که ناگهان نابودشده برای انسان‌های از تمدن دور و برگشته ممکن نبود بسیاری از رخدادهای جمله نوشته‌های شاهنامه را که تاریخ است داستان نامیده‌اند. اندکی در مورد ایده‌ی موجودات فرازمینی و دخالت و کمک آن‌ها در ایجاد و هدایت و آموزش و تربیت انسان‌ها و سازه‌هایی که ساخت آن‌ها را به موجودات فرازمینی نسبت داده می‌شود می‌اندیشیم.

ما آن ایده (نظریه) را رد نمی‌کنیم چون این دانشمندان هستند که درستی و یا نادرستی ایده موجودات فرازمینی‌ها را بررسی می‌کنند که خود این ایده‌ی سئولهای بسیار زیادی را در ذهن انسان ایجاد می‌کند. فرازمینی‌ها چه زمانی از کجا و چگونه و با چه هدفی در چه مکانی از زمین و چرا آمدند؟ خود آن‌ها چه شدند و اکنون کجا هستند و هدفشان از این کار چه بوده یا چیست و چرا پس از انجام کارشان همه‌چیز را به‌خودی‌خود رها نموده‌اند و هیچ نشان و ردی روشن از خود بر زمین بجا نگذاشته‌اند و یا نشانه‌هایی هست آیا دانشمندان بخشی از دانش و آگاهی‌ها را از جامعه بشری پنهان می‌کنند؟ اما باوجود فکر و خرد و همان آموزش و تربیت‌پذیری بشر باید روش گام‌به‌گام پیشرفت بشر را هم موردبررسی و پژوهش قرار دهیم که خود انسان‌ها دارای خرد و اندیشه و آموزش‌پذیری و آموزش و یاد دادن دانسته‌ها به هم‌زیست‌ها (هم‌دوره‌ای‌های خود) و نسل‌های پس از خود و دارای توانایی‌های خوب اندیشیدن و بهسازی و پیشرفت بوده و هستند و تمدن‌های بسیار پیشرفته‌تر از این زمان را به وجود آورده بودند و ساخت سازه‌ها و سایر نشانه‌هایی را که به فرازمینی‌ها نسبت می‌دهیم بوسیله نیاکان همین بشر امروزی ساخته‌شده و آنچه در کهکشان‌ها به دنبال آن گشته‌ایم و می‌گردیم شاید بوسیله نیاکان

همین بشر و فاکتورهایی که در انسان است انجام شده ولی به هر دلیلی آن تمدن‌ها از بین رفته است. یک سؤال؟ از آغاز پیشرفت پرشتاب و افزایش آگاهی‌ها و توانایی بشر امروزی بر روی کره زمین چه مدت می‌گذرد از زمان ساختن ماشین چاپ و موتور و برق و پیدایش صنعت آیا بیش از ۵۰۰ سال است؟ اگر انسان کنونی توانسته در نزدیک ۵۰۰ سال به این پیشرفت‌های بزرگ و شگفت‌انگیز دست یابد چرا نباید فکر کنیم بشر پیشین درده تا پانزده هزار سال پیشرفتی نداشته است. چگونه ممکن بود نزدیک به ۱۳۰۰۰ سال پیش زمانی (روزی) را به نام نوروز برای ابتدای سال خورشیدی نوروزی و جشن و شادمانی انتخاب نمایند که ویژگی‌های روز نوروز را داشته باشد و به آن نوروز هم بگویند.

و با داشتن آن دانش و آگاهی و توانمندی‌های درست آغاز سال خورشیدی را به دست آوردند. آن را مبنای سال و جشن نوروز را بر آن بنا نهادند و بنیان‌گذاری کردند به گونه‌ای که در روز نوروز در هزاران سال گذشته و آینده.

- ۱- هنگام آغاز سال خورشیدی نوروزی مکان زمین برمدار پیمایش خود نسبت به خورشید همیشه یکجا و همسان و استوار بوده و هست و خواهد بود.
- ۲- در روز نوروز و هنگام جشن نوروز و شادمانی مردم در همه دوران و سال‌ها مدت‌زمان روز و شب باهم برابر است (با داخل کردن متغیرهایی مانند سال‌های کبیسه و  $X\%$  ثانیه‌ها و اندک اشتباه در کردار انسان‌ها در آغاز و زمان و مکان).

۳- دمای هوای زمین در روز نوروز در نیم کره شمالی زمین که مکان

سکونت و زندگی آن‌ها بوده به سمت گرمی و خوبی می‌رود.

۴- روز نوروز آغاز سال و اول موسم بهاراست در بهار جهان دوباره از

خواب زمستانی بیدار می‌شود. جنگل و کوه و دشت و هامون سبز و

خرم و هوا لذت‌بخش می‌شوند. همه چیز جوان و نو می‌شود چون

نوروز شده کار و کوشش بیشتری دوباره آغاز و فراوانی و تولید افزایش

می‌یابد.

۵- امنیت و آرامش و آسایش نه تنها برای انسان‌ها همچنین برای تمام

جانورها (حیوان‌ها) بیشتر می‌شود و...

### پایداری و باستانی: (باستانی بودن جشن نوروز):

در مورد باستانی و کهن بودن جشن نوروز فردوسی بزرگ در شاهنامه در

داستان منیژه و بیژن می‌نویسد:

چو نوروز خرم فراز آمدش      بدان جام فرخ نیاز آمدش

سرگذشت منیژه و بیژن در شاهنامه فردوسی در زمان کیخسرو از

پادشاهان کیانی نزدیک به دوازده هزار سال پیش بوده است و این رامی دانیم

که پادشاهی سلسله کیانیان پس از پیشدادیان بوده است آیا دوازده هزار و یا

سیزده هزار سال زمان و باستانی بودن کم است در دنیا کدام جشن و مراسم

همگانی کهن تر و باستانی تر و استوارتر از جشن نوروز است؟

ما هنوز به درستی سلسله پادشاهان پیشدادی و جمشید بنیان‌گذار جشن

نوروز را نمی‌شناسیم و درباره آن‌ها پژوهش و بررسی مناسب هم نشده. در

شاهنامه... تلاش برای آموزش و پرورش و آغاز افزایش آگاهی‌ها و توانمندسازی

انسان و کشف و کنترل آتش و استخراج فلز را به دوره پادشاهی هوشنگ از پادشاهان پیشدادی نسبت می‌دهد آنجا که نوشته:

نخستین یکی گوهر آمد به چنگ بدانش ز آهن جدا کرد سنگ

و رام نمودن برخی از جانوران، بز دوازده هزار سال پیش در ایران رام و اهلی شده اسب در فلات ایران رام و اهلی شده است. انجام کار کشاورزی و جاری کردن آب از چشمه‌ها و رودخانه‌ها به داخل جوی و به سمت زمین‌ها برای کشاورزی و آغاز کشاورزی و یکجانشینی نزدیک سیزده هزار سال پیش بوده و... را به زمان پادشاهی هوشنگ از سلسله پیشدادیان نسبت می‌دهند و اهلی شدن گاو نزدیک ده هزار سال پیش و تهیه و تولید ابزار جنگ و ریستن نخ و بافتن پارچه و تشکیل گروه‌های کاردان ویژه را به زمان طهمورث نسبت می‌دهند... اکنون پس از هزار سال که از نوشتن شاهنامه می‌گذرد می‌بینیم که پژوهشگران با روش آگاهی‌های نوین این کشفیات و امور را به همان سال‌ها نسبت می‌دهند؛ و در زمان‌های اخیر پایتخت هخامنشیان (پرسه پلیس) را تخت جمشید نامیده‌اند

آیا جمشید پادشاه پیشدادی که نزدیک سیزده هزار سال پیش می‌زیسته و شاه بوده و در زمان او کشفیات... و پیشرفت‌های بشر نوشته شده و... داریوش کبیر پادشاه هخامنشی که نزدیک دوهزار و پانصد سال پیش می‌زیسته و شاه بوده یک نفر بوده‌اند؟ که امروزه تخت جمشید را به داریوش نسبت می‌دهند؟ بر شما است که درباره آن‌ها با ژرفاندیشی پژوهش کنید و بدانید بهترین دانش و توانایی از آن کسانی است که پس از بررسی و شناخت خوب و درست امور باورهای بیهوده خود را کنار بگذارند و روش‌های خردمندانه درست را انتخاب کنند.

مورد دیگر که پژوهش در مورد آن لازم است دشمنانی است که جمشید بر آنها پیروز شده و بانام دیو و یا دیوان از آنها نام برده شده آن مردمان از چه نژاد و چه گروه‌هایی بودند.

بازهم سندی بر باستانی بودن جشن نوروز: تخت جمشید کنونی مکان تشکیل و آغاز به کار نخستین سازمان بین‌الملل شناخته شده جهان در نزدیکی شهرستان شیراز بیش از ۲۵۰۰ سال پیش مکان برگزاری جشن‌های نوروزی پادشاهان هخامنشی بوده و حکیم ابوالقاسم فردوسی آن سروده سرای بزرگ در ۱۰۰۰ سال پیش در شاهنامه جشن نوروز را به نزدیک ۱۲۰۰۰ سال پیش از آن و به دوره پادشاهی جمشید یکی از پادشاهان پیشدادی نسبت داده است آنجا که می‌نویسد جمشید پس از پیروزی بر دیوان جشن گرفت و از زر و سیم برای خود تختی ساخت.

و در روز نوروز بر تخت نشست و پادشاهی خود را آغاز نمود و بر تخت نشستن جمشید را این‌گونه بیان نموده و می‌نویسد. پادشاهی جمشید ۸۸ بیت است که شماری از آن سروده‌های وابسته و در مورد نوروز را یادآور می‌شویم...

به فر کیانی یکی تخت ساخت	چه مایه بدو گوهراندرن ساخت
چو خورشید تابان میان هوا	نشسته بر آن شاه فرمانروا
به جمشید بر گوهر افشاندند	مرآن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرزمز و فرودین	برآسوده از رنج تن دل زکین
به نوروز نو شاه گیتی فروز	برآن تخت بنشست فیروز روز
چنین جشن فرخ از آن روزگار	بمانده از آن خسروان یادگار

در اینجا لازم است ۳ چیز را که نام بردیم اشاره‌ای و گذرا بررسی نماییم.

۱- سلسله پادشاهان پیشدادی.

۲- تفاوت سلسله پیشدادیان و هخامنشیان.

۳- موجودی به نام دیو.

❖ سلسله پادشاهان پیشدادی نزدیک به سیزده هزار سال پیش بر پهنه بزرگی از گیتی فرمانروایی داشتند. آن‌ها را از این جهت پیشدادی می‌نامند که آن‌ها اولین گروه و فرمانروایانی بودند که در آغاز یکجانشینی انسان‌ها روش دولت و فرمانروایی اولیه خود را برای گروه‌های ابتدایی بر پایه دوستی، امنیت و دادگری ایجاد کردند همچنین آرامش و امنیت را برای همه افراد فراهم نمودند و دادنامه (قانون) را برای آسایش مردم و مملکتشان نوشتند و اختیارات، کنش‌های گروه‌ها و اندازه و اختیارات و انجام کارها و مسئولیت دولت و مأمورهای دولت را در برابر مردم و مردم را در برابر دولت بیان نمودند و نوشتند و آن دادنامه‌ها را اجرا هم کردند پیشدادیان برای نخستین مرتبه در جهان سازمان دادگستری را بر مبنای دادخواهی ساختند و بر پایه قانون در دادگستری به دادخواهی بین مردم با یکدیگر و گروه‌ها و دولت پرداختند. اینکه ما در تاریخ و شاهنامه تنها نام چند نفر از پادشاهان سلسله پیشدادی و چند بیت سروده از آن دوره رامی‌دانیم و در مورد پیدایش و مدت‌زمان و روش اداره امور و تمدن و دلیل نابودی آن‌ها پژوهش نشده؛ و ما هم در مورد آن‌ها ناآگاه و بی‌خبر هستیم تنها می‌دانیم دادنامه و دادخواهی و دادگستری را ایجاد و اجرای دادگری (قانون) را روش کار و امور دولت خود نمودند و افزون بر فرمانروایی از این روش نام خود را جاودانه کردند.

❖ این‌که جمشید پادشاه پیشدادی با داریوش و یا کوروش و یا سایر پادشاهان هخامنشی متفاوت است زیرا زمان پادشاهی جمشید نزدیک به

سیزده هزار سال پیش بوده و زمان دولت و سلسله و پادشاهی هخامنشیان نزدیک به دو هزار و پانصد سال پیش بوده. پس نزدیک به ده هزار و پانصد سال دیگر از تاریخ و تمدن بشر و گیتی و ایران کجا است؟ چرا و چگونه نابود یا گم‌شده؟ کمی به تاریخ گذشته و گفته‌ها و نوشته‌های زیست شناسان برگردیم با کشف سنگواره‌ها و فسیل‌ها دانشمندان و ایده‌های زیادی پیدایش انسان با اندازه جمجمه و مغز و توانایی خرد انسان‌های امروزی بر کره زمین را بیش از بیست هزار سال می‌دانند پس بخش بزرگ‌تر تاریخ پیشینیان چه شده؟ همان‌گونه که پیش‌از این نوشته شد ایده‌ای هم پیدایش و وجود انسان بافکر و متمدن را نتیجه دخالت واکنش موجودات فرازمینی می‌داند.

بسیار خوب اگر این ایده را به پذیریم باید به پذیریم که آن موجودات فرازمینی آگاه و توانا که بسیار پیشرفته تر از بشر امروزی (کنونی) بوده‌اند برنامه و نیت و هدفی بسیار خوب از اجرای برنامه و کارهای خود داشتند و می‌خواستند انسان‌های متمدن و پیشرفته و کامل‌تر و دانشمند و توانا به وجود آورند نه موجودی شبه سایر جانوران و بازندگی ابتدایی و یا غارنشین و بیابان گرد و دشت‌نورد؛ زیرا مانند انسان‌های اولیه (انسان راست‌قامت و انسان ابزار و کار و بافکر و انسان نآندرتال و نادان) و دور از تمدن و غارنشین مانند سایر جانوران و شبه انسان در زمین بسیار بوده؛ و سؤال دوم تاریخ وجود و سرگذشت خود آن‌ها (فرازمینی‌ها) چه شد؟ آیا این بخشی از همان تاریخ گم‌شده نیست و چون ما پاسخ بسیاری از رخداد‌های گذشته را به‌درستی نمی‌دانیم به این‌گونه فرضیه‌ها روی آورده‌ایم.

❖ در مورد کلمه (نام) دیو یا دیوان تا خوانندگان فرهیخته و شنوندگان آن‌ها نیندیشند که دیو موجودی جدا از انسان و جدا از کردار انسان‌ها

بوده با شکل و ریخت عجیب، برای نمونه مانند گاو دوشاخ و دم داشته به جای بخشی از پاها او مانند گاو و یا خر سم داشته و بدن او مانند خرس و یا گراز پوشیده از مو و پشم بوده و دندان‌های او هم مانند دندان‌های گراز از دهانش بیرون بوده و آنگونه که گاهی در شکل‌ها و در فیلم‌ها و به‌تازگی در کارتونها نمایش می‌دهند که آن موجود از بین رفته و نابود شده و امروز دیگر نیست. در ایران باستان هر موجود و یا چیز بد و زیان‌آور برای انسان‌ها و زندگی بر کره زمین مانند فکر و اندیشه بد و کردار بد و هر چیزی که برای انسان‌ها و سایر موجودات زیان داشته را دیو و اهریمن می‌نامیدند مانند این که دیو بر شاه غالب شد و او از راه مردم دور شد مفهوم این است خرد و دادگری شاه کم شد و او راه ناراستی و ستم در پیش گرفت. آن‌ها بیداد و ستمگری و کردار دور از خرد ضحاک را نتیجه هم‌نشینی و دوستی او با ابلیس (افراد زشت‌کردار) می‌دانستند و دشمنان انسانیت را دیو و یا ابلیس و اهریمن می‌نامیدند مانند بوسه زدن ابلیس بر کتف‌های ضحاک مفهوم آن است دوستی و هم‌نشینی ضحاک با افراد بدسرشت و بد فکر و چاپلوس و گمراه‌کننده. در سرگذشت ضحاک در شاهنامه:

دل مه تراز راه نیکی ببرد	جوان گوش گفتار او را سپرد
پس اهریمن بدکنش رأی کرد	بدل کشتن جانور جای کرد
بفرمود تا دیو چون جفت اوی	همی بوسه داد بر کتف اوی

آن گونه که حکیم بلندمرتبه و سخنگوی فارسی، فردوسی بزرگ در شاهنامه و در بخش رستم و اکوان دیو، دیوان را نشان داده (شناسانیده) و نوشته:

تو مر دیو را مردم بد شناس      کسی کو ندارد ز یزدان سپاس  
 هرآن کو گذشت از ره مردمی      ز دیوان شمر مشمرش ز آدمی  
 کنون هرچه گویمش جز آن کند      نه سوگند داند نه پیمان کند  
 خرد کو بدین گفته‌ها نگرود      مگر نیک معینش می نشنود

و باز در مورد کهن و باستانی بودن جشن نوروز همان گونه که در بخش فرهنگ نیاکانی نوشته شد فردوسی در شاهنامه در بخش منیژه و بیژن می‌نویسد:

چو نوروز خرم فراز آمدش      بدان جام فرخ نیاز آمدش

ما هنوز به‌درستی سلسله پادشاهان پیشدادی از کیومرث تا جمشید و کیانیان و لهراسبی هارانی شناسیم و درباره آن‌ها پژوهش و بررسی خردمندان هم انجام نشده است در شاهنامه کشف جواهرهایی مانند زر و سیم ، یاقوت ، استخراج فلزات ، آهن و همچنین ساختن ابزار جنگی ، اهلی نمودن برخی از حیوانات ، مهار آب‌ها ، هدایت آب‌ها به جوی و کشتزارها ، ترویج کشاورزی و شناخت الیاف و رسیدن و بافتن (ریسندگی و بافندگی) پارچه‌ها و تهیه و پوشیدن لباس و پایه‌های اولیه بهداشت و دارو و درمان بیماری‌ها و بخش‌های ویژه کردن گروه‌ها مانند جنگ‌آوران، کشاورزان، پیشه‌وران...را به دوران پادشاهی سلسله پیشدادیان و جمشید نسبت داده است در زمان کنونی پایتخت هخامنشیان (پرسه پلیس) را تخت جمشید نامیده‌اند.

آیا جمشید پادشاه پیشدادی و داریوش کبیر پادشاه هخامنشی یک نفر بوده‌اند؟ که امروزه تخت جمشید را به داریوش نسبت می‌دهند یا نه داریوش کبیر هخامنشی کاخ‌های خود (پرسه پلیس) را در نزدیکی مکان سابق تخت جمشید (استخر) بنانهاده به‌درستی مدارک و اسنادی بوده که پایه و اساس نوشتن کتاب‌هایی بوده که شاهنامه با توجه به آن‌ها و مستند به آن‌ها نوشته شده است؛ که متأسفانه بوسیله سوختن کتابخانه‌های استخر و بلخ و بخارا و پرسه پلیس و تیسفون و گندی شاپور و هیرکان و سایر کتابخانه‌ها و یا به‌ویژه گاه از بین رفتن آن تمدن بزرگ از بین رفته و باید نوشت آن رخداد مخرب چنان پرتوان و فوری و آنی و دهشتناک و نابودکننده و ویرانگر بوده که هیچ سازمان و یا گروه و یا فردی زمان نوشتن و بیان و یا نشانه‌گذاری از آن رخداد را پیدا نکرده است و گل نوشته‌های پس‌از آن چون از گل خام بوده از بین رفته‌اند و گرنه چگونه ممکن است تمدن‌های بزرگی مانند تمدن‌های پیشدادیان و کیانیان و لهراسبیان و...

شهر سوخته و شهر مدینه فاضله افلاطون و شهر آتلانتیس و... نوشته و نشان نوشتاری و یا سنگ‌نوشته و سنگ‌نگاره و پیامی برای آیندگان از خود بجا نگذاشته باشند و اگر هم نشانه‌هایی باشند هنوز کشف نشده و یا در دسترس نیست و گل نوشته‌ها و گل نوشته‌های پخته کشف شده در کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده در تخت جمشید و شوش و همدان و بابل و تیسفون و مراکز دولتی چون در مکان کاخ و امور فرمانروایی (دفتر و دبیرخانه و دیوان دولت) در مرکز دولت بوده درباره امور جاری دولت و خزانه و لشگر و کشور و فرمان‌های فرمانروا و دولت است نه در مورد تاریخ و چیز دیگری بنابراین برای یافتن آن موارد باید در کتابخانه‌های همگانی آن دوره بررسی و جستجو نمود

که کتابخانه‌های همگانی از بین رفته‌اند و یا آن کتابخانه‌های همگانی هنوز کاوش و پیدا و کشف نشده‌اند و چیزی در آن موارد نوشته‌نشده و در دسترس نیست؟ بر شماست که خردمندانۀ درباره آن‌ها کاوش و پژوهش نمایید.

مورد دیگر که یادآوری آن لازم است. دیوهایی است که جمشید بر آن‌ها پیروز شده آیا دیوها همان شبه انسان‌های بدوی و وحشی و متجاوزین آفریقایی نسب بوده‌اند که زندگی جانوری داشتند و آریایی‌ها برای پیشگیری از هجوم آن‌ها در شب‌ها آتش می‌افروختند و یا انسان‌هایی از نژاد و سرزمین‌های دیگر.

### زمان اجرای جشن نوروز:

نوروز به مفهوم روز نو و نام اولین روز آغاز هر سال خورشیدی است. یک سال خورشیدی نوروزی درست مدت‌زمانی است که کره زمین بر مدار تخیلی و خمیده شکل و بسته‌ی خود یک دور کامل به دور خورشید می‌گردد. هر سال نوروزی خورشیدی برابر ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و  $\frac{۲}{۴۸}$  ثانیه است، هر شبانه‌روز مدت‌زمانی است که کره زمین دور میله تخیلی‌اش یک دور کامل به دور خود می‌چرخد و شب و روز را پدیدمی‌آورد و به آن چرخش کره زمین به دور خود می‌گویند و همیشه مدت‌زمان چرخش‌های کره زمین به دور خودش یک اندازه و یکسان است. هر شبانه‌روز درست برابر ۲۴ ساعت است و بوسیله نیاکان ما به دو بخش به نام‌های شب و روز نام‌گذاری شده است. زمان‌های روز و شب برای تکمیل ۲۴ ساعت تمام یکدیگر هستند هرروز بخشی و یا کسری از شبانه‌روز است ولی مدت‌زمان روزها و شب‌ها در سال ۱۸۲ مرتبه باهم تفاوت پیدا می‌کنند؛ و در مدت یک سال خورشیدی تنها می‌توان گفت در روز نوروز مدت‌زمان روز و شب آن باهم برابر است. نام دیگر

نوروز نخستین روز فروردین و یا... و فروردین آغازین ماه بهار و بهار آغازین گاه (موسم) هر سال خورشیدی است که همزمان با اولین (لحظه) ۱٪ ثانیه گذر مرکز کره زمین در راستای خط استوا و همسو و در سمت خورشید از برابر مرکز خورشید همسو با بخش بیرونی خورشید و به سمت خط استوای زمین گذر می‌کند به بیان ساده هسته مرکزی و پوسته زمین و بخش خارجی و مرکز خورشید در یک زمانی ویژه که مدت زمان روز و شب و بخش‌های روشن و تاریک کره زمین تنها در آن زمان باهم برابر است. در یک راستا می‌باشند این زمان (خروج کامل نیم کره جنوبی و آغاز ورود نیم کره شمالی) از مکانی به نام اعتدال بهاری در مدار زمین آغاز می‌شود گردش کره زمین بر مدار خود به دور خورشید را گردش انتقالی هم می‌گویند و پیدایش چهارگاه (موسم) سال به نام‌های بهار، تابستان، پاییز و زمستان از این نوع گردش زمین بر مدار خود به دور خورشید به وجود می‌آید. انسان در آغاز هزاره سوم با وجود مشترکات بسیار زیاد برای زمان و جابجایی و وجود دانشمندان برجسته و آگاه در دانشگاه‌ها و با بهره‌مندی از تمام ابزار و وسایل و امکانات پیشرفته مانند کامپیوترها و تلسکوپ‌ها و... هنوز نه توانسته برای سال به مدت زمان یکسانی دست یابد و زمان درست یک سال خورشیدی را محاسبه و در گاهنامه‌های خود درج نماید (از ۳۰۰۰ سال پیش تاکنون چندین مرتبه گاهنامه‌ها در زمان‌های مختلف بوسیله دانشمندان بررسی و بازنویسی و درست شده‌اند اما هنوز یکسان و کامل نیستند) و برای نشان دادن این ناهماهنگی‌ها آخرین زمان‌های بیان شده سال را از چند منبع در داخل پرانتز کپی می‌کنم (۱- در گاه‌شماری میلادی که در بیشتر سرزمین‌های دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، سال تقویمی از ۱ ژانویه آغاز شده و پایان آن برابر ۳۱ دسامبر است. این سال

۳۶۵ شبانه‌روز (۸/۷۶۰ ساعت، ۵۲۵/۶۰۰ دقیقه و ۳۱/۵۳۶/۰۰۰ ثانیه) از یک سال عادی و در صورت کبیسه بودن سال، ۳۶۶ شبانه‌روز (۸/۷۸۴ ساعت، ۵۲۷/۰۴۰ دقیقه و ۳۱/۶۲۲/۴۰۰ ثانیه) از یک سال کبیسه را در برمی‌گیرد.

۲- مدت‌زمان سال خورشیدی حقیقی در دوره‌ای ۵۰ ساله (۱۳۳۵-۱۳۸۵ ه.ش) بین ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۲ دقیقه تا ۳۶۵ شبانه‌روز و ۶ ساعت و ۴ دقیقه در تغییر بوده است. توجه داشته باشید این مقدار متفاوت با سال نجومی خورشیدی است که زمین یک دور کامل به دور خورشید می‌گردد و مدت آن ۳۶۵/۲۵۶۴/۳۶۵ شبانه‌روز معادل ۳۶۵ شبانه‌روز و ۶ ساعت و ۹ دقیقه و ۱۰ ثانیه است)

۳- سال هجری شمسی برجی از نوع سال خورشیدی نوروژی است، یعنی مدت‌زمان دو عبور متوالی مرکز (زمین) از نقطه اعتدال بهاری. مدت متوسط آن ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۲/۴۵ ثانیه اندازه‌گیری شده اما مدت سال شمسی حقیقی ثابت نیست و بر اثر تغییر برخی از پارامترهای نجومی، اندکی تغییر می‌کند.

دلیل نوع محاسبه و استفاده از لحظه تحویل سال درگاه نویسی هجری خورشیدی نوروژی در میان ۴۰ گاهنامه موجود در جهان بانام درست‌ترین گاه‌شمار موردتوجه است. توجه فرمودید که آنچه را مدت‌زمان یک سال می‌نامند با چند ثانیه اختلاف است؛ اما مکان همان مکان دو گذر متوالی مرکز کره زمین از برابر مرکز خورشیداست البته ما به دنبال تائید و یارد موارد ذکرشده نیستیم تنها می‌خواهیم بگوییم نیاکان ما در ۱۳۰۰۰ سال پیش با چه دانش و آگاهی و توانمندی و وسایل و ابزاری توانسته‌اند با انجام بررسی‌های درست، روز هرمز = اورمزد = روز نوروز = روز اول فروردین = نخستین

روز بهار و آغاز هر سال خورشیدی نوروزی و بیدار شدن دومرتبه بخشی از موجودات زنده جهان را پیدا کنند و آن را آغاز هر سال (اورمز=هرمز فروردین=نخستین روز سال) نام‌گذاری کنند به مفهوم این نیم بیت بیندیشید: **سر سال نو هرمز فرودین**. سر سال نو= اول سال و هرمز فرودین= روز آغاز فروردین مینا و پایه سال. درجایی دیدم در مورد گاه‌شمار کنونی ایران ایده‌ای داده بودند و نوشته بودند. برای "مثال، برخلاف تصور عموم، تقویمی که امروز از آن استفاده می‌کنیم، قدمت ۱۳۸۶ ساله ندارد، بلکه در همین دو قرن اخیر تدوین شده است". باید گفت نه خیر آغا این گاه‌شمار مینا و پایه ۱۳۰۰۰ ساله دارد و اگر در دوره یا دوره‌هایی افراد نادان و کم‌خرد و یا دشمنان بر سرکار بودند و این گاه‌شمار را کنار گذاشته بودند گناه از گاه‌شمار نیست از نادانی و دشمنی آن افراد با فرهنگ ایرانیان بوده:

تو خواهی به ایران کنی دشمنی ز دشمن نیاید به جز دشمنی  
 بهتر است به ذهنمان بسپاریم و بافتخار به همه آن‌ها که نمی‌دانند  
 بگوییم که بدانند. بنیان‌گذاران سال خورشیدی نوروزی که درست‌ترین  
 گاه‌شمار جهان است و اکنون هجری خورشیدی گفته می‌شود و بیشتر امور  
 جهان و کشور بر پایه آن استوار است و آغاز آن همان‌گونه که پیش‌تر نوشته  
 شد گذر مرکز کره زمین از برابر مرکز خورشید (مکان اعتدال بهاری) و یا آغاز  
 سال نو و برپایی جشن‌های نوروز است که نیاکان دانشمند ما در ۱۳۰۰۰ سال  
 پیش به آن دست یافتند و آن را آغاز و مبنای گاه‌شمار خود نمودند در آغاز و  
 پیش از ورود به بررسی مسئله بهتر است یادمان باشد که:

۱- اکنون در آغاز هزاره سوم هستیم و کتاب و وسایل آموزش و پرورش بسیار مدرن و پیشرفته، خبرسان‌های گوناگون مانند روزنامه‌ها و رادیوها و

تلویزیون‌ها و اینترنت این ابر خبررسان و ناشر آگاهی و توانایی به اتمام زبان‌ها و گویش‌ها و ارزان در همه‌جا و در دسترس همگان است. (دوره شکوفایی مغزها).

۲- در فارسی یک نمونه گفتاری داریم «معما چه حل گشت آسان شود» ابتدا اندکی به ۶ فاکتور (متغیر) لازم برای انجام کار فکر کنیم ۱- دانش و توان اندازه‌گیری درست اندازه مدار خمیده بسته‌ی تخیلی مسیر پیمایش زمین به دور خورشید در سپهر ۲- آگاهی بر این‌که برای پیمایش یکسان و یکنواخت و استوار جسم در یک مسیر همیشگی در سپهر باید شکل آن جسم کروی باشد.

۳- دست یافتن به اندازه گردش یکنواخت کره زمین در سپهر به گرد خورشید.

۴- ابزار کار.

۵- توان و دانش و آگاهی برای به‌کارگیری ابزار کار و به دست آوردن پاسخ درست و پایدار.

۶- ماندگاری (پایداری) و بزرگی کار را بنگریم و در مورد آن‌ها خردمندانه و کامل بیندیشیم و سپس همه‌جانبه و ازهرجهت با نگرستن به تمام متغیرها و انجام اندازه‌گیری‌های درست انجام‌شده در ۱۳۰۰۰ سال پیش خوب فکر کنیم و ژرف بیندیشیم که نیاکان دانشمند و خردمند ما نزدیک ۱۳۰۰۰ سال پیش چگونه و با چه دانشی و چه ابزارهایی این زمان و آغاز و مدت زمان درست یک سال نوروزی خورشیدی را اندازه‌گیری و به آن‌ها دست یافتند آیا نمی‌پذیریم که آن‌ها در دانش و آگاهی و خرد از ما پیشرفته‌تر بودند. دانش و آگاهی و توانایی اندازه‌گیری مدار زمین در آسمان و شتاب جابجایی کره زمین بر مدار خود و این‌که برای پیشروی یکسان و یکنواخت جسم در آسمان

شکل جسم باید کروی شکل باشد آن هم در دوره‌ای که ما می‌دانیم آن زمان و همچنین ۱۰۰۰۰ سال پس از آن نزدیک ۳۵۰ سال پیش از میلاد مردم و بسیاری از دانشمندان می‌پنداشتند زمین ساکن و تخت است و خورشید به گرد زمین می‌چرخد... و یا زمانی که دیگران نه تنها از دانش و آگاهی و تمدن بی‌بهره بودند آن‌ها از شناخت رخدادهای مکان زیست همگانی و سبب رخدادهای روی زمین دوروبر خود بی‌خبر بودند و برخی از رخدادهای امور را به سحر و جادو و جن و پری نسبت می‌دادند موجب می‌شود که بنویسم ما به نیاکان دانشمند و آگاه و خردمند خود افتخار می‌کنیم و باید افتخار کنیم. اگر می‌خواهی بزرگی کار آن‌ها را بدانی اندکی خردمندانه فکر کن و بیاندیش و بسنج. ما در این زمان که فکر می‌کنیم خیلی پیشرفته‌ایم و می‌گوییم پیشرفت هم کرده‌ایم گاهی ما و همه همسایگانمان که نزدیک به یک‌پنجم جمعیت انسان‌های روی زمین می‌شویم با ابزار و وسایل پیشرفته کنونی هنوز نمی‌توانیم گردش ۲۹ و یا ۳۰ روزه ماه را به دور زمین درست پیش‌بینی کنیم شاید این نوشته‌ها ما را به فکر وادارد و آغازی برای بازنگری در دانسته‌ها و باورهایمان باشد شاید فکر کنیم و دریابیم زمان آن است که برای انجام کاری بزرگ عینک‌هایمان را (روش تفکر و باورها و بینشمان را) تغییر دهیم.

### جشن‌های نوروزی:

جشن‌های نوروز با آغاز هر سال خورشیدی نوروزی و در روز اول بهار آغاز می‌شوند و بر پایه ساختار وزندگی گروه‌ها کم‌وبیش تا پایان روز سیزده فروردین و گاهی تا بیستم فروردین ماه ادامه‌دارند. در کشور ایران از زمان‌های بسیار دور و گذشته (۱۳۰۰۰ سال پیش) بوسیله فرهنگ مردمی و سپس قانونگذاران بنا بر خواسته مردم چهار روز آغاز سال خورشیدی از اول بهار را

برای برگزاری بهتر مراسم جشن نوروزی تعطیل رسمی اعلام نموده و برای برگزاری و شادمانی و اجرای بهتر این مراسم باشکوه و باستانی نیاکان پرافتخارمان، امکان‌ها و راه‌کارهایی را پیش‌بینی نموده‌اند مانند پرداخت عیدی به افراد مزدبگیر و کسبه و یا تعطیلی مراکز آموزشی تا روز چهاردهم فروردین برای آسایش و شادی بچه‌ها و دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان و مسافرت‌ها و دیدوبازدید خانواده‌ها.

**جشن نوروز:** جشن نوروز باستانی که یادگار نیاکان پرافتخار ما است و به آن‌ها و آن افتخار می‌کنیم که باید هم افتخار کنیم زیرا اگر خردمندان و همه‌جانبه‌درباره آن بیاندیشم و در مورد این جشن باشکوه پژوهش و بررسی همه‌جانبه انجام دهیم خواهیم دید که نه‌تنها مایه افتخار و سربلندی ملت ایران و مردم فلات ایران بلکه همه مردم و سازمان جهانی است. برابر بررسی‌ها و اسناد و مدارک موجود و نشانه‌های به‌جامانده از آن تمدن بزرگ مانند نوشته‌های شاهنامه و نشانه‌های به‌دست‌آمده در برخی از جاهای زمین مانند نقشه پیر رئیس و نقشه (هوایی از منطقه قاهره) و وجود سنگ‌هایی به وزن ۲۰۰ تن در دیوار ساخته بشر در کف دریاها... و نقشه هوایی... به این نتیجه می‌رسیم که در زمان‌های گذشته دور بشر متمدن پیشینی می‌زیسته که از بشر کنونی بسیار پیشرفته‌تر بوده. به این امید که دانشمندان و پژوهشگران و صلح‌بانان ملت‌های گیتی را در مورد گذشته بشریت و رخدادهایی که در جهان برای انسان‌های پیشین رخ داده و سبب از بین رفتن آن تمدن بزرگ‌شده را به فکر انداخته تا آن رخدادها را شناسایی نمایند و شاید بتوانند از تکرار دوباره آن‌ها پیشگیری نمایند.

سنجش با سایر جشن‌ها: جمشید یکی از پادشاهان سلسله پیشدادیان و بنیان‌گذار جشن نوروز نزدیک به ۱۳۰۰۰ سال پیش می‌زیسته و سرگذشت منیژه و بیژن نوشته‌شده در شاهنامه فردوسی در زمان کیخسرو از پادشاهان کیانی نزدیک به ۱۲۰۰۰ سال پیش بوده است آیا نزدیک به ۱۳۰۰۰ یا ۱۲۰۰۰ سال استواری (بدون تغیر از دیدگاه زمانی) یکسانی و پایداری و کهن و باستانی بودن کم است کدام مراسم و جشن کهن‌تر و باستانی و پایدار و استوارتر از جشن نوروز است؟

**دلیل‌های نابودی آن تمدن پیشرفته (فرضیه‌ها):** ممکن است سؤال پیش آید پس اگر ایرانیان (بشر) آن اندازه که گفته شد در تمدن و دانش پیشرفته بودند چرا آن‌ها و تمدن انسانی بازگشت کردند؟ چرا دومرتبه از تمدن آن اندازه دور شدند که به بربریت وزندگی بدوی و غارنشینی روی آوردند؟ پاسخ: فرضیه‌ها و رخداد‌های گوناگون را می‌توان برشمرد.

مانند: ۱- پیدایش بیماری‌های گوناگون و ناشناخته برای آن‌ها که از ترکیب دو یا چند ویروس در مکان زیست همگانی به وجود آمده باشند و یا بوسیله خود آن‌ها در آزمایشگاه‌های آن‌ها تولیدشده بود که پس از تولید (از کنترل آن‌ها خارج شده باشند) فرار کرده و پراکنده شده باشند نمونه، برابر برخی از نوشته‌ها ویروس-HIV در این زمان و ویروس کرونا.

۲- درگیری و آغاز جنگ‌ها از جمله جنگ‌هایی مانند جنگ اتمی و شاید مخرب تراز آن، آیا رویارویی و بلوک‌بندی و ضرادخانه‌های اتمی و... خطر جنگ هسته‌ای بشر این دوره را تهدید به نابودی نمی‌کند؟ مگر نه خواننده و یا نشنیده‌ایم که در کره زمین ۱۹۰۰۰ کلاهک اتمی وجود دارد که برای ۲۰ مرتبه نابودی زندگی بر روی زمین کافی است آیا فکر نمی‌کنیم که روزی به

دلیل یک اشتباه و ناخواسته، فردی نابودی زندگی در کره زمین را دوباره کلید بزند... آیا نشنیده‌ایم که گفته‌اند برای بشر جنگ پس از جنگ جهانی سوم جنگ با چماق خواهد بود مفهوم آن است که انسان‌ها با دانشمندان و دانش و تمدن و کلیه ابزار و وسایل ساخته بشر و بسیاری از جانداران به‌طور کلی نابود خواهند شد و چنانچه انسان‌هایی دور از تمدن در مکان‌های دورافتاده کره زمین زنده بمانند و به توانند نسل و شمار خود را افزایش دهند مانند پیش از دوران دومرتبه زندگی و پیشرفت را از سر می‌گیرند.

۳- کشته شدن دانشمندان و نابودی دانش و توانایی در جنگ‌های بین ملت‌ها و سوزاندن کتابخانه‌ها و کشتن دانشمندان و نابودی تمدن‌ها. اگر تاریخ همین یکی دوهزارساله گذشته را بررسی نماییم می‌بینیم بر اثر جنگ‌ها و پیروزی مردمان دور از تمدن و بدوی چه اندازه کشتارهای کلی و جاهلانه، گسترده‌ی همگانی و آتش زدن و سوزاندن کتابخانه‌ها رخ داده است و بسیاری از دانشمندان که نه‌تنها در جنگ شرکت نداشتند بلکه آن‌ها که از میدان جنگ‌ها به دور بودند با رخداد جنگ کشته‌شده یا مرده‌اند. آیا نخوانده و نشنیده‌ایم که پس از پیروزی قومی بر قوم دیگر ماه‌ها (مدت‌ها) آب گرمابه‌های پیروز شدگان با سوزاندن کتاب کتابخانه‌های شکست‌خوردگان گرم می‌شد و برای نابودی کتاب‌ها و کتابخانه‌ها و فرهنگ و نوشته‌های آن‌ها از کتاب‌های شکست‌خوردگان به‌جای هیزم (مواد سوخت) استفاده می‌شده.

۴- برخورد سیاره‌ها و یا سیارک‌ها به کره زمین و جابجایی شدید و مخرب صفحات تک تونیک زمین متأسفانه در مواردی مانند آنچه گفته شد چرا انسان دومرتبه از تمدن دور شد پژوهش‌های درست و کافی و مناسبی انجام نه شده ولی خوشبختانه در وسایل خبررسانی همگانی بین‌المللی گاهی برنامه‌هایی

جزئی برای این‌گونه پژوهش‌ها مشاهده می‌شود؛ بنابراین آگاهی ما بسیار کوچک‌تر از اندازه رخداد و کم و ابتدایی است.

۵- ممکن است رخداد‌های بسیار بزرگ طبیعی مانند زلزله‌ها و یا حرکات بسیار بزرگ درون جبه زمین موجب نابودی آن تمدن باشند نشانه‌های آن‌هم برخی چین‌خوردگی‌های زمین و ایجاد برخی کوه‌هایی که روزی بستر دریاها بوده‌اند و یا بستر برخی از دریاها که زمانی بخشی از خشکی‌ها بوده‌اند.

۶- عواملی که موجب نابودی بسیاری از موجودات روی کره زمین شده است ممکن است موجب نابودی آن تمدن‌ها شده باشد.

### برخی از نیکویی‌های جشن نوروز:

۱- تمیزکاری و زیباسازی همگانی و مکان‌های زندگی همگانی مانند خانه‌های مردم و دفاتر مکان کار و کسب و مکان‌های همگانی شهری مانند زیباسازی و درخت‌کاری و گل‌کاری پارک‌ها و خیابان‌ها و درخت‌کاری کشاورزان روستایی در زمین‌های خود.

۲- شکوفایی کسب‌وکار.

۳- پاسداری از فرهنگ و خبرگیری و خبررسانی.

۴- انسانیت و بشردوستی (کمک به دیگران).

۵- شادی و شادمانی مردم و دیدوبازدیدها و استواری پیوندها و دوستی‌ها.

۶- برنامه‌ریزی و آغاز اجرای برنامه‌ها در سال جدید است.

۱- **تمیزکاری:** تمیزکاری از مدتی مانده به آغاز سال نو و جشن نوروز از زمان برگزاری جشن سده همه مردم برنامه‌های آراستن خانه‌ها (خانه‌تکانی) و زیباسازی مکان‌ها را آغاز می‌کنند و تا فرارسیدن جشن

نوروز تمام اسباب و وسایل و فرش‌ها و دیگر لوازم خانه را تمیز نموده و می‌شویند و خانه‌ها را به بهترین شکل ممکن می‌آرایند. در زمان‌های گذشته دور هر سال همه مردم با گچ کاری و یا دوغاب گچ و در برخی از جاها که تهیه گچ ممکن نبود و یا گچ کم بود با دوغاب گل سپید. گل سپید نوعی گل معدنی است که تا دهه‌های ۷۰ نقاشی‌های ساختمان‌ها از آن برای سپید کاری سقف خانه‌ها و تاکنون هم در برخی از مکان‌ها شهرداری‌ها برای رنگ کاری و یا زیباسازی دیوارها استفاده می‌نمایند که بسیار سپید و مناسب است و دیوارها و سقف خانه‌ها را سپید و تمیز می‌کردند ولی از نزدیک به ۱۰۰ سال پیش تاکنون که رنگ‌های بهتر و آماده و تولیدشده در کارخانه‌های رنگ‌سازی به بازار آمده رنگ‌آمیزی و نقاشی ساختمان‌ها و زیباسازی سقف خانه‌ها و در و دیوارها بوسیله نقاشی‌های ساختمانی چیره‌دست انجام می‌شود؛ همچنین شهرداری‌ها و بخش‌داری‌ها با چمن کاری و گل کاری پارک‌ها و بلوارها و هر جا و مکان همگانی که امکان چمن کاری و گل کاری و درخت کاری و زیباسازی باشد شهرها و بخش‌ها را می‌آرایند و زیبا می‌کنند؛ و اداره‌های راه به مرمت اسفالت جاده‌ها و اتوبان‌ها می‌پردازند و خط‌کشی آن‌ها را تمدید می‌کنند

## ۲- شکوفایی کسب‌وکار: در زمان‌های گذشته پیش از دگرگونی و

صنعتی شدن جهان که دارایی و درآمد مردم و خانواده‌ها بیشتر بر پایه دامداری و کشاورزی استوار بود زمان نوروز آغاز انجام امور کشاورزی و تولید و زمان روییدن گیاهان و بهبود و خوب شدن سبزه‌زارها و چراگاه‌ها و زاییدن و افزایش شمار دام‌ها و در نتیجه افزایش دارایی‌ها و شکوفایی کسب‌وکار آن‌ها

بود همچنین نوروز زمان آغاز کارهای کشاورزی و سپس برداشت تولیدات آن‌ها و شادمانی مردم آن دوره‌ها بود. اکنون که بیشتر کسب و کار و امور مالی بر پایه و مبنای بازرگانی، خرید و فروش و تولیدات کارخانه‌ها و بازارها، توریست و مؤسسات خدماتی است کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، بنگاه‌های تولیدی، فروشگاه‌ها، بازارها، هتل‌ها، متل‌ها، مسافر پذیراها، رستوران‌های شهری و جاده‌ای، شرکت‌ها و بنگاه‌های ترابری هوایی، زمینی، دریایی خود را برای پذیرش و پذیرایی از مسافران نوروزی آماده می‌کنند و مسئولین در استان‌ها و شهرها و سازمان‌ها گروه‌هایی را برای پیش‌بینی و تهیه کالا و خدمات موردنیاز مردم و... تشکیل می‌دهند تا کالای موردنیاز مردم را فراهم آورند. فروشگاه‌های گوناگون کوچک و بزرگ و بنگاه‌ها و دلال‌ها و خدماتی‌ها و همه کاسب‌ها به‌ویژه دوزندگان لباس و کیف و کفش و شیرینی‌پزی‌ها و شیرینی‌فروشی‌ها و آجیل و خشکبارفروشی‌ها و میوه و تر بارفروش‌ها و دیگران برنامه‌های ویژه‌ای را به مناسبت فرارسیدن نوروز و آغاز سال نو و ارائه هرگونه کالا و خدمات در راستای شغل خود را برای همه مردم اجرا می‌کنند. تهیه و فروش صنایع دستی و سوغات بسیار زیاد و کسب و کار شکوفا و همه مردم شاد می‌شوند همچنین از مدت‌ها پیش از فرارسیدن نوروز مردم باکمال شادی و مسرت برای خرید و تهیه هرگونه شیرینی و خشکبار و میوه و لباس‌های نو برنامه‌ریزی می‌کنند و برابر برنامه در زمان مناسب خریدهای پیش‌بینی‌شده را انجام و به‌ویژه دوخت و تهیه لباس‌های نو را سفارش و یا خریداری می‌کنند و بسیاری از مردم اسباب و وسایل و لوازم خانه‌ها را نو و تازه خریداری می‌کنند. با توجه به برنامه‌های خوب نوروزی از مدت‌ها پیش از مراسم شکوهمند جشن نوروز سرمایه‌های

بیشتری به گردش درآمده و کسب و کار در همه زمینه‌ها شکوفا و موجب شادی مردم می‌گردد.

### ۳- خبرگیری و خبررسانی: انجام مراسم خبرگیری و خبررسانی

نوروز دو بخش است. ۱- خبررسانی آماده شدن برای اجرای مراسم جشن نوروز و سال نو (پیک نوروز) ۲- خبرگیری و خبررسانی همگانی در مورد امور گروه‌ها و کشور و برنامه‌های آن‌ها: از مدتی پیش از زمان برگزاری جشن‌های نوروز مردم هر کشور و شهر و روستا بنا بر رسم و آداب و فرهنگ خود به روشی ویژه خبررسانی و شادی می‌کنند و پیشاپیش آمدن بهار و سال نو و نوروز را به آگاهی دیگران می‌رسانند تا همه خود را برای برگزاری جشن نوروزی آماده نمایند از جمله این مراسم خبررسانی‌ها:

- ۱- برگزاری جشن سده.
- ۲- در برخی از شهرها و بین روستاییان و ایلات مراسم تکه (تکم) گردانی.
- ۳- در برخی از گروه‌ها و استان‌ها مراسم نوروز خوانی.
- ۴- در بسیاری از شهرها و روستاها مراسم حاجی‌فیروز (پیک نوروز).
- ۵- در سرتاسر ایران برگزاری مراسم همگانی و باشکوه چهارشنبه‌سوری می‌باشند و... برای نمونه برخی از آن مراسم خبررسانی را یادآوری می‌کنیم.

۱- جشن سده: جشن سده از جشن‌های ایران باستان و یادگار دوره پیشدادیان است و بنیان‌گذار جشن سده هوشنگ یکی از پادشاهان سلسله پیشدادی است. او به مناسبت کشف و کنترل آتش که اولین وسیله پیشرفت بشر و نشانه تمدن و برتری انسان بر سایر جانوران است و بهره‌برداری بهتر از

اتش برای زندگی انسان‌ها این جشن را پایه‌گذاری کرد. حکیم دانا فردوسی بزرگ در شاهنامه درباره جشن سده چنین نوشته:

ز هوشنگ ماند این سده یادگار      بسی باد چون او دگر شهریار  
کز آباد کردن جهان شاد کرد      جهانی به نیکی از او یادکرد

جشن سده یکی از جشن‌های مهم ایران باستان و ایرانیان است این جشن بدان جهت سده نام دارد که پنجاه روز و پنجاه شب‌مانده به آغاز سال نو و مراسم جشن نوروز برگزار می‌شود. چون افزون برهم زمانی با کشف و کنترل و بهره‌برداری نیکو از آتش با توجه به آب‌وهوا و مکان از پنجاه روز مانده به نوروز هوا به سمت گرم شدن می‌رود؛ و به باور کشاورزان و گله‌داران که بسیار درست هم است زمین نفس می‌کشد (زمین گرم می‌شود) و برخی از درختان و گیاهان کم‌کم از خواب زمستانی بیدار می‌شوند و اندک‌اندک کوچک (جوانه) می‌زنند. نمونه گفتاری است که می‌گویند ۵۴ آب می‌رود به دار (دار=درخت و گیاه) مفهوم آن است که در روز ۵۴ زمستان همه درختان از خواب زمستانی بیدار شده و آب‌گیری می‌کنند مراد این است که کم‌کم درختان و گیاهان آب را از زمین جذب نموده و به سمت سایر بخش‌ها می‌برند و زندگی را دوباره آغاز می‌کنند تا در زمان نوروز همه سبز شوند و گل و شکوفه داشته باشند؛ و بسیاری از گیاهان چرخه رویدن و سبز شدن را آغاز می‌کنند تا در نوروز همه جا سبز و زیبا و خرم و خوشایند و هوا تمیزتر باشد.

برگزاری جشن سده آغازین خبررسان برای آماده شدن برای برگزاری مراسم شکوهمند جشن نوروز باستانی است (شاهنامه).

اینک بیامده به پنجاه روز پیش      جشن سده طلایه نوروز و نوبهار

داریوش سوم هخامنشی در آخرین ساعت زندگی به فکر ایرانیان و ادامه ملیت ایرانیان است و آزادی دومرتبه ایران را از راه نجات فرهنگ می‌داند بنابراین به تمام همراهان خود و اسکندر کسی که فکرمی کرد جانشین او است سفارش می‌کند که جشن‌های سده و چهارشنبه‌سوری و نوروز و مهرگان را پاسداری و بسیار خوب برگزار کنند و برای انجام این کارها و نجات مردم و فرهنگ کشورش به اسکندر که جوان مجردی بود پیشنهاد و سفارش می‌کند که با دختر او به نام روشنگ که دوشیزه‌ای بسیار دانا و باسواد و خردمند و آگاه و کاردان و زیبا و مرتب است ازدواج کند و می‌گوید که او (روشنگ)

بگیردهمی زند و استابه‌مشت	بیاراید این آتش زرد هشت
همان فر نوروز و آتشکده	نگه دارد این فال و جشن سده
بشوید به آب خردجان و چهر	همان اورمزد و همان روز مهر

### تکم گردانی:

پیش از بیان تکم گردانی نخست باید بدانیم که تکه اسم است و به مفهوم تک و بی مانند بودن است؛ و آن نام بز نر بزرگ و درشت‌هیکل و بلندبالا و دلیر و نترسی با شاخ‌های بلند و ستر است که به دلیل درستی و ویژگی هیکلش همیشه در بین سایر بزها و گوسفندان خودنمایی می‌کند و همیشه پیشاپیش گله گوسفندان پیشرو است و بیشتر گله‌داران و چوپان‌ها زنگ بزرگی با آوای بلند و رسا بر گردن آن می‌آویزند در ایل‌ها و گروه‌های گله‌دار و گویش‌های گروه‌های گوناگون بانام‌های متفاوتی مانند تکه و یا دو بر (دور بر) و یا سرکش و یا نو خرام (نخراز هم می‌گویند) و یا پیشرو ... نامیده می‌شود.

به‌ویژه چوپان‌ها به جهت نترسی و روش رفتاری به دلیل کمک به آن‌ها در هدایت و جابجایی گله به دیده تحسین به او می‌نگرند و او را بیشتر دوست دارند. در هنگام گذر گله از رودخانه‌های بزرگ و یا مسیرها یا گذرگاه‌های سخت در کوهستان‌ها و یا در زمستان که برف زیادی باریده و سایر گوسفندان از رفتن و گذر از رودخانه و یا گذرگاه سخت و یا پیشروی در برف خودداری می‌کنند چوپان‌ها تکه را به سمت مسیر دلخواه هدایت می‌کنند تا او پیشروی و رفتن در مسیر دلخواه چوپان را آغاز کند و با رفتن و پیشروی تکه سایر گوسفندان هم به دنبال او می‌روند و کار چوپان‌ها آسان‌تر می‌شود. حرف «م» در آخر اسم تکم. م مالکیت است =تکه من =تکم در مراسم تکم گردانی فردی هنرمند و دارای تجربه و آشنا به فرهنگ مردم که با گله و گوسفندداری آگاهی کامل دارد. با چوب و پارچه مجسمه‌ای زیبا شبیه تکه درست می‌کند زنگوله‌ای بر گردن آن می‌آویزد و برای جلب‌توجه پارچه سرخ و خوش‌رنگی برپشت آن و منگوله و یا زنگوله‌های دیگری برای ایجاد آواهای خوش و ایجاد هیجان بیشتر به بدن و پاها و دور تخته چوبی زیر آن می‌افزاید و آن را بوسیله میله‌ای متحرک در جهت بالا و پایین‌بر روی تخته‌ای چوبی و گرد و یا چهارگوش که ثابت و منگوله و زنگوله‌هایی از آن آویخته است می‌گذارد لباسی بومی (محلی) نو و بسیار زیبا و ویژه‌ای می‌پوشد به همراه یکی یا دو نفر از هنرمندان بومی که آن‌ها نیز لباس‌های بومی نو و زیبا پوشیده‌اند و با ابزارهای موسیقی بومی مانند ساز و دهل و یا داریه‌زنگی و یا تنبک و یا نی و یا نوعی دهل و دوتار یا سه‌تار ماهرانه آهنگ‌های شاد می‌نوازند. در شهر و کوی و برزن و روستاها و کوچه‌ها و مکان سکونت مردم راه می‌روند و موسیقی‌های شادی‌بخش می‌نوازند آوای موسیقی شاد و دل‌نشین هنرمندان نوازنده گروه و

ترانه و سرودخوانی تکم چی (تکم گردان) همزمان با حرکات موزون تکم که تکم چی آن را بوسیله پایه‌ای میله‌ای شبیه پیستون در محفظه‌ی سیلندر مانند تخته ثابت، تکم را بالا و پایین حرکت می‌دهد آوای زنگوله‌ها و آواز شاد و دل‌نشین فرد تکم چی و موسیقی خوب و شاد نوازندگان مردم را از آمدن نوروز باخبر می‌کند و مردم با دیدن مراسم تکم گردانی پیش گروه تکمچی گرد هم می‌آیند برخی با آن‌ها همراه و راه می‌روند و به شادی و ترانه‌خوانی می‌پردازند گاهی مردمان هنرمند و شاد به وجد می‌آیند و با رقص‌ها و ترانه‌های بومی، شادی و مسرت و خنده دیگران را دوچندان می‌کنند. مردم گروه تکم چی را بسیار دوست دارند و می‌ستایند و این کار تکم گردانی با توجه به بزرگی و یا کوچکی مکان سکونت مردم و روستا و شمار خانواده‌ها تا چندین روز ادامه دارد تکم گردانی در بسیاری از استان‌ها و شهرهای کشور مانند آذربایجان‌ها و اردبیل و تبریز و خراسان و... رواج دارد.

**نوروز خوانی:** نوروز خوانی بیشتر در استان‌های شمالی مرسوم است و اجرای مراسم آن به این شیوه است کمترین شمار افراد نوروز خوان باید ۳ نفر از افراد آشنا به فرهنگ و هنرمند و خوش‌برخورد و خوش‌چهره و فرهنگ دوست باشند لباس‌های نو و سنتی و بومی زیبایی می‌پوشند یک نفر که باید باسواد و آوای خوب و گیرا و رسا و دل‌نشینی هم داشته باشد سردسته می‌شود سردسته سرودهایی را درباره آداب و رسوم مردم و جشن نوروز و بهار با آوای بلند و رسا در بین گروه و مردم می‌خواند و گاهی دلاوری‌های پهلوان‌ها و مردم خود را هم می‌ستاید و چاشنی آن می‌کند کار نوروز خوانی را از ۲۰ تا ۱۵ روز مانده به سال نو آغاز می‌کنند و خود را پیک جشن نوروز و بهار می‌دانند و آمدن سال نو و جشن نوروز و نوبهار را به مردم مژده می‌دهند تا

مردم خود را برای برگزاری مراسم نوروز آماده نمایند یک نفر موسیقی‌دان هنرمند و آشنای کامل به ساز زنی هم ساز می‌نوازد و نفر سوم هم که آشنایی کامل به مکان دارد درحالی‌که یکی از سازها را ماهرانه می‌نوازد و کوله‌پشتی نو و زیبایی برپشت دارد چنانچه مردم هدیه‌ای به آن‌ها بدهند هدایا را دریافت می‌کند هنرمندی و هنرنامایی و کاردانی و هماهنگی این گروه مردمی و اجرای برنامه‌های هنرمندانه و خوب و شاد آن‌ها موجب گرد هم آمدن مردم و شادی و مسرت و خنده و رقص و پای‌کوبی و سرگرمی مردم می‌گردد، مردم گروه نوروز خوانی را بسیار دوست دارند و به آن‌ها نیکی فراوان می‌کنند؛ و با میل و شادی هدایایی به آن‌ها می‌دهند البته برخی از گروه‌های نوروز خوان نوازنده ساز ندارند ولی به‌جای آن نی یا دف می‌نوازند برخی از گروه‌ها که شمار بیشتری دارند سازو دهل و دف و نی هم دارند. این‌جانب با دو نفر از سرکرده‌های گروه‌های نوروز خوان که دوستی و هم‌نشینی و پژوهش کردم می‌گفتند هدف اجرای این مراسم زنده نگه‌داشتن فرهنگ و سنت‌های ۳۰۰۰ یا ۴۰۰۰ ساله است نه دریافت هدیه، ما بیشتر این هدیه‌ها را که دریافت می‌کنیم به افرادی کم‌توان که خود می‌شناسیم هدیه می‌کنیم تا همه نوروزی شاد داشته باشیم.

**حاجی‌فیروز:** (پیک نوروز): نام پیشین حاجی‌فیروز، پیک نوروز بوده و همان‌گونه که بسیاری از کلمات و روش بیان و گویش آن‌ها درگذر زمان دگرگون شده پیک نوروز هم به حاجی‌فیروز تبدیل شده است. پیک نوروز هم نمونه‌ای از نوروز خوانی و خبررسانی و شاد نمودن مردم بوده که به حاجی‌فیروز مشهور شده است. شمار نفرات گروه حاجی‌فیروز از ۳ نفر هنرمند حرفه‌ای و موسیقی‌دان چیره‌دست و توانا تشکیل می‌شود در این گروه هم یک

نفر سازی نوازده یک نفر دهل می‌نوازد و یک نفر که به او حاجی‌فیروز می‌گویند و لباس سرخ‌رنگ نسبتاً گشاد و بسیار زیبایی با ۲ و یا ۳ ردیف نوارهایی بارنگ زیبا و دل‌نشین ولی رنگ دیگری جدا از رنگ بوم لباس‌ها و زری‌دوزی شده بر دور گردن و سراسترین دست‌ها و دور پاچه شلوارش بر تن دارد و کلاه گنبدی و یا مخروطی شکل بلندی که آن‌هم نوارهای زری‌دوزی دورتادور دارد و گاهی منگوله زیبایی از بالای آن آویخته است بر سر دارد و دست‌ها را از مچ تا نوک انگشتان و رخ خود را از گوش راست تا گوش چپ و از بالا از جای رویش موهای سر تا زیر چانه بوسیله کرم سیاه‌رنگی که برای پوست و سلامتی او زیان نداشته باشد و به سهولت بوسیله پارچه و آب تمیزی شود کامل سیاه می‌کند در این روش و گریم شده سپیدی دندان‌ها و چشم‌های او و رفتاری که گاهی با لب‌ها و چشم‌ها انجام می‌دهد بسیار جالب و سپیدی چشم‌ها و دندان‌ها جلب توجه می‌کند او در نواختن داریه‌زنگی بسیار استاد و چیره‌دست است با در دست داشتن داریه‌زنگی و نواختن آن و خواندن ترانه و سرودهایی درباره بزرگداشت جشن نوروز و بهار زیبا و دانس به رفتارهای موزون می‌پردازد. آوای نواختن سازهای شاد و موردپسند مردم و هماهنگی هنرمندانه و کامل و ماهر این گروه باهم و با مردم سبب شادی و مسرت مردم می‌شود و آمدن سال نو و جشن نوروز را خبر می‌دهند مردم گروه حاجی‌فیروز را خیلی دوست دارند و آن‌ها را یاری و به آن‌ها نیکی می‌کنند فرد حاجی‌فیروز خودش می‌خواند و خودش جواب خود را می‌دهد و می‌رقصد و یا گاهی برخی از مردم و یا رهگذران در خواندن و جواب دادن او را همراهی می‌کنند برخی از گفته‌ها و سرودهای حاجی‌فیروز خوانی به این گونه است. حاجی‌فیروزه، بلی، پیک نوروزه، بله عید نو روزه، بله... سالی چندروزه

بله... حاجی فیروز آمده. پیک نوروز آمده، عید نوروز آمده. خوب و پیروز آمده شادوشنگول آمده. امسال آدمم با ساز و با داریه و تنبور. خوشحالی دارم برای تون هر جور. او نهم جورواجور ارباب خودم سمبلی علیکم. ارباب خودم سر تو بالا کن ارباب خودم من نگاه کن ارباب خودم یک تکه قندی ارباب خودم به که می خندی؛ اما برخی می گویند چرا نمی خندی و... (سمبلی علیکم = سلام علیکم و سر تو = سرت را و یک تکه قندی = مانند یک تکه قند شیرین و خوب و دوست داشتنی هستی). ناگفته نماند گاهی هم گروه حاجی فیروز از دو نفر هنرمند که یکی تنبک می نوازند و دیگری با همان شکل و شمایل حاجی فیروز ولی ساده تر نمایش حاجی فیروز را با همان سرودها اجرامی کند و در خیابانها و کوی و برزن و کوچهها مراسم حاجی فیروز را اجرا و انجام می دهند و موجبات شادی و سرگرمی و خوشحالی مردم را فراهم می کنند و مردم هم این گروههای بزرگ و یا کوچک حاجی فیروز را بسیار دوست دارند و یاری می کنند و به آنها هدیه می دهند.

در مورد **چهارشنبه سوری** تا اندازه ای در بخش (نخست) خبررسانی شد. **دادستانی و دادخواهی:** یکی دیگر از خوبیهای خبرگیری و خبررسانی جشنهای نوروز دادخواهی و دادستانی در هنگام اجرای این جشنها بوده است از همان زمانهای گذشته و در زمان نوروز پادشاهان و فرمانداران خارج از مکان تالارهای کاخ مانند باغ کاخ و یا مکان دیگری که جشنها و دیدارهای همگانی در آنجا انجام می شد بارعام می دادند و به دادخواهی مردم می نشستند و همه مردم را از هر ملیت و هر گروه به دربار می پذیرفتند و یا در مکان پرفت و آمد شهر بارعام می دادند تا مردمی که در بین دو بار عام ستمی به آنها رسیده بود و مسئولان در انجام دادخواهی کوتاهی نموده بودند بتوانند به

دادخواهی نزد شاه و یا فرمانروا بروند و در این مراسم خود شاه و یا فرماندار بجای دادستان دادستانی می‌کردند و بدا به روزگار قاضی و یا مسئول دولتی که رشوه گرفته بود و یا در انجام امور کوتاهی کرده بود. در شکل زیر کمبوجیه دوم پادشاه هخامنشی را به جای دادستان می‌بینید، فردی در زمان بار عام پیش شاه آمد و از ستمی که بر او وارد شده بود و قاضی با دریافت رشوه از فردی که بر او ستم روا داشته بود و در رسیدگی و دادخواهی کوتاهی کرده بود شکایت کرد



کیفر قاضی فاسد بدست کمبوجیه

شاهنشاه کمبوجیه دوم به روش جاری دستور پذیرایی از ستمدیده را داد و خودش بوسیله پیک ویژه آن قاضی را خواست و رسیدگی به شکایت و کار دادخواهی آن ستم دیده را آغاز نمود در جریان دادرسی ثابت شد که قاضی با دریافت رشوه حکم ناروا صادر کرده است و حق را به حق دار نداده پس از اثبات گنه کاری قاضی، کمبوجیه دستور داد قاضی متخلف را به جزای کارش برسانند و از پوست قاضی بیدادگر برای صندلی قضاوت روکشی تهیه کنند. تا قاضی‌های پس از او که برمکان و جای داوری می‌نشینند با دیدن آن پوست نتیجه حکم ناروا و رشوه‌خواری و ستمکاری را ببینند و با دادگری رفتار کنند. استانداران و بخشداران به‌نوبه خود به همان روش در میدانگاه شهر و روستا به دادخواهی می‌نشستند و کسانی که در سرزمین‌های فرمانروایی آن‌ها ستمی بر آن‌ها روا شده بود و یا اموال و دارایی آن‌ها بوسیله دزدان و راه زنان ربوده شده بود و به هر دلیل از سوی مسئولان در سرزمین و مکان زندگی آن‌ها خوب رسیدگی نشده بود و یا از سوی مسئولان دولتی ستمی بر آن‌ها رفته بود و یا فرمانداران و بخشداران و مأموران دولتی با آن‌ها بدرفتاری نموده بودند برنامه‌ریزی می‌کردند و در زمان نوروژ و یا زمان‌های دیگر به دادخواهی پیش استاندار و در صورت رسیدگی نکردن پیش شاه می‌رفتند و شاه خود رخ‌به‌رخ به کار و دادخواهی آن‌ها رسیدگی می‌کرد و بدا به حال آن مسئول که سستی نموده بود البته تنها روش دادخواهی‌ها این نبود که همه دادخواهی‌ها در زمان جشن‌های نوروژ و مهرگان و آبانگان باشد آن‌هایی که در نخست، پیش بخشداران و استانداران رفته بودند و به هر دلیلی کسی به داد آن‌ها نرسیده بود در زمان‌های دیگر مانند جشن مهرگان و سایر زمان‌ها و هنگام دیدارهای همگانی نزد شاه می‌آمدند. در تاریخ نوشته است که خسرو انوشیروان در

تیسفون (پایتخت ساسانیان) در میدان گاهی بزرگ و مهم شهر و مکان پررفت و آمد مردم تیرکی (ستونی) برافراشته بود و زنجیری از آن آویخته بود و سر دیگر زنجیر در کاخ خود و در تاق کسری بود و زنگی بزرگ با آوای رسا بر آن آویخته بود و هرکس که ستمی بر او وارد می‌شد و مسئول امور در دادخواهی او کوتاهی می‌کرد در هر زمان از سال و هرگاه از شبانه روز می‌خواست می‌توانست خود را به آن زنجیر برساند و با تکان دادن آن زنجیر شاه را باخبر و دادخواهی کند در این موارد خسرو خود به دادخواهی می‌نشست. همچنین در نزدیکی تیسفون مکان کنونی بغداد باغ بسیار بزرگی جزء دارایی‌های دولت ساسانیان بود که آن باغ هیچ درودیوار نداشت شکل باغ و خیابان‌ها و مکان‌های آمدوشد مانند شکل خورشید بود و مکان نشستن و دادخواهی شاه در مرکز باغ و به گونه‌ای ساخته شده بود که شاه بر تمام مکان‌ها و خیابان‌ها اشراف و چشم‌انداز داشت افزون بر آن افرادی را در مکان‌های ویژه و دور گماشته بود که کسی مانع ورود مردم به سمت باغ دادخواهی نشود و هرکس از دور می‌توانست ساختمان و مکان شاه را ببیند و به سمت او برود. در زمان‌های دادخواهی این مکان به جز خان سالار و فرایشان که از مردم پذیرایی می‌کردند هیچ گارد و نگهبان و جلوگیری (پاسبان) نداشت و همه مردم در هر زمان و از هر سو می‌توانستند برای دادخواهی به آن باغ وارد شوند و شاه را از نزدیک رخ‌به‌رخ و چهره به چهره ببینند و نوشته خود را به دست او بدهند و شفاهی و کلامی رخ‌به‌رخ با شاه گفت‌وگو کنند و مورد و یا ستم وارد شده را بازگویند و داد خود را بخواهند خسرو در هر سال در فروردین‌ماه و زمان‌های دیگر (مهرگان، آبانگان و...) به آن باغ می‌رفت و به دادخواهی می‌نشست و کسانی که به هر روش مورد ستم و بدرفتاری و یا نامهربانی استانداران و یا

فرمانداران سرزمینی و یا بوسیله دزدان و راهزنان ستمی بر آن‌ها وارد شده بود و در مورد دادخواهی آن‌ها کوتاهی شده بود به دادخواهی نزد خسرو می‌رفتند و او خودش به سخن آن‌ها گوش می‌داد و چنانچه ستمی بر آن‌ها رفته بود رسیدگی و ستمگر را به جزای کارش می‌رسانید و از ستم دیده دلجویی نموده و غرامت ستم می‌داد و اگر ستم در استان‌های دور از پایتخت رخ داده بود بوسیله پیک از فرمانداران رسیدگی و نتیجه رسیدگی را می‌خواست برای نمونه، زمانی که باربد موسیقی‌دان و نوازنده چیره‌دست از خراسان برای دیدن و نشان دادن هنر خود به خسرو پرویز به تیسفون آمد. به دستور سرکش (بزرگ رامشگران) راه ورود او به نزد خسرو و کاخ را بستند و او را به دربار راه ندادند و او در زمان مناسب به همان باغ رفت و در گوشه‌ای پنهان نشست هنگامی که خسرو برای دادخواهی به باغ آمد و در مکان دادخواهی نشست. باربد در زمان مناسب به نواختن ساز پرداخت خسرو آوای دل‌نشین ساز او را شنید کسانی را برای جستجو و آوردن وی فرستاد و او را پیش خود خواند و زمانی که از ماجرای او و جلوگیری از ورودش به کاخ آگاه شد و هنر آن هنرمند را دید باربد را ارشد رامشگران خود نمود و بدکاران را به جزای کارشان رسانید و:

به سرکش چنین گفت کای بد هنر تو چون حنظلی باربد چون شکر  
همچنین در روستاها در زمان جشن نوروزی همه به دیدار کدخدا می‌رفتند و اگر در مدت زمان سال پیش به کسی ستمی رسیده بود مورد را بازگو می‌کرد تا رسیدگی شود لازم است یادآوری کنم که بیان بغداد که ایرانی‌ها می‌گویند نادرست است و تازیان بهتر آن را بیان می‌کنند تازیان بغداد را باغداد می‌گویند و باغداد درست است بدین گونه، باغ داد = باغ + داد = باغ دادخواهی

و آن باغ که هر سال بهار و پاییز و زمان‌های دیگر خسروان در آن به دادخواهی می‌نشستند. پس از پیروزی تازیان همزمان با تاراج خزاین ساسانی و ایران آن باغ هم مصادره شد تا آن که در زمان منصور عباسی در آن باغ به دستور منصور عباسی کاخ عباسیان را بنا نهادند و باغداد (بغداد) پایتخت عباسیان ستمگر شد. سپس به شهری بزرگ تبدیل گردید ایوان مداین که همان تاق کسری است در نزدیکی باغداد در مرکز تیسفون و پایتخت پادشاهان اشکانی و ساسانی بوده که تازیان پس از پیروزی بر دولت ساسانی تیسفون و بخش‌های آن را مداین و تاق کسری را ایوان مداین نامیدند. آن روش دادخواهی در زمان صفاریان نیکوکار و سامانیان خوش‌نام و تا اندازه‌ای زمان آل‌بویه هم ادامه داشت؛ اما در این اواخر به‌ویژه در زمان فرمانروایی قاجارها مراسم برگزاری جشن‌های نوروزی بیشتر جنبه تشریفات و دیدوبازدید و سورچرانی و خوش‌گذرانی درباریان را پیدا کرده بود و دادخواهی نمی‌شود و در این زمان‌ها هم دادرسی بوسیله دادگستری‌ها انجام می‌شود.

**انسانیت و بشردوستی:** یکی دیگر از نیکویی‌های مراسم نوروز کمک به دیگران است. بسیاری از انسان‌های خیر و با فرهنگ، همیشه بشردوستی و کمک به انسان‌های دیگر را در برنامه اجرایی زندگی خود دارند آن‌ها برای اینکه خانواده‌ها و افراد کم‌درآمد و یا بی‌درآمد و کم‌توان هم در زمان جشن نوروز شاد و خوش و مسرور باشند و هم کرامت انسانی آن‌ها خدشه‌دار نشود از مدت‌ها پیش از فرارسیدن جشن‌های نوروز خودشان و یا بوسیله فردی نیکوکار و درستکار خانواده‌های کم‌درآمد را در فامیل و وابستگان و کوی و برزن مکان زندگی‌شان و یا... به روشی که هیچ‌کس متوجه نشود و به شأن و منزلت گروهی و مردمی آن‌ها آسیبی نرسد شناسایی می‌کنند و لوازم و وسایل

و لباس‌های نو و خوراکی‌های لازم و مرسوم نوروزی را برای آن‌ها فراهم نموده و در یک‌زمان مناسب که کسی متوجه نشود، خود و یا بوسيله فرد نیکوکار برای خانواده و یا فرد هدف ارسال می‌کند به‌گونه‌ای که دریافت‌کننده هدیه تا پایان زندگی ممکن است نداند چه کسی آن هدیه‌ها را برای او خریداری و ارسال نموده.

**شادمانی مردم:** یکی از بهترین نیکویی‌های جشن‌های نوروز شادی و شادمانی مردم و دیدوبازدیدهای آن است. همه مردم و خانواده‌ها جملگی و همه بدون کم و کسر در این جشن‌ها با شادی لباس‌های نو که از مدت‌ها پیش از نوروز برای زمان اجرای مراسم جشن‌های نوروزی تهیه و آماده نموده‌اند را می‌پوشند و مشک و گلاب و اودکلن و مواد خوشبوکننده و خوش‌آیند استفاده می‌کنند و خود را به بهترین شکل ممکن می‌آرایند. در زمان‌های گذشته همه مردم و هم‌اکنون بیشتر مردم با حنا بستن به موهای سر و ریش و دست‌ها و پاها خود را می‌آرایند و خانم‌ها آرایش نموده و موهای خود را رنگ می‌کنند باید نوشت چون مردم شادمان هستند همه خود را آراسته و مرتب می‌کنند و باکمال میل و شادی به دیدار یکدیگر می‌روند با این هدف که آغاز سال نو و جشن‌های نوروزی و آمدن بهار را به یکدیگر تهنیت و شادباش گویند و مدتی را با شادی و خوشی پیش هم بگذرانند و از گفت‌وگو کردن و باهم و در کنار هم بودن لذت ببرند در امور مشترک هماهنگ و عیش نوشی هم به کنند ابتدا جوان‌ترها به‌ویژه تازه‌عروس‌ها و تازه‌دامادها و یا فرزند اولی‌ها با شور و شادی ناگفتنی گویی از شادمانی بر روی ابرها راه می‌روند و بهتر است بنویسم خیال می‌کنند بالا تراز ابرها پرواز می‌کنند به دیدار پدر و مادر و بزرگ‌ترهای فامیل و وابسته‌ها و آشنایان و همسایگان می‌روند بر آن‌ها

سلام می‌کنند و با آن‌ها به گرمی و با شادی و مهربانی دست می‌دهند و گاهی بزرگترها را در آغوش می‌گیرند و می‌بوسند و بزرگترها نیز با شادی آنها را در آغوش گرفته و می‌بوسند و با کمال میل و شادی آن‌ها را به داخل شدن هدایت و راهنمایی می‌کنند برخلاف همیشه که بزرگترها جلوتر داخل خانه و سالن پذیرایی و یا هر مکان دیگری شوند در هنگام دیدوبازدیدهای نوروزی بزرگترها ابتدا جوان‌ها را به داخل خانه و یا اتاق پذیرایی که هنوز سفره هفت‌سین در آن گسترده و بهترین خوراکی‌ها و میوه‌ها به روش ویژه و دلپذیری زینت‌بخش آن است راهنمایی و سپس خود وارد می‌شوند. گاهی که جوان‌ها برای ادای ادب و گرمی داشتن بیشتر میزبان از رفتن زودتر (جلوتر) به داخل خودداری می‌کنند بزرگتر با گرفتن دست و یا بازوی جوان و دست دیگر را به پشت کتف او وی را به جلو رفتن مجاب می‌کند و سپس خود وارد می‌شود. می‌دانیم که این نوع رفتار و دست فردی را دوستانه در دست گرفتن و با او راه رفتن نهایت مهربانی و ابراز دوستی است و در این دیدوبازدیدها افراد و خانواده‌ها برای یکدیگر آرزوی سلامتی و شادمانی و بهروزی و پیروزی می‌کنند از جمله‌ی این گفت‌وگوها این‌ها هستند ابتدا کسی که وارد می‌شود (میهمان) می‌گوید. سلام ... جشن نوروز خجسته و فرخ و بهار زندگی را به شما و خانواده گرمی شما تبریک می‌گویم. عید شما مبارک، همه روزتان نوروز و نوروزتان پیروز، سال‌های خوشی در پیش داشته باشید، ۱۰۰ سال بهتر از این سال‌ها زندگی کنید هر روز بهتر و شاد تر از این روز شماها را ببینم، ۱۰۰ سال دیگر با سلامتی زنده باشی، امیدوارم پسران یا پسرهایتان را داماد کنید و دختر و یا دخترانتان را به خانه بخت بفرستید و با شما در جشن و شادمانی عروسی نوه‌هایتان شرکت کنیم و باهم به سفرهای خوش و شادی

برویم امیدوارم هرچه می‌خواهی خدا به شما بدهد و اگر میزبان پدربزرگ و مادر بزرگ باشند فرزندان و نوه‌ها می‌گویند سایه‌ات همیشه روی سرما باشد و میزبان هم برای مهمان با تفاوتی اندک همین آرزوها را می‌کند. سپس با شادی و گشاده‌رویی و شاد پیش هم می‌نشینند و میزبان دستور پذیرایی از میهمانان را می‌دهند. رسم است در آغاز خود میزبان و یا فردی از اهل خانه ابتدا با بهترین و دل‌پذیرترین شیرینی‌ها و آجیل‌ها و میوه‌ها در جشن‌های نوروزی از میهمانان پذیرایی می‌کند و در زمان پذیرایی بزرگ‌ترها با پرسش کردن از حال و سلامتی و یا مسائل و رخدادها و برنامه‌ریزی و کارهای گروهی و آینده یکدیگر بهتر باخبر می‌شوند. پس از اشراف و آگاهی بر مسائل با برنامه‌های خوب آن‌ها همسو و گاهی پیشنهاد بهسازی برنامه رامی دهند و در برطرف نمودن مشکلات یکدیگر می‌کوشند و اگر در مدت‌زمان سال گذشته اختلاف بینش و کدورتی بین یکی یا دو نفر رخ داده در آن دیدوبازدیدها از بین می‌رود. همچنین در این دیدوبازدیدها و دورهم و باهم بودن‌ها نوعی خبررسانی و تبادل افکار و همفکری و هماهنگی بیشتر انجام می‌شود. خبرگیری و خبررسانی همگانی در مورد گروه‌ها، مسائل خرد و کلان همگانی بوسیله مردم در گروه‌های مختلف و با دیدگاه‌های متفاوت در این دید و بازدیدها گفته و رأی و خواسته مردم بوسیله بزرگان (مسئولان) کارگردان‌ها شنیده می‌شود و بوسیله سران و آگاهان به امور در مورد آن‌ها بررسی و بهترین گزینه و راهکار برای اجرای آن مسائل انتخاب می‌شود جالب است بدانید در این دیدوبازدیدها و تبادل افکار و ردوبدل شدن اخبار و رخدادهای همگانی و آگاهی‌های مردمی و بهره‌برداری از آن‌ها، خانم‌ها کار و رفتار بسیار خوب و پسندیده و برجسته‌تری هم دارند. برای نمونه افزون بر امور فرهنگی و

اجرای همگانی و تجزیه و بررسی سایر امور، یکی از کارهای مهم و باارزش و سنتی و فرهنگی خانم‌ها در این دیدوبازدیدها جستجو و دیدن و سنجش و برانداز نمودن دختران فامیل و انتخاب دختری و معرفی آن‌ها به پسر و یا برادرش به‌عنوان همسر آینده آن‌ها است خوشبختانه برابر بررسی‌های میدانی و آماري که گرفته‌شده درصد بسیار بالایی از این‌گونه معرفی‌ها موجب آشنایی بیشتر و ازدواج‌های همیشه استوار و بسیار پایدار و تشکیل کانون‌های گرم خانواده می‌شود و در زمان‌هایی که برخی از خانم‌ها برنامه دیدار جوانان را باهم و گفت‌وگوی آن‌ها و نحوه انجام مراسم خواستگاری و... را هم برنامه‌ریزی و اجرا کرده‌اند برخی از پدرها تا نزدیک زمان اجرای مراسم رسمی خواستگاری و یا پیمان زناشویی بی‌خبر می‌باشند. خانم‌های زرنگ و کاردان و برنامه‌ریز و برنامه‌ساز در این موارد بسیار پیشرو و همیشه کامیاب و پیروز و سبب خوشبختی فرزندان‌شان هستند.

برخی در این زمان‌ها به دلیل دوری مکان زندگی از یکدیگر و ترافیک‌های جاده‌ای و امور وابسته به آن و یا تغییرات و مسائل و امور وابسته به روش زندگی شهری و ماشینی و ترافیک در خیابان‌ها برای ابلاغ و نشان دادن دوستی و خیرخواهی و برادری و آرزوهای خوب خود برای دوستان دیگران و آشنایان و فامیل هم‌زمان با آغاز سال نو، فرارسیدن نوروز باستانی و سال نو و بهار و درخواست سلامتی و تندرستی و خوشبختی آن‌ها را از خداوند بوسیله ارسال کارت تبریک و یا پیامک و یا ایمیل و گاهی در روزنامه‌ها ابلاغ و یادآوری می‌نمایند و در زمان مناسب به دیدار یکدیگر می‌روند که خوب است. کودکان و نوجوان‌ها این جشن را بیشتر از همه جشن‌ها دوست دارند چون که زمان بیشتری برای بازی و شادی و گردش و آسایش و سرگرمی دارند

و لباس‌های نو را می‌پوشند و به دیدار پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و عمه و عمو و خاله و دایی‌ها و سایر افراد فامیل و وابستگان می‌روند و پدربزرگ و مادربزرگ‌ها و عمه‌ها و خاله‌ها و عموها و دایی‌ها آن‌ها را در آغوش گرفته می‌بوسند و بسیار نوازش می‌کنند و سپس همان ابتدای ورود هدیه کودکان را که پیش از ورود آن‌ها و گاهی چندین روز یا هفته زودتر آماده نموده بودند را به آن‌ها می‌دهند و موجب شادی بیشتر آن‌ها می‌شوند و گاهی پدربزرگ و مادربزرگ و سایر وابسته‌ها به شوخی و با خنده و روشی خوش و در اندازه هوش و سن بچه‌ها با آن‌ها به گفت‌وگو و شوخی می‌پردازند و از آن‌ها می‌پرسند به‌به چه لباس زیبایی داری می‌دهی من هم بپوشم؛ و یا چه چیزهایی هدیه گرفتی، بابا و مامان چی (چی = چه چیزی) هدیه بهت دادن، حالا بگو ببینم با هدیه‌هایت می‌خواهی چه کار کنی، از هدیه‌هایی که داری به من هم می‌دهی؛ و کنجکاوانه با گرفتن پاسخ کودکان، آن‌ها رامی‌آزمایند و لذت می‌برند. این‌جانب بر این باور هستم که هیچ لذتی جای لذت هدیه گرفتن کودکان از بزرگ‌ترها و فامیل رانمی‌گیرد و سفارش می‌کنم هدیه دادن در جشن نوروز به‌ویژه به کودکان را فراموش نفرمایید لازم است همه ما از یکی یا دو روز مانده به جشن نوروز هدیه افراد و کودکان را آماده نموده و در زمان دیدارشان به آن‌ها اهدا کنیم. اضافه کنم. این‌جانب باوجود درآمدهای نسبتاً خوبی که دارم، همه این دریافت‌ها به‌اندازه گرفتن یک‌دانه تخم‌مرغ و یا هدیه‌ای در آن اندازه که در کودکی و زمان جشن نوروز هدیه به من می‌دادند برایم لذت‌بخش نیست هنوز شادمانی و یادبود هدیه‌هایی را که در زمان کودکی گرفتم به یاد دارم و هرگاه با یاد نوروز آن زمان‌ها باشم با تمام وجود شاد هستم. در زمان‌های گذشته نوجوانان و افرادی که به دلیل کمی سن و

تجربه توان شرکت در گفت‌وگو و همراهی بزرگ‌ترها را نداشتند به بازی‌های مختلف مانند گردو بازی و تخم‌مرغ‌بازی و... و سایر بازی‌ها و ورزش‌های مرسوم می‌پرداختند و در این زمان‌ها بیشتر به دیدن فیلم و کارتون و وسایل بازی خود را سرگرم می‌کنند؛ بنابراین مراسم جشن نوروز و آغاز سال نو را هرچه می‌توانیم زیباتر و باشکوه‌تر برگزار نماییم و این یادگار خوب و نیکو و فرهنگ درخشان نیاکانی را که یکی از دلائل غالب و ماندگاری فرهنگ و ملیت ایرانیان است را پاسداری کنیم که یادگار و دارایی‌هایی ارزنده و بهتر از فرهنگ ما در جهان نیست پس این مراسم و جشن ملی را برای فرزندان و آیندگانمان پاسداری کنیم.

سراینده خوش‌گفتار ایرج میرزا سروده‌ای بسیار نیکو، خوب و به نام نوروز کودکان سروده که بخشی از آن را یادآوری می‌کنم.

عید نوروز اول سال است روز عیش و نشاط اطفال است  
 همه آن روز رخت نو پوشند چای و شربت به خوش‌دلی نوشند  
 گوین این عید نو مبارک باد صد چنین سال نو بینی شاد  
 پس از دیدوبازدیدها و گفتگو و گذران ساعاتی خوش که این زمان ممکن  
 است از نیم ساعت تا نیم روز و برای فرزندان دارای همسر و فرزند که به خانه  
 پدر و مادری روند گاهی یک روز و بیشتر و اگر از شهری به شهر دیگر برای  
 عید دیدنی و سفر بروند چند روزه درازا بکشد چون در شهرستان‌ها افزون  
 بردید و بازدیدهای خانواده‌ها و افراد فامیل در جشن، دیدن مکان‌های تاریخی  
 و موزه‌ها و پارک‌ها و کوه و دشت و... به برنامه افزوده می‌شود هنگام رفتن،  
 بزرگ‌ترها هدیه جوان‌ها را می‌دهند و چه لذت‌بخش است دادن و گرفتن هدیه  
 جشن نوروز. پس از مدتی بزرگ‌ترها هم در زمان‌های مناسب به بازدید

جوان ترها می‌روند و با نگاهی مهربانانه و اندکی تفاوت همان حرف‌های عید دیدنی و آرزوهای خوب را برای آن‌ها از خداوند بی‌همتا درخواست می‌کنند.

شمار دانشمندان خردمند و نویسندگان بزرگ سخن‌آرا و سخن‌دانان گرامی و سخنور که در کشورهای ایران و افغانستان و تاجیکستان و پاکستان و هندوستان و ترکمنستان و آذربایجان و ترکیه و در بیشتر کشورها در سرتاسر جهان درباره مراسم نوروز و جشن نوروز و سال نو و بهار دُر افشانی نموده و سروده‌هایی نیکو در دیوان و کتاب و نوشته‌های خود و... نوشته‌اند بسیار زیاد است به‌گونه‌ای که نمی‌توان نام همه آن‌ها را برشمرد و اگر به توانیم و به خواهیم نام همه آن‌ها و یک یا دو جمله و بیت از نوشته‌ها و یا سروده‌های آن‌ها را بنویسم ۱- نمونه گفتار مثنوی ۷۰ من کاغذ شود، می‌شود

۲- از بس که نوشته‌های آن دانشمندان و نویسندگان و سخن‌سرایان ارجمند و سروده‌های آن‌ها زیبا و خوب و دل‌نشین و جالب و وزین هستند نمی‌دانم کدام را برای نمونه انتخاب کرده و بنویسم چون که هریک از نوشته‌ها و سروده‌های آن‌ها از دیگری بی‌مانندتر و وزین‌تر و بارزتر و بهتراست؛ بنابراین برای نمونه نام برخی از آن سراینندگان سخن و دانشمندان خردمند و سخن‌سرایان بزرگ را با یک یا دو بیت از سروده‌هایشان می‌نویسم امید است پذیرفته شود...

۱- استاد و دانشمند فرزانه و پدر سخن و زبان فارسی و... و سخن‌دان

فرهیخته و ارجمند حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی:

به جمشید بر گوهر افشاندند      مر آن روز را روز نو خواندند  
چنین جشن فرخ از آن روزگار      بمانده از آن خسروان یادگار

۲- رودکی سمرقندی از سخن دانان فارسی گوی:

آمد بهار خرم بارنگ بوی طیب      با صد هزار نزهت و آرایش عجیب  
شاید که مردپیربدین گه شود جوان      گیتی بدیل یافت شباب از پی مشیب

۳- عنصری شاعر معروف دوره غزنوی:

بادنوروزی همی دربوستان بتگرشود      تازصنعش هردرختی لعبتی دیگرشود  
باغ همچون کلبه بزاز پر دیبا شود      راغ همچون طب له عطارپر عنبرشود

۴- فرخی سیستانی:

ماه فروردین از گنج گهر یافت مگر      که بیاراست همه روی زمین رابه گهر  
روزنوروزاست امروزوچوامروزگذشت      کس بدین درنرسد تا نرسد سال دگر

۵- خاقانی شروانی:

آمد بهار و بخت که عشرت فزا شود      ازهر طرف هزار گل فتح وا شود  
گلشن شود نشیمن سلطان نوبهار      چون بهر شاه تخت مرصع بنا شود

۶ - عطار نیشابوری:

ای بلبل خوشنوا فغان کن      عیداست نوای عاشقان کن  
چون سبزه ز خاک سر بر آرد      ترک دل و برگ بوستان کن

۷- عمر خیام دانشمند بزرگ نیشابوری:

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است  
در صحن چمن روی دل افروز خوش است  
از دی که گذشت هرچه گویی خوش نیست

خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

۸- حافظ شیرازی:

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی  
ازین باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی  
می اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش  
که بخشد جرعه جامت جهان را ساز نوروزی

۹- مولوی:

اندر دل من مه‌ها دل افروز تویی      یاران هستند لیک دلسوز تویی  
شادند جهانیان به نوروز و به عید      عید من و نوروز من امروز تویی

۱۰- خواجه کرمانی:

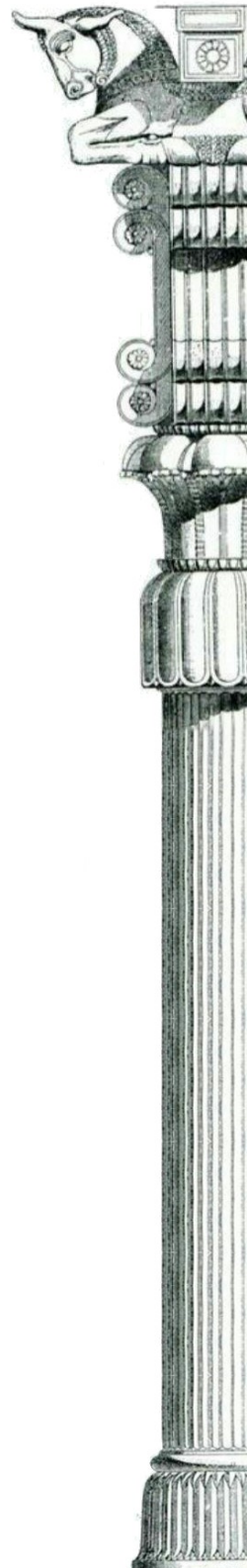
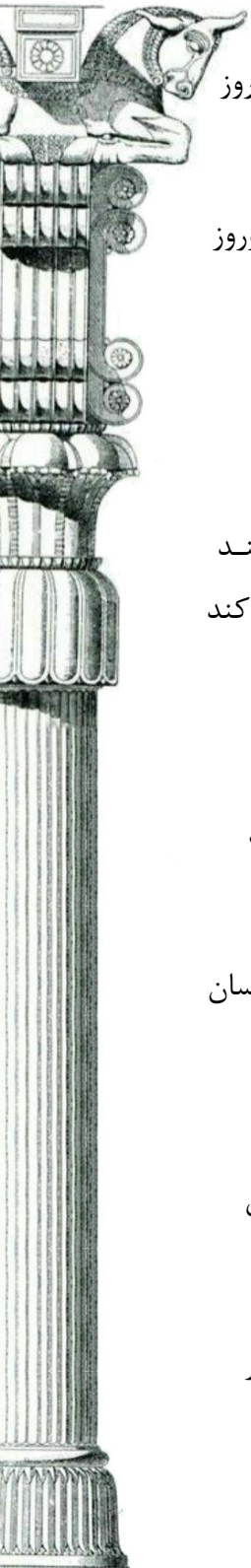
این بوی بهار است که از صحن چمن خاست  
یا نگهت مشک است کز آهوی ختن خاست  
انفاس بهشت است که آید به مشامم  
یابوی اوپس است که از سوی قرن خاست

۱۱- نظامی گنجوی:

بهاری داری از وی برخوردار امروز      که هر فصلی نخواهد بود نوروز  
گلی کو را نبوید آدمی زاد      چو هنگام خزان آید برد باد

۱۲- منوچهری:

آمده نوروز هم از بامداد      آمدنش فرخ و فرخنده باد



نوروز بزرگم بزن ای مطرب نوروز      زیرا که بودنوبت نوروز به نوروز

۱۳- سنایی:

باتابش زلفورختای ماه دل افروز      از شام توقدر آید و از صبح تو نوروز

ای گل آبدار نوروزی

دیدنت فرخی و پیروزی

۱۴- عبید زاکانی:

چو صبح رؤیت خورشید آشکار کند      ز مهر قبله افلاک زرنگار کند

رسید موسم نوروز و گاه آن آمد      که دل هوای گلستان و لاله زار کند

۱۵- استاد شهریار:

جشن نوروز از ره آمد شاد      با گل و سرو و لاله و شمشاد

دارد از باستان پیامی خوش      پیک جمشید و بهمن است و قباد

۱۶- امیر خسرو دهلوی:

صفت موسم نوروز و طرب کردن شاه      بزم دریا و کف دست چه ابر نیسان

۱۷- استاد رستم وهاب شاعر افغانستان:

شکوه جام جم در سینه توست      جبین آفتاب آینه توست

می باقی تو در پیمانہ داری      ز فوج اختران پیمانہ داری

۱۸- غلام نبی عشق‌ری از شاعران معاصر افغانستان:

نوروز و روز عید و گل سرخ نوبهار      یکجا رسیده است ز الطاف کردگار

۱۹- صدرالدین عینی:

نوروز شد و لاله خوش‌رنگ برآمد      بلبل به تماشای دف و چنگ برآمد  
مرغان هوا جمله به پرواز شدند      مرغ‌دل من از قفس تنگ برآمد

۲۰- سعدی شیرازی:

علم دولت نوروز به صحرا برخاست  
زحمت لشگر سرما ز سرما برخاست  
برآمد باد صبح و بوی نوروز  
به کام دوستان و بخت پیروز  
مبارک بادت این سال و همه سال  
همایون بادت این روز و همه روز

و اکنون باکمال مسرت و شادمانی و خوشبختی می‌نویسم و یادآوری می‌کنم تا به اذهان به سپاریم و به دیگران هم بگوییم، اجرای مراسم جشن نوروز از ایران و فلات ایران و قاره آسیا فراتر رفته و به قاره‌های اروپا و آمریکا و اقیانوسیه و آفریقا رسیده و سازمان ملل متحد هم با خردمندی گروهی و دانش جهانی پذیرای آن شده؛ و جشن و مراسم شکوهمند نوروز را پذیرفته و همه ساله آن را برگزار می‌کنند. اکنون نام برخی کشورهایی که در آنها مراسم جشن نوروز برگزار می‌شود را یادآور می‌شوم:

- ۱- ایران ۲- افغانستان ۳- تاجیکستان ۴- بخش‌هایی از چین
- ۵- گرجستان ۶- کردستان عراق ۷- سوریه ۸- قزاقستان ۹- قرقیزستان
- ۱۰- روسیه ۱۱- جمهوری آذربایجان ۱۲- ترکیه ۱۳- ترکمنستان ۱۴- بخش‌هایی از هند ۱۵- ازبکستان ۱۶- پاکستان همچنین مهاجرین در

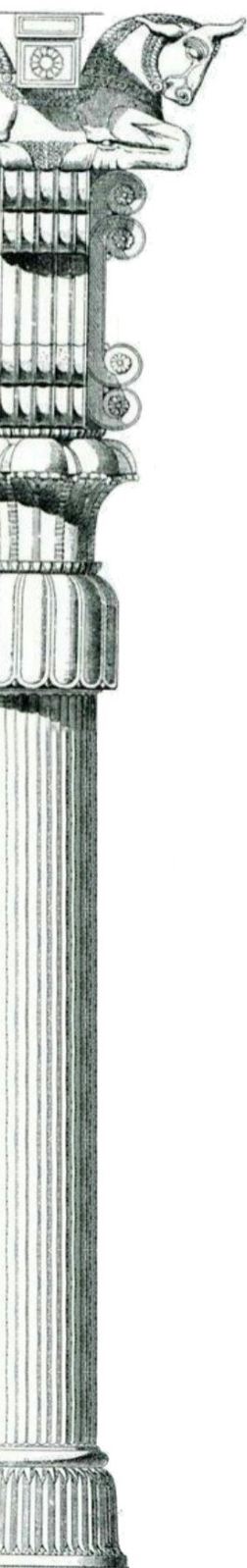
کشورهای ۱۷- انگلستان ۱۸- کانادا ۱۹- آلمان ۲۰- ایالات متحده آمریکا  
۲۱- استرالیا و...

نوروز را جشن می‌گیرند. باکمال مسرت و شادی به آگاهی می‌رسانم.  
در یکشنبه بیست و یک مارس هزار و نهصد و هفتاد و یک اوتانت خردمند  
سومین دبیر کل سازمان ملل متحد روز ۲۱ مارس برابر آغاز فروردین و جشن  
نوروز یعنی روزی که اعتدال بهاری در آن رخ می‌دهد را روز زمین نام نهاد و  
از آن پس سازمان ملل و بسیاری از کشورها این روز را جشن می‌گیرند و تلاش  
در گسترش آگاهی ملت‌ها درباره لزوم نگهداری و سالم‌سازی مکان زیست در  
زمین می‌کنند.

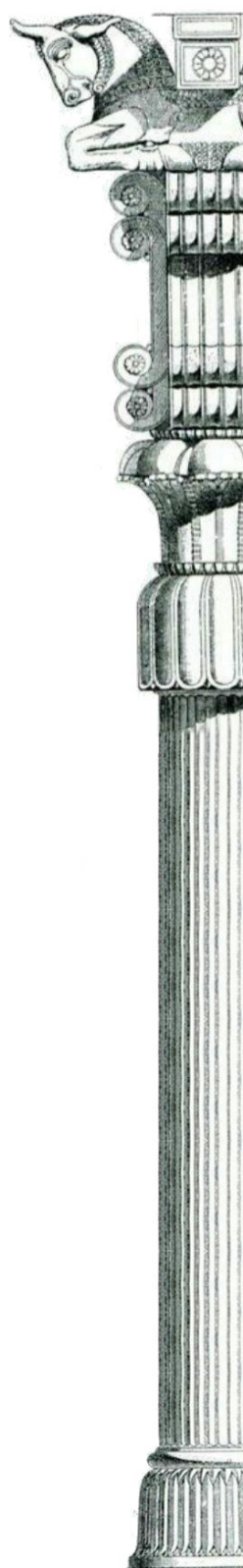
### نوروز جهانی شد

نوروز جهانی شد و آیین جهان است  
تائید به گیتی شدنش کار مهان است  
از بس که بزرگ است و زیبای جهان است  
چون تاج زرین به سر جمله مهان است  
نوروز که آن تاج درخشنده گیتیست  
گیتی پذیرفته که نوروز بزرگ است  
از گاه جمشید و کیان است و کهن سال  
در کهنگی اش جمله جوانی عیان است  
هم نیست به همتا و ثباتش به بزرگی  
هم هست که جمله به گهش خیر جهان است  
آن را بپسندند هر آن کس به جهان است  
زیرا که پرمایه‌ترین جشن جهان است

ازنو شدن گیتی به نوروز رسید است  
 شادی بدل و سبزی در کل جهان است  
 ای عاشق و معشوق جهان گاه آن است  
 بر دشت و چمن رو کنید چون که بهار است  
 ای تازه‌عروسان جهان گاه آن است  
 گیرید به دل دُر گهربار که زمان است  
 گیرید نکو بارترین که ین گاه گذران است  
 در عاشقی و عشق بکن کاری که آن است  
 سرتاسر گیتی به فروردین جوان است  
 این راز ز نوروز و ز جمشید و کیان است  
 از دانش و فرهنگ نیاکان همین بس  
 استوارترین جشن در همه‌ی زمان است  
 ایران بکند فخر به این فرهنگ پیروز  
 گیتی به درخشد به این جشن دل‌افروز  
 گفتمی حسینی که نوروز زیباست به جهان  
 کم گفتمی که به نوروز بود خیر جهان



**بخش چهارم:**  
**سیزده بدر**



### سیزده بدر:

روز سیزده هم فروردین را روز سیزده یا سیزده بدر و در زمان های گذشته، تیر روز و یا ایزد باران و گاهی رحمت الهی می گفتند در این روز همه مردم برابر برنامه ریزی از پیش انجام شده با پوشیدن لباس و کفش های نو و زیبا و مناسب برای راهپیمایی در کوه و دشت و هامون و آراسته، شادی کنان به ویژه با هماهنگی با همسایگان و دوستان و آشنایان و فامیل در یک مکان گردشی و شادی بخش گرد هم می آیند و بابیان و گفتارهای نیکو به جشن و شادی و شوخی و بازی و ورزش و خوردن بهترین آجیل ها و شیرینی ها و ناهار خوب و لذیذ و دلپذیر به گفت و گو و خنده و خوش گذرانی و شادی به تماشای کوه و دشت و سبزه ها می پردازند. برگزاری مراسم جشن روز سیزدهم فروردین دلیل های فراوانی دارد که یکی و یا دوتای آن ها را یادآوری می کنم.

۱- یکی از دلیل های برگزاری این جشن، شادی و خوشی و مسرت مردم برای آغاز بکار در سال نو است زیرا از فردای آن (روز چهاردهم فروردین) همه مردم به کار و کوشش و تولید و اجرای برنامه های سال جدید می پردازند. برای نمونه آموزش و پرورش که یکی از فاکتورهای اساسی و ارکان مهم و پایه تمام پیشرفت ها و تمدن بشر بوده و هست. تمام مراکز آموزشی از روز ۱۴ فروردین امور آموزش و پرورش را آغاز می کنند و یا کشاورزان از زمان های گذشته بر این باور بوده و هستند که روز ۱۴ فروردین روز خوب و نیکو و پر خیروبرکت است (می گویند ساعت خوب است) بنابراین در روز ۱۴ فروردین دست کم برای یک ساعت هم شده برای آغاز بکار در سال نو به کشتزارها می روند و به کار در کشتزارها و زمین های خود می پردازند.

۲- می‌دانیم که نه تنها در فلات ایران بلکه در نیم کره شمالی زمین، پایان گاه (موسم) زمستان پایان سختی‌ها بوده. سختی‌هایی مانند نبود امکان انجام کشاورزی و تولید مواد غذایی به دلیل سرما و یخبندان، سردی هوا و سختی زندگی در زمان سرما، کمبود گیاهان و خوراک برای دام‌ها، سختی مسافرت و جابجایی به دلیل سرما و یخبندان، سختی شکار در برف و سرما و... بوده است. آمدن بهار و سال نو نویددهنده بهبود گذران زندگی و زمان وفور درآمدها و افزایش و آغاز کارهای تولیدی و همگانی و بهبود امور مالی به‌ویژه برای کشاورزان و دامداران بوده است چون که این دو کار پیشه و شغل و پایه امور همگانی مردم بوده است و هم اکنون زندگی و سرنوشت انسان‌ها به آن‌ها (کشاورزی و دامداری) بستگی دارد است.

۳- مردم ایران از زمان‌های گذشته و بسیار دور همیشه شاد بودن و جشن و شادی و گردهمایی و باهم بودن و گفت‌وگو و خندیدن و کوه‌پیمایی و دشت نوردی و گردش و ورزش را دوست داشته‌اند و دارند. نشانه آن‌هم برگزاری شمار زیادی جشن در ایران باستان است در ایران باستان افزون بر جشن‌های چهارشنبه‌سوری و نوروز و سیزده بدر و مهرگان و یلدا و سده در هرماه زمانی که نام روز و نام ماه یکی می‌شد به جشن و شادی می‌پرداختند و افزون بر این‌ها برای آغاز و پایان آموزش و پرورش و کسب مهارت‌ها و یادگیری فنون و آمادگی‌های جسمی و تبادل دانسته‌ها و شادی و نیایش و باهم بودن ده‌ها جشن دیگر به مناسبت‌های گوناگون برگزار می‌کردند؛ و اکنون هم افزون بر جشن‌های گفته‌شده در هر زمان امکان داشته باشد به کوه و دشت و پارک‌ها و جاهای شادی‌بخش و خوب و یا به مسافرت برای دیدن مکان‌های

دلخواه می‌روند و به شادی و گردش و خوش‌گذرانی می‌پردازند؛ و جشن‌هایی بانام‌های گوناگون و با اهداف و مناسبت‌های ویژه برپا می‌کنند مانند جشن خواستگاری و بله برون و جشن نامزدی و جشن ازدواج و جشن تولد فرزندان و سالگردهای آن‌ها و جشن آغاز سال آموزشی و جشن فارغ‌التحصیلی و یا جشن سردوشی سربازان و افسران و درجه‌داران و جشن درجه گرفتن آن‌ها، جشن برداشت محصول کشاورزان جشن پشم‌چینی گوسفندان در ایلات و گله‌دارن و جشن خرید خانه و ده‌ها جشن دیگر بنا بر موارد گفته‌شده و آنچه در میدان کاربردی مشاهده می‌شود. تمایل و خواسته کلیه مردم جشن و شادی بوده و است بنا بر موارد نوشته‌شده و ۱۰۰ ها مورد دیگر روز سیزده فروردین از زمان‌های گذشته یک روز ویژه برای جشن و شادی همگانی مردم بوده و تعطیل رسمی است. پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ روز سیزدهم فروردین را بنا بر خواست مردم روز طبیعت نام‌گذاری کردند. برخی از افراد منفی‌باف و همیشه منفی که به جای دادن انرژی خوب همیشه موج منفی برای دیگران ارسال می‌کنند و یا خرافاتی هستند برای اینکه این جشن بزرگ ملی که وسیله و زمان شادی و دوستی و همگرایی و هماهنگی مردم است را کم‌رنگ نشان دهند و یا مردم را از شادی بازدارند می‌گویند روز سیزده نحس است که این نسبت بسیار ناروا و بی‌پایه و اساس است و هیچ سند و یا نوشته تاریخی خردمندانه‌ای در مورد نحسی روز سیزده مشاهده و دیده نشده است و اندکی افراد ناآگاه و منفی‌باف که به خود زحمت فکر کردن و خردمندانه اندیشیدن نمی‌دهند، حرف‌های منفی دیگران را طوطی‌وار تکرار می‌کنند. جا دارد به منفی‌باف‌های نادان گفته شود یکی از ۱۰۰ ها دلیل خجسته و فرخ و خوبی روز سیزده تولد حضرت علی(ع) در روز ۱۳ رجب است که روزی بسیار نیکو و

مبارک و همایون است و ما هر سال آن را جشن می‌گیریم و یکی دیگر از بهترین خوبی‌های عدد ۱۳ هجرت حضرت رسول اکرم از مکه به مدینه در سال ۱۳ بعثت است که آن هجرت در سال ۱۳ بعثت مبدأ تاریخ اسلام و موجب قدرت اسلام شد و ما آن را هم جشن می‌گیریم پس روز سیزده و عدد سیزده نحس نیست و بسیار خوب و نیکو و همایون و فرخ و فرخنده و پسندیده است. پس اگر شما درست راه رفتن بلد نبودید و به زمین افتادی و آسیب دیدی و یا زمان و انجام درست کاری را بلد نبودید و در زمان و یا پس از انجام آن کار آسیب و زیان دیدی ناتوانی در راه رفتن و یا نادانی در درست کار کردن خودت را به روز سیزده نسبت نده برو و توانایی‌های خودت را افزایش بده و اگر برای شوخی و خنده این دروغ بزرگ را ساخته و پرداخته و می‌گویید باید بدانی دروغ گفتن خوب نیست و دروغگو دشمن خدا است. برای شوخی و خنده و شاد کردن مردم روش‌های بسیار بهتر هم است و دروغ گفتن در فرهنگ ایرانیان نبوده.

دوم شادی مردم در روز سیزده است به این مفهوم که پس از روز نوروز، روز سیزده فروردین شادترین روز مردم ایران است و...

برگزاری مراسم سیزده‌بدر هم یکی از جشن‌های همگانی و ملی و مشترک تمام ایرانیان است که در سرتاسر ایران به روش بسیار خوب و ویژه‌ای برگزار می‌شود پیش از ورود به بیان و زیبایی‌ها و رسوم و هدف سیزده‌بدر، یادآوری مواردی که به‌تازگی و در دوره‌های ۳ یا ۴ دهه گذشته مشاهده شده و با فرهنگ ایرانیان بیگانه است و برای مکان زیست همگانی بسیار زیان‌آور و ویرانگر است می‌پردازیم امید است که با خردمندی و آینده‌نگری و اجرای برنامه‌هایی آسان و ارزان به پایداری و زیبایی‌های مکان زیست همگانی کشور

کمک کنیم. دیده شده که نه تنها در روز سیزده بدر بلکه سایر زمان‌ها و روزهای دیگر برخی افراد که برای گردش و ورزش به کوه و دشت و چمنزارها و جنگل می‌روند با خود ابزاری مانند تبر و اره و تیشه به همراه برده و برای افروختن آتش برخی از درخت‌ها و درختچه‌ها و یا ناشیانه شاخه‌های آن‌ها را می‌برند و نابود می‌کنند؛ و گاهی ناخواسته موجب آسیب‌هایی به آشیانه‌های پرندگان و یا جانوران و دوزیستان کنار آبی در نزدیک رودخانه و یا سایر مکان‌ها مانند کوه‌ها و کوهپایه‌ها و هامون می‌شوند. افروختن آتش در زمان‌های گذشته دور به دلیل موارد گفته شده در صفحه ۸۹ تا ۹۲ کم و ناچیز بود و چون وسیله سفر به هر دلیل کم بود و مردم زمان فراغت کمتری داشتند در نتیجه مردم کمتر برای گردش به دشت و کوه و مکان‌های همگانی می‌رفتند و شمار آتش‌ها و آلودگی مکان زیست با مواد نفتی و پتروشیمی که هیچ وجود نداشت و میزان تخریب مکان‌های زیست همگانی کمتر بود بنابراین مکان‌های زیست همگانی توان جبران و بازسازی خود را بیشتر داشت. آمار درستی از جمعیت ایران در ۱۰۰ سال پیش نداریم و تمام گفته‌ها برآوردی و تخمینی است. در برخی نوشته‌ها کل مردم ایران را در سال ۱۳۰۰ خورشیدی نزدیک ۷/۹ و برخی تا ۱۱/۲ میلیون نفر نوشته‌اند. شدت و توان جابجایی مردم و توان باربری؛ و پیمودن مسافت و جابجایی بوسیله نیروی ماهیچه و بسیار کند و کم و کوتاه و ناچیز بوده رویکرد آب‌وهوایی مناسب و بهتر و خوب بود و تخریب مکان‌های همگانی ناچیز بود و جبران و بازسازی تخریب‌ها بوسیله خود مکان زیست امکان‌پذیر بود اما اکنون شمار مردم ایران برابر آمار سرشماری آبان ماه سال ۱۳۹۵ برابر ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر با ضریب افزایش سالانه ۱.۲ میلیون در سال است. دریک گزارش دیدم نوشته بود در سال ۱۳۹۶ جمعیت ایران از ۸۱

میلیون نفر گذشت. توان جابجایی زمینی تا ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت و توان باربری در سفر و جابجایی بار نمی‌گویم ۱۸ تن و بیشتر می‌گویم وزن سرنشینان خودرو نزدیک به ۷۵۰ کیلوگرم، توان پیمایش راه و جابجایی مکان به وسایل موتودار و راننده‌ی آنها و جاده مسیر بستگی دارد. رویکرد آب و هوایی به دلیل رفتار و روش زندگی انسان‌ها در هزاره سوم موجب خشک‌سالی و کم باران و منفی است. تخریب مکان زیست همگانی چندین برابر بیش از توان بازسازی آن است بنابراین بدون تجدید روش در فکر و رفتار و کردار انسان، مکان زیست همگانی توان بازسازی خود را ندارد اگر مایل بودی دو مورد بالا را باهم بسنجید همچنین آلودگی آب‌ها بوسیله مواد نفتی و مواد رنگ‌های شیمیایی و مواد پتروشیمی که در رودخانه‌ها رها و یا بوسیله چاه‌های پساب به زمین وارد و سفره‌های آب زیرزمینی را برای نسل‌های آینده ناپاک و آلوده و مسموم می‌کند و آلودگی خاک‌ها بوسیله تمام سموم و مواد پلاستیک و آلودگی هوا بوسیله CO<sub>2</sub> ناشی از سوخت مواد فسیلی را هم در اندازه‌گیری و سنجش‌ها وارد نمایید (مفهوم نوشته بالا مخالفت با سفر و یا شادی و خوش‌گذرانی و شاد بودن نیست همه می‌دانیم اکنون سفر و مسافرت و توریست در دنیا یک بازرگانی پردرآمد و خوب و ایجادکننده کسب‌وکار است که در کشور ما به آن توجه چندانی نشده است و با امکانات و سوژه‌های خوب و بی‌مانندی که برای جلب و جذب توریست داریم در این مسیر خوب کار نشده و کار خوب هم نشده است. همان‌گونه که پیش‌تر نوشته شد جشن و شادی و شادمانی از ویژگی‌های ما ایرانی‌ها است و امید است همیشه شادمان باشید. مفهوم این است که با استفاده و بکارگیری از استانداردها در همه موارد و کمک به مکان زیست آن را برای فرزندان و نوه‌ها و نسل‌های آینده‌مان

نگهداری و پاسداری کنیم، اما اکنون خوشبختانه وسایل سفر و جابجایی موتوری زیاد است و شمار هم‌میهمان به‌خوبی افزایش یافته این‌ها خیلی خوب هستند و مردم بیشتری برای گردش، ورزش و شادی به دشت‌ها و چمنزارها و کوه‌ها و نزدیک رودخانه‌ها می‌روند و برای پختن و یا گرم کردن خوراکی‌ها از آتش استفاده می‌کنند این با زمان‌های پیش بسیار تفاوت دارد و مکان زیست توان این‌همه تخریب را ندارد بهتر است دوستان خوب و هم‌میهمانی‌های گرمی نه‌تنها در هنگام سیزده‌گردی بلکه در تمام مسافرت‌ها مانند تعطیلات دوره‌ای و مرخصی‌های سالانه و روزهای آدینه که برای گردش و ورزش و یا گذراندن زمان فراغت به دشت و چمنزارها و کوه‌ها می‌روند در برنامه سفر خود برای گرم کردن و یا پختن غذا به‌اندازه کافی زغال و یا پیک‌نیک‌های گازی مسافرتی هم پیش‌بینی کنند تا هم‌زمان بیشتری برای گردش و ورزش و اجرای برنامه‌های خود داشته باشند و هم آسایش بیشتر داشته باشند و هم آسایی به مکان زیست نرسد تا مکان زیبا برای فرزندانمان در آینده پایدار وزنده و زیبا بماند. همیشه ما برای آسایش و بهتر زیستن بچه‌هایمان به همه‌چیز فکر می‌کنیم و همه‌ی کارهای ممکن را انجام می‌دهیم و همه‌گونه هزینه را باکمال میل و شادی و نقد برای آن‌ها می‌پردازیم اما متأسفانه برای سلامتی آینده آن‌ها به مکان زیست و به نگهداری از امکانات زیست همگانی زیبا یا کمتر فکر می‌کنیم و یا هیچ نمی‌اندیشیم.

اکنون ادامه اجرای مراسم سیزده‌بدر:

گفتم تمام ایرانی‌ها و خانواده‌های دوست و آشنا و فامیل ایرانی به‌ویژه زوج‌های جوان و آنها که نامزد دارند و یا ازدواج رسمی نموده‌اند با شادی و هیجان از یک یا دو روز مانده به‌روز سیزده با هماهنگی هم‌مکان اجرای مراسم

سیزده بدر را شناسایی و انتخاب می‌کنند و پیش‌بین‌های لازم را مانند بررسی و پیگیری رخداد و رویدادهای آب‌وهوا، بررسی و متناسب با هر رخداد برنامه‌های لازم را پیش‌بینی و تمهیدات لازم را به کار می‌گیرند. در زمان‌های گذشته افراد باتجربه چگونگی هوای روز آینده را از روی نمونه آب‌وهوای روز جاری خوب و درست پیش‌بینی می‌کردند و در این زمان‌ها اخبار آب‌وهوای تمام‌روزها به‌ویژه روز سیزده بوسیله سازمان هواشناسی و اخبار رادیو و تلویزیون و اینترنت و... و سایت‌های آب‌وهوایی به آگاهی مردم می‌رسد و تأکید می‌شود شما نه تنها در روز سیزده، همیشه و هنگام مسافرت‌های زمینی پیش از آغاز سفرها آماده و کارآمدی وسایل تماس با دیگران مانند تلفن همراهتان را بررسی نموده و آن را در دسترس داشته باشید تا همیشه در مسیر خود در زمان لزوم توان تماس با خانه و دوستان و یا مکان مورد سفر را داشته باشید و با پرسش از سازمان هواشناسی و اداره راه مسیر، از درستی و امنیت راه‌ها و امکان رخدادهای آب‌وهوایی در مسیر سفر آگاه و چنانچه همه‌چیز مرتب و به میل و دلخواه شما بود سفر را آغاز کنید همچنین آگاهی از مسیر سفر و امنیت مسیر جابجای به مفهوم درست و آماده بودن جاده و اینکه در مسیر سیل آب‌ها و مسیل‌ها نباشد و یا چنانچه باران بهاری به بارد و یا جریان‌های سیلاب موسمی رخ دهد در کجا می‌توانند پناه بگیرند و چه کاری انجام دهند و روش تهیه آب و غذا و میوه و آجیل چگونه باشد با برنامه‌ریزی از پیش انجام‌شده همه از اول بامداد با هر امکان و وسیله موجود، در شهرها با اتومبیل‌های خانواده و یا وسایل آمدوشد همگانی و در بخش‌ها و روستاها با وسایل موجود مانند اتومبیل و وانت‌بارها و موتورسیکلت و گاهی با تراکتور و بارکش تریلی مانند که به پشت آن می‌بندند و... و... در بنکوه‌ها و مکان‌های

ایل‌ها با تراکتور و تریلی پشت آن و موتورسیکلت و اسب‌ها و استرها و یا شتر یا با خرسواری خود و وسایلشان را به مکان از پیش انتخاب‌شده می‌رسانند. مردم در شهرها بیشتر به پارک‌های داخل شهر و برخی به دشت‌ها و گردشگاه‌های دور و برو نزدیک شهر و کنار رودخانه‌های نزدیک و برخی به شهرستان‌ها می‌روند. با توجه به این‌که در مسیر جاده‌ها و کنار رودخانه‌ها و مسیرهای تنگ راه رودخانه‌ها شتاب و شدت جریان‌های سیلاب‌ها بسیار زیاد و به دلیل پیچ‌وتاب و خم مسیر رودخانه‌ها دیدن بستر رودخانه بسیار کم و با توجه به هوای خوب و فراوانی اکسیژن در هوای آزاد و خستگی ناشی از کار و کوشش و رانندگی و خوردن خوراکی‌های زیاد و سنگین خواب بر افراد غالب و خواسته یا ناخواسته به خواب می‌روند و از توجه به امنیت مکان آسایش و اردوی خود بی‌خبر می‌مانند که همین بی‌خبری کوچک ممکن است موجب مشکلاتی برای آن‌ها بشود. فردوسی بزرگ در شاهنامه چنین گفته

بجویی که یک‌بار بگذشت آب نسا زد خردمند از و جای خواب

اکنون یادآوری می‌شود که خانواده‌ها به‌ویژه جوانان و نوجوانان گرامی که برای سیزده گردی و یا هر مسافرت دیگر به خارج از شهر می‌روند و گاهی در مسیر به آسایش و گذران زمان و شادی می‌پردازند.

۱- در مکان‌های پرت (بسیار خلوت) و مکان‌های بسیار شلوغ نه

به ایستند و نه بمانند و برای افرادی که در مسافرت و زمان

سفر لازم است درجایی تفرج نمایند و به آسایش به پردازند

بهترین مکان‌های ایستادن و آسایش، مکان‌های داخل

شهرهای در مسیر و یا نزدیک پاسگاه‌ها و دردید گاه‌های

مأموران انتظامی و پلیس‌راه است.

۲- همیشه هشیار باشند. چون مکان برای آن‌ها ناشناخته است ممکن است چاله‌های گود آب و جانوران درنده و جانداران موزی گزنده در آن مکان باشند و سلامتی آن‌ها را تهدید کنند. همچنین ممکن است باگذشت زمان بوسیله جریان آب زیر تلی از کناره رودخانه خالی شده باشد و با ورود شما و یا بچه‌ها آن مکان سنگین‌تر شود و ناگهان به داخل آب ورود خانه فروبریزد و موجب آسیب‌هایی به عزیزان شود.

۳- کودکان و نوجوانان را کنار خود و پیش خود و در میدان دید خود نگهدارید و سفارش کنید که از نزدیک شما و مکان کمپینگ خارج نشوند و پیش از آغاز به بازی بچه‌ها زمین و مکان بازی آن‌ها را خوب و درست بررسی نمایید و چنانچه زمین و میدان بازی آن‌ها ایمن و خوب است اجازه بازی داده شود و هیچگاه چشم از آنها بر ندارند.

۴- به گفته و رهنمودهای مأمورین پلیس و نیروهای امنیتی و ایمنی توجه کنند.

۵- مکان نشستن و گردش خود را در کنار آب رودخانه‌ها و در تنگ راه‌های رودخانه و جاهای سخت فراز و کناره و زیر پرتگاه‌های کنار رودها انتخاب ننماید.

۶- اتومبیل‌های خود را به گونه‌ای پارک کنند که نزدیک و در میدان دید آن‌ها باشد تا در صورت لزوم به‌زودی و به‌آسانی بتوانند به آن رسیده و یا از آن مکان خارج شوند.

۷- از سد مسیر و مسدود و بستن راه اتومبیل خود و دیگران بپرهیزید زیرا دل‌های بسیار برای شما می‌تپد و برای دیدن دومرتبه شما چشم‌های فراوان به راه می‌باشند تا همه شما به سلامت بازگردید؛ و به زبان

ساده همیشه راه خروج فوری خود و اتومبیل خود را از مکان و محدوده ریسک باز نگهدارید که رخداد (حادثه) خبر نمی‌کند. اگر فردی ناآگاهانه راه خودرو شما را بست فوری خودرو خود را جابجا و راه تردد فوری و ایمن آن را باز نگهدارید تا در هنگام لزوم به‌سادگی و به سلامت و با آرامش از مکان ریسک دور شوید. یادآوری می‌نمایم متأسفانه بسیاری از رخداد‌های ناگوار و جان‌خراش به دلیل خستگی ناشی از سفر و ساده‌انگاری و نبود پیش‌بینی‌های لازم و نداشتن برنامه مفید برای زمان بروز ریسک می‌باشند و یا دیده می‌شود بسیاری از افراد هنگام بروز رخداد‌های مهیب بجای چاره‌اندیشی و گریز خردمندانه از مکان ریسک مشغول جیغ‌و‌داد و فریاد زدن می‌شوند و یا با نزدیک شدن و نگاه کردن به مکان ریسک مشغول گرفتن عکس و فیلم و سلفی از رخداد... می‌شوند که این‌گونه رفتار و ماندن آن‌ها در نزدیک و یا مکان بروز رخداد افزون بر اینکه ریسک بیشتری خود آن‌ها را تهدید می‌کند راه گریز و دور شدن دیگران از مکان ریسک و راه کمک‌رسانی به آسیب دیدگان یا... مددجویان را هم مسدود می‌کند. مکان انجام مراسم سیزده‌بدر در روستاها و بنکوه‌ها و مکان‌های ایل‌ها و عشایر از سال‌ها و گاهی از ۱۰۰ سال پیش انتخاب و شناخته شده است و هر خانواده و فامیل می‌دانند که از چه راهی به کجا و چگونه بروند ناگفته نماند که امنیت مسیر رفت‌وآمد و مکان سیزده‌بدر روستاییان و عشایر به دلیل آشنایی و شناخت یکدیگر و شناخت کامل از مکان بسیار بالا است زیرا باگذشت زمان و کسب تجربه مکان‌هایی را انتخاب کرده‌اند که در مسیر سیل و رخداد‌های مخرب دیگر مانند توفان و پرتگاه نباشد خانواده‌های عشایر و دامداران سنتی به کنار استخرها و چمنزارها و مکان‌های چرا و آبشخورهای عمومی دام‌ها و یا نزدیک رودخانه‌ها (نه بستر

رودخانه نه لب آب رود) بلکه جایی که امنیت و سلامت خود آن‌ها و دام‌هایشان تأمین باشد می‌روند و چوپان‌ها و چرا برنده دام‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند که هنگام نهار و غذا خوردن به آن‌ها بپیوندند و روز شادی را داشته باشند بیشتر عشایر و برخی از روستاییان با خود وسایل و ابزار موسیقی مانند ساز و دهل و دیگر ابزار و آلات شادی می‌برند و پیش از نهار یا پس از نهار مدت‌زمانی را با نواختن ساز و دهل به جشن و شادی و رقص و پای‌کوبی می‌پردازند نواختن ساز و دهل و رقص با چوب یا چوب پی که از روش‌های پدافند انفرادی مردان دامدار در کوهستان‌ها است بوسیله افراد چیره‌دست بالباس‌های بومی بسیار دیدنی و هیجان‌انگیز و شادی‌بخش است برخی از روستاییان و کشاورزان به مکان‌های همگانی روستا مانند بیشه‌زارها و استخرهای همگانی آبیاری کشتزارها یا چشمه‌ها و یا نزدیک رودخانه‌ها و یا باغ و یا زمین‌های کشاورزی خود می‌روند پس از رسیدن مردم به مکان انتخاب‌شده سیزده‌بدر، گروه انتخاب‌شده به تدارکات می‌پردازند وسایل گرم کردن نهار را آماده می‌کنند و برخی با چوب‌های خشک آتش می‌افروزند و چای آماده می‌کنند و نهار و خوراکی‌هایی را که با خود آورده‌اند و لازم است گرم شوند را گرم می‌کنند و بهترین آجیل‌ها و میوه‌ها و خوراکی‌هایی را که آورده‌اند به میان گذاشته و همزمان با گفت‌وگو و خنده و گاهی شوخی با شادی میل می‌کنند برخی از بچه‌ها به گردو بازی و ال‌ک‌دولک و...

نوجوانان و جوانان به ورزش و بازی‌های گوناگون مرسوم مانند والیبال و فوتبال و دوچرخه‌سواری می‌پردازند مسن‌ترها و سران برنامه‌ریز و برنامه‌ساز گروه‌ها با یکدیگر به گفت‌وگو و گاهی به بیان برنامه‌های خود یا برنامه‌های گروهی مردمی و گفتن دیدگاه‌های خود می‌پردازند و با یکدیگر مشورت و همفکری و

خبرگیری و خبررسانی می‌کنند تا زمان خوردن ناهار بشود و پس از خوردن ناهار گروه‌هایی از جوانان و نوجوانان به ورزش‌های پیاده‌روی و گاهی کوهنوردی در مسافت‌های کوتاه (تپه پیمایی) می‌پردازند و آن‌ها که نامزد دارند و یا همسران جوان باهم برای به آب انداختن سبزه‌ها و خوراک دادن به آبزیان به سمت رودخانه‌ها و آبگیرها به راه می‌افتند و در مسیر به سمت رودخانه‌ها به راهپیمایی و گردش و گفت‌وگو و شادی و گفتن آرزوها و برنامه‌های خود می‌پردازند و از باهم بودن لذت می‌برند همه خانم‌ها و دخترخانم‌های جوان گفت‌وگو و شادی و شوخی کنان سبزی‌هایی را که از ۱۵ تا ۱۰ روز مانده به جشن نوروز آماده نموده بودند و الگوی کاشت و داشت و برداشت هستند را به دست گرفته و برای کمک و غذا دادن به جانوران آبزی علفخوار مانند ماهی‌ها و لاک‌پشت‌ها و...

به کنار رودخانه‌ها و آبگیرها و... می‌برند و آن‌ها را به تکه‌های کوچک تبدیل نموده و هر تکه کوچک از سبزی را به بخشی از رودخانه و آبگیری اندازند (پرتاب می‌کنند) تا به تغذیه ماهی و لاک‌پشت‌ها و سایر جانوران آبزی و کنار آبزی که به دلیل سرمای زمستان و کمبود گیاهان سبز و جلبک‌ها دچار کم‌غذایی و گرسنگی هستند کمک کنند باید بدانیم که یکی دیگر از خوبی‌های سبزه‌بدر همین خوراک دادن به جانوران آبزی و کنار آبزی و حیوان‌دوستی است. همه خانم‌ها هنگام به آب انداختن هر تکه سبزی نام یکی از جوان‌ها را بر زبان جاری و بدین‌وسیله برای تمام جوان‌های خانواده خود و آشنا و فامیل آرزوی خوشبختی و شادی می‌کنند و نام آن جوان‌ها را هنگام به آب انداختن هر تکه سبزی بر زبان می‌آورند و آرزوهای خود را برای خوشبختی آن جوان‌ها از خدا می‌خواهند نام بردن هر یک از جوان‌ها برای هر تکه سبزی موجب

می‌شود که سبزه‌ها را به تکه‌های کوچک‌تر و بیشتری بخش کنند و آن‌ها را در جاهای بیشتر رودخانه پرتاب کنند تا جانوران بیشتری امکان خوردن آن‌ها را بیابند سپس جوان‌ترها به خواندن سرودها و ترانه‌های شاد بومی و همگانی و رقص می‌پردازند همسران جوان و دخترخانم‌های دم بخت به ویژه آن‌ها که عقد نموده‌اند و یا گفت‌وگوی نامزدی‌شان انجام شده و یا نشان کرده‌اند (گفت‌وگوی نامزدی بین خودشان انجام شده) در حال شادی و سرودخوانی هنگام به آب انداختن تکه‌های سبزی می‌گویند:

سبزه‌بدر. شمس و قمر.  
 کوه و کمر. سال دیگر.  
 بچه به بغل. از خانه شوهر.  
 ما می‌آییم. سبزه‌بدر؛

مردان جوان و نامزددار با خنده و شوخی می‌گویند:

سبزه‌بدر کوه و کمر  
 سال دیگر بچه به بغل  
 با این همسر ما می‌آییم  
 سبزه‌بدر...

پس از به آب انداختن سبزی‌ها شاد و خوش از کمک و خوراک دادن به آبزیان گروهی از جوانان به نواختن موسیقی و رقص و پای‌کوبی می‌پردازند و هنگام پسین و دیرگاهی از شب مردم بادللی شاد و خوش به خانه‌های خود برمی‌گردند تا خود را برای آغاز به کار و کوشش و اجرای برنامه‌های کاری خود از روز ۱۴ فروردین آماده کنند پس از انجام مراسم جشن نوروز و دیدوبازدیدها با برگزاری جشن سبزه‌بدر مراسم جشن‌های نوروز به پایان

می‌رسد. روز سیزدهم فروردین آخرین روز جشن‌های نوروز می‌باشد خانواده‌ها برای تفرج و شادی اینکه زمستان تمام‌شده و بهار موسم فراوانی نعمت و شادی آمده و ارزیابی آنچه گذشته و برنامه‌ریزی برای آینده... از روز ۱۴ باید همه مشغول کار و کوشش و تلاش جدی شوند. اجرای برنامه‌ها در سال نو: از روز چهاردهم فروردین تمام مردم به اجرای برنامه‌های کاری خود در سال جدید می‌پردازند، مراکز آموزشی کار خود را آغاز می‌کنند بنگاه‌های تولیدی و تجاری واداری و مشاغل آزاد به کار و کوشش می‌پردازند... بازارها و فروشگاهها دایر و کشاورزان از روز چهاردهم فروردین برای بررسی و اجرای برنامه‌ها به کشتزارهای خود می‌روند و چرخه کار و کوشش و تولید در سال نو در همه زمینه‌ها آغاز می‌شود.